

**درآمد:** یکی از راهکارهای توانمند سازی نیروهای مسلح آموزش های مستمر و هدفمند می باشد. آموزش تلاشی دوسویه و مستمر در زمینه تغییر بینش و رفتار نیروی انسانی در سازمان های پیشرو و دانش مدار است. این فرایند پایان ناپذیر، شامل کلیه افراد و در برگیرنده تمامی دانش، بینش و مهارتهایی می شود که سازمان را در تحقق اهداف و انجام رسالت و ماموریت خویش از طریق دگرگونی در رفتار و پندار منابع انسانی و ارتقاء آنها یاری می رساند. نوشتاری که پیش روی دارید با عنوان «مقررات قانونی به کار گیری سلاح- متون آموزشی تخصصی ویژه قضات و کارکنان نیروهای مسلح» با همکاری گروه پژوهش های قضایی سازمان<sup>۱</sup> متشکل از جمعی از قضات با تجربه و صاحب نظر تدوین و همچنین به منظور ایجاد رویه واحد در آموزشهای یاد شده در سراسر کشور تهیه گردیده است. امید است که مطالعه این جزوه پاسخگوی بخشی از نیازهای حرفه ای و آموزشی همکاران قضایی، ضابطان و سایر علاقمندان باشد.

همکاران ما در دفتر آموزش و پژوهش، انعکاس کاستی ها و ارائه پیشنهادات و نظرات سازنده را ارزنده ترین هدیه و نکوداشت تلاش های انجام شده می دانند تا از این رهگذر، در تدوین متون آموزشی بعدی گام های بلندتری را بردارند.

## دفتر آموزش و پژوهش

زمستان ۱۳۸۹

### \*- اعضاء محترم گروه پژوهش های قضایی که در تدوین این جزوه همکاری داشته اند عبارتند از:

- ۱- حجت الاسلام والمسلمین محمد مصدق - معاون قضایی و حقوقی سازمان قضایی و مدرس دانشگاه
- ۲- آقای سیدرضا حسینی - بازپرس شعبه اول دادسرای نظامی تهران و مدرس دانشگاه
- ۳- آقای محمدرضا یزدانیان - معاون اول دادستان نظامی تهران و مدرس دانشگاه
- ۴- آقای سیداحمد موسوی الوندانی - مدیرکل دفتر ریاست و روابط عمومی و مدرس دوره عالی قضایی
- ۵- آقای احمد غلامی - مدیرکل حفاظت و اطلاعات و مدرس دوره عالی قضایی
- ۶- آقای خیرالهرنجگر - مدیرکل حقوقی و مدرس دانشگاه
- ۷- آقای غلامعباس ترکی - مدیرکل دفتر آموزش و پژوهش و مدرس دانشگاه
- ۸- آقای جعفر صادق منش - معاون مدیرکل دفتر آموزش و پژوهش و مدرس دانشگاه
- ۹- آقای ایوب ادیب - رییس شعبه هشتم دادگاه نظامی یک تهران و عضو کمیسیون قوانین جزایی

**« مقدمه »**

بررسی آسیب‌شناختی و جامعه‌شناختی و حقوقی رفتار مأموران مسلح در صحنه‌های منتهی به تیراندازی که در نهایت موجب جرح یا قتل به حق یا نا حق بعضی از شهروندان می‌شود، ضرورتی گریز ناپذیر است زیرا در این صحنه‌ها دو ارزش اساسی و مصلحت بزرگ همواره در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. از یک سو مأمورانی با اخلاص تمام، جان بر کف نهاده، برای تأمین امنیت همه جانبه‌ی شهروندان جامعه‌ی اسلامی به مصاف اشرار، قاچاقچیان و اخلال‌گران در امنیت می‌شتابند و گاهی با تأثیرپذیری از شرایط و مقتضیات صحنه‌ی رویارویی با آنان، در به‌کارگیری سلاح خطایی هرچند کوچک مرتکب می‌شوند و به دنبال آن در معرض اتهام کیفری سنگین قرار می‌گیرند و از سوی دیگر با شهروندانی که به سبب ناآگاهی از قوانین و مقررات گاهی به دستورهای مأموران توجه نکرده و قربانی تیراندازی درست یا نادرست آنان می‌شوند.

همین عنایت بیشتر به یکی از دو ارزش و مصلحت موجب شده‌است که ما گاهی در نوع داوری نهایی خود درباره قانونی بودن یا نبودن تیراندازی و به تبع آن مسؤول بودن یا نبودن مأمور از نظر کیفری یا مدنی از صراط بی‌طرفی خارج شویم، بنابراین شناخت راه راست از بی‌راهه در جاده‌ی تأمین امنیت و احقاق حقوق شهروندان مهمترین ضرورت در ارتباط با پرونده‌هایی از این قبیل است، تا از یک سو مأموران مسلح به در کنترل رفتار سازمانی خویش و رعایت قوانین و مقررات ناظر بر به‌کارگیری سلاح در عین تأمین امنیت از افتادن در این ورطه پرهیز کنند و از سوی دیگر از پیش آمد حوادث ناگوار منتهی به سلب سلامت یا زندگی شهروندان پیشگیری شود.

## فصل اول: کلیات

### گفتار نخست: طرح موضوع و اهمیت آن

اطلاع از فلسفه وجودی و علت وضع قوانین و مقررات، نه تنها به درک بهتر هر قانون یا مصوبه و امکان تفسیر دقیق موارد ابهام یا اجمال آن می‌انجامد، بلکه باعث توجیه مخاطبین و درک ضرورت وضع آن برای سامان دادن امور و نهایتاً آسان شدن اجرا و رعایت آن در جامعه می‌شود.

بنابراین قبل از بررسی قانون به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸<sup>۲</sup> لازم است فلسفه و علت وضع آن مورد کنکاش قرار گیرد.

### ماده ۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد:

« مأموران مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضایی و سایر مأموریت‌های محوله مجاز به حمل و به‌کارگیری سلاح می‌باشند، موظفند به هنگام به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری، کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت کنند.»

فلسفه وضع این قانون که در این نوشتار به اختصار ((قانون به‌کارگیری سلاح)) نامیده می‌شود، همچنان که در ماده یک آن آمده است استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا تفتیش و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی یا انجام سایر مأموریت‌های محوله به نیروهای مسلح می‌باشد.

باتوجه به فلسفه مذکور، مقنن ایجاد امنیت و اجرای عدالت را به صورت شخصی نپذیرفته و حمل و استعمال سلاح گرم را توسط اشخاص عادی ممنوع اما به طور استثنا برای ایجاد امنیت عمومی و اجرای عدالت همگانی و مقابله با مجرمان، به مأموران مسلح اجازه داده که با رعایت مقررات قانون به‌کارگیری سلاح، اقدام به حمل و استفاده از سلاح نمایند.

استقرار نظم در جامعه با رعایت قانون و احترام متقابل افراد به حقوق یکدیگر حاصل می‌شود و از همین رهگذر در واقع هرکاری در مسیر صحیح و قانونی خود قرار می‌گیرد. برای بوجود آمدن این وضعیت نیاز است که نیروهای انتظامی با قانون‌شکنان و قانون‌ستیزان برخورد قانونی نمایند و در صورت نیاز در مقابل آنان دست به سلاح شوند.

استقرار امنیت در جامعه با دفاع از مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز دشمنان و مجرمان به منافع ملی و حقوق شهروندان شکل می‌گیرد و امنیت، بستری برای انجام همه فعالیت‌های مردم و دولت است و در حقیقت با به وجود آمدن بستر امنیت در جامعه، امکان ایجاد نظم و اجرای قانون فراهم می‌شود. بدون در اختیار داشتن و به‌کاربردن سلاح‌های مدرن و پیشرفته امکان برقراری امنیت میسر نیست.

۲- متن کامل این قانون در صفحه ۷۳ جزوه آمده است.

جلوگیری از فرار متهم و مجرم و اجرای وظایف ضابطین دادگستری، نیاز به ابزارهای قدرت و اقتدار برای پلیس دارد؛ به خصوص در مقابله با قاچاقچیان بین‌المللی و جرایم بانندی و سارقان مسلح، پلیس چاره‌ای جز استفاده از سلاح ندارد. همچنین اجرای احکام قضایی در بسیاری از موارد با امتناع محکومین مواجه می‌شود که نیاز به ابزار قدرت، جهت اجرای آن است.

بنابراین تجویز حمل و به کارگیری سلاح توسط مأموران برای تأمین مصالح مذکور از باب اضطرار، مستلزم وضع قوانین و مقرراتی برای ساماندهی و تعیین حدود و ثغور بهره‌گیری از این اختیارات و تصویب قوانین به کارگیری سلاح توسط مأموران در همین راستا قابل توجیه است.

قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ شامل ۱۷ ماده و ۱۳ تبصره بوده که با توجه به ایرادات، نواقص و ابهامات موجود در آن، پیش‌نویس بازنگری و اصلاح<sup>۳</sup> قانون مذکور در دبیرخانه شورای امنیت کشور تهیه و تدوین شده است.

۳- متن کامل این پیش‌نویس در صفحه ۱۰۱ جزوه آمده است.

**گفتار دوم: پیشینه تقنینی ناظر بر به کارگیری سلاح**

از دوران قاجاریه تا به حال قوانین و مقررات خاصی جهت مشخص نمودن موارد مجاز تیراندازی ماموران مقرر شده که آگاهی از روند تدریجی اصلاح و تغییر آنها می تواند کمک موثری در فهم و برداشت از قوانین فعلی داشته باشد به همین منظور اهم قوانین مصوب در این باره را به ترتیب تاریخ تصویب آورده و تغییرات هر قانون را در ذیل همان قانون بیان می کنیم:

**مبحث اول: قوانین و مقررات پیش از انقلاب****الف) قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۵ هـ.ق:**

در قسمت دوم منضمات این قانون (منضم به ماده ۲۲۶) موارد مجاز تیراندازی به ۲ مورد تقسیم شده بود:

- ۱- در مواقع عادی
- ۲- در موارد غیرعادی

**۱- موارد استعمال اسلحه در مواقع عادی:**

- ۱-۱- به جهت مدافعه شخصی خود از کسی که با اسلحه به آنها حمله بیاورد.
- ۱-۲- به جهت مدافعه شخصی خود از یک یا چند نفر که بدون اسلحه حمله می آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه، مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.
- ۱-۳- در صورتی که ماموران ضبطیه<sup>۴</sup> و نظمیه<sup>۵</sup> قراسواران<sup>۶</sup> ببینند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده اند و جان آنها در خطر است.
- ۱-۴- در صورتی که جانی یا مقصری را که عمال ضبطیه و غیره می خواهند توقیف نمایند اقداماتی نمایند که در موارد ۱ و ۲ این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد.
- ۱-۵- در صورتی که محبوس از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقداماتی نماید که در موارد ۱ و ۲ این ماده مذکور است.

۴- ژاندارمری

۵- شهربانی

۶- کسی که همراه با گروهی از طرف پادشاه در راهها و شوارع مستقر می شده تا قافله ها و کاروانها و مکانهایی که احتمال حمله یا تهاجم دارد به سلامت عبور دهد.

## ۲- موارد استعمال اسلحه در مواقع غیر عادی:

در مواردی که دسته‌ای عمال ضبطه و نظمیه و قراسواران برای اطفاء نایره شورش احضار می‌شوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جایز است:

۲-۱- اقدام به استعمال اسلحه منوط به اجازه صاحب منصب ضبطیه‌ای است که اسکات شورشیان به عهده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را وقتی می‌خواهد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد.

۲-۲- صاحب منصب ضبطیه یا نظمیه باید قبل از حکم به استعمال اسلحه سه دفعه با شورشیان اتمام حجت نموده و اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد.

۲-۳- در صورتی که موقع مقتضی اتمام حجت فوق‌الذکر و فوت وقت نباشد مثلاً در مواردی که شورشیان حمله به مال ضبطیه آورند به طوری که آنها در مخاطره باشند یا آنکه اشخاص دیگری مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آنها لازم باشد بدون اتمام حجت، حکم به استعمال اسلحه می‌توان کرد.  
قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام نسخ شده و قابلیت استناد ندارد.

### ب) نظام نامه اداره نظمیه هیأت وزرای نظام دولت مصوب ۱۳۳۳ هـ. ق

دومین قانون موجود در خصوص مجوز تیراندازی مامورین، نظام نامه فوق‌الاشاره می‌باشد. ماده ۳۲ این نظام‌نامه مقرر می‌داشت: ماموران نظمیه در مواقع ذیل مجازند که اسلحه خود را بکار ببرند ولی باید بخوبی متوجه این نکته باشند که اسلحه خود را فقط در مواقعی می‌توان استعمال نمود که چاره آنها منحصر به استعمال اسلحه بوده یا اینکه بجز استعمال سلاح به وسایل دیگر غیرممکن باشد که به مقصود نائل آیند. مأمور نظمیه قبلاً مشخص نماید که چه نوع اسلحه‌ای باید به کار برد و به چه قسم از حمله که به او می‌شود جلوگیری نموده که حد امکان قتلی واقع نگردد.

۱- در مواقعی که طرف حمله واقع شده و جان آنها در خطر باشد.

۲- در موقع دستگیری مرتکب به جنایت یا متهم به جرمی، هرگاه آنها با مأمور مزبور درصدد زد و خورد برآیند.

۳- در مواقعی که شخص جانی گرفتار، درصدد فرار برآید.

۴- نسبت به اشخاصی که با تهدید به استعمال اسلحه، مخالفت به امر آنان نموده و در صورتی که مأمور نظمیه امر به توقیف می‌دهد درصدد فرار باشد.

در تمام مواقع دیگر که در فوق پیش‌بینی نشده باشد مأمور نظمیه در استعمال اسلحه خود مسئول خواهد بود.

نظام نامه اداره نظمیه هیأت وزرای نظام دولت مصوب ۱۳۳۳ هـ. ق. نسخ شده است.

**ج) لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص**

می‌شوند مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۳۳ هـ.ش

ماده واحده: هرگاه یک یا چند نفر برای سرقت وارد منزل یا مسکن اشخاص شوند اگرچه یک نفر آنها حامل سلاح باشد و یا در موقع سرقت در مقام هتک ناموس برآیند و هیچ یک آنها هم مسلح نباشد در دادگاههای نظامی محاکمه و به مجازات مقرر در بند الف ماده ۴۰۸ قانون دادرسی و کیفری ارتش محکوم خواهند شد.

**تبصره ۱:** در صورتی که ساکنین محل مزبور در مقام مدافعه از مال یا جان یا ناموس و یا جلوگیری از بردن مال در محل سرقت مرتکب قتل یا جرح و یا ضرب سارقین شوند از مجازات معاف خواهند بود.

همچنین اگر متهم یا متهمین به اخطار ماموران انتظامی تسلیم نشوند و در نتیجه فرار آنها و تیراندازی ماموران، مجروح یا مقتول گردند، ماموران انتظامی از مجازات معاف می‌باشند.

لایحه قانونی فوق‌الاشاره نسخ شده است.

**د) ماده واحده قانون اجازه حمل و استعمال اسلحه به نگهبانان بانکها مصوب ۱۳۵۰ هـ.ش**

ماده واحده: نگهبان بانک‌های دولتی در صورتی که واجد شرایط ورود به آموزشگاه پاسبانی شهربانی کل کشور بوده و دوره آموزشگاه مذکور را گذرانده و تعلیمات حفاظتی مخصوص بانک را فرا گرفته باشند فقط در مدت نگهبانی با رعایت مقررات مربوطه، حق حمل سلاح و در موارد زیر حق استعمال آن را دارند مشروط بر آنکه جز از راه استعمال سلاح نتوان به طریق دیگری حمله یا خطر را بلااثر یا متوقف ساخت:

۱- در صورتی که جواهرات و وجوه و اوراق بهادار و فلزات قیمتی و اسناد متعلق به بانک یا تحت حفاظت بانک جزئاً یا کلاً در داخل بانک یا اماکنی که محافظت اماکن مذکور در آنجا به عهده نگهبان بانک محول شده و یا در حین حمل و نقل مورد خطر قرار دارد.

۲- در صورتی که کسی برخلاف مقررات در ساعات نگهبانی به منظور خلع سلاح اقدام به گرفتن اسلحه نگهبان کند یا جان وی را به نحوی از انحاء در معرض خطر قرار دهد.

۳- در صورتی که جان یا مال مشتری یا جان هریک از کارکنان بانک در محوطه بانک مورد خطر قرار گیرد.

**تبصره ۱:** بانک‌ها و مؤسساتی که از مقررات این قانون استفاده می‌نمایند موظفند نگهبانان حامل سلاح خود را در برابر حوادث ناشی از انجام وظیفه، همچنین مسئولیت مدنی آنها را در قبال اشخاص ثالث که ناشی از انجام وظیفه مذکور باشند در شرکت سهامی بیمه ایران، بیمه نمایند.

**هـ) قانون تشکیل گارد صنعت نفت مصوب ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی**

ماده واحده: برای حفاظت تأسیسات و اموال و اسناد صنعت نفت، سازمانی به نام گارد صنعت نفت تشکیل می‌شود که افراد سازمان مزبور در اجرای قانون مجازات اخلاص گران در صنایع نفت مصوب ۱۳۳۶، در موقع نگهداری دارای وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ضابطین نظامی خواهند بود و طبق این قانون و آئین‌نامه مربوطه، حق استعمال اسلحه را خواهند داشت.

آئین‌نامه استعمال اسلحه به وسیله گارد صنعت نفت نیز در سال ۱۳۵۳ هـ. ش به تصویب کمیسیونهای مجلس شورای ملی رسیده و ماده ۱ این آئین‌نامه اشعار می‌دارد:

**ماده ۱:** افراد مسلح گارد صنعت نفت هنگام نگهداری در موارد زیر حق استعمال اسلحه را خواهند داشت:

- الف) در صورتی که جان نگهبان در خطر باشد.
- ب) موقعی که محل یا حوزه نگهداری به وسیله متجاوز در خطر باشد.
- ج) در مواقع اضطراری به منظور اعلام خطر با شلیک هوایی.
- د) هرگاه عابری در محوطه تحت حفاظت به سه اخطار (ایست) نگهبان توجه ننماید.
- هـ) وقتی که دستور استعمال اسلحه به وسیله سلسله مراتب از پاسبخش به بالا به نگهبان صادر و ابلاغ گردد.

**مبحث دوم: قوانین و مقررات پس از انقلاب****الف) آئین‌نامه پاسداری نیروهای مسلح:**

این آئین‌نامه در ۷۵ ماده در مهرماه ۱۳۶۰ توسط رئیس ستاد مشترک ارتش به نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شده و در حال حاضر ملاک عمل سایر نیروهای مسلح نیز می‌باشد. در این آئین‌نامه، وظیفه نگهبان مسلح در محیطهای نظامی و در موقع انجام نگهداری در داخل پادگانها مشخص گردیده است.

بند س ماده ۶۰ آئین‌نامه مذکور در خصوص اجازه تیراندازی به نگهبان مقرر داشته:

**نگهبان در موارد زیرین اسلحه به کار می‌برد:**

- ۱- وقتی که دستور به کار بردن اسلحه از طرف مافوق صادر شده باشد.
- ۲- در صورتی که جان نگهبان در خطر باشد.
- ۳- موقعی که پاسگاه مورد نگهداری در خطر باشد.
- ۴- موقعی که عابر یا عابری به دستور ایست نگهبان توجه ننماید.



=====

**ماده ۷۵ آئین نامه مذکور مقرر داشته:** مراقبین مسلح زندانی مجازند علیه زندانی فراری تیراندازی نمایند منوط به اینکه استمداد به طرق دیگری برای جلوگیری از فرار زندانی امکان نداشته باشد در این صورت، دو مرتبه اخطار ایست می دهند در صورت ترمرد زندانی به قسمی تیراندازی می نمایند که حتی المقدور به نقاط پایین بدن اصابت کند.

**ب) آئین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴**

**ماده ۳۸ آئین نامه فوق الاشاره مقرر می دارد:** ..... اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام قوا او را تعقیب نموده و چنانچه با به کار بردن تمام تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه بازهم توقف ننموده با رعایت اطراف و جوانب و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیرهوایی و در مقام ناچاری با نشانه گیری ساق پای زندانی، از فرار او جلوگیری نماید.

**تبصره:** تخلف از مقررات ماده فوق علاوه بر تعقیب قانونی موجب تنبیه انضباطی خواهد بود.

آیین نامه فوق الاشاره باتوجه به آیین نامه اجرایی سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۴ رییس قوه قضاییه نسخ شده است.

**ج) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰**

**ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد:** هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلفی از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم، مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود.

**د) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱**

**ماده ۲۴ قانون مزبور مقرر می داشت:** هر نظامی که برخلاف مقررات و ضوابط، مبادرت به تیراندازی نماید عمل او جرم محسوب و به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود طبق قانون قصاص حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود.

این ماده با توجه به ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نسخ شده است.

**ه) قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳**

این قانون در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۸ شامل ۱۷ ماده و ۱۳ تبصره تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است هرچند این قانون دارای ابهامات، ایرادات و نواقص فراوانی است در حال حاضر آخرین و جامع ترین قانون لازم الاجرا در زمینه تیراندازی محسوب می شود که شرح آن در فصول آینده مفصلاً خواهد آمد.

**و) دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۷۵/۱/۱<sup>۷</sup>**

این دستورالعمل به استناد ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست تصویب شده و ۱۰ فصل و ۶۹ ماده و ۱۸ تبصره دارد که ماده ۱۶ آن مقرر داشته:

آن دسته از ماموران سازمان که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرائم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در شمار نیروهای مسلح موضوع ماده یک قانون به‌کارگیری سلاح توسط ماموران مسلح در موارد ضروری محسوب و در چارچوب موازین دقیق قانون مذکور حق استفاده از اسلحه سازمانی را دارند.

**ز) آئین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۵ قانون به‌کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در****موارد ضروری مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۳ هیأت وزیران.<sup>۸</sup>**

این آئین‌نامه در سال ۱۳۷۹ در ۴ ماده و دو تبصره به تصویب هیأت وزیران رسیده و ناظر بر پیش‌بینی اعتبار لازم جهت پرداخت دیه و جبران خسارت به اشخاص بی‌گناه و کمک مالی به مأموران که در حین خدمت یا در ارتباط با انجام وظیفه متحمل صدمات جانی یا ضرر و زیان مالی شده‌اند می‌باشد.

**ح) آئین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در****موارد ضروری مصوب ۸۱/۴/۳۰ هیأت وزیران.**

این آئین‌نامه مشتمل بر ۵ ماده و ۴ تبصره است که به تعاریف و مفاهیم، بازداشتگاه، بازداشتی و زندان پرداخته و در ماده ۲ این قانون نحوه و چگونگی تعقیب و تیراندازی به سوی فرد متواری را معین نموده است. برابر ماده ۲ این آئین‌نامه مأموران ذیربط در صورت مشاهده بازداشتی یا زندانی موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند:

الف) با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند.

ب) با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند.

ج) با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد اقدام به شلیک تیرهوایی نمایند.

د) در صورت عدم تأثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.

**تبصره ۱:** تیراندازی از ناحیه کمر به بالا در صورتی مجاز است که مراحل فوق رعایت گردیده و یا اجرای آنها ممکن

نباشد.

۷- این دستورالعمل در تاریخ ۷۵/۱/۱ به تصویب معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان زیست رسیده و از تاریخ تصویب لازم الاجرا می‌باشد.  
۸- این آیین‌نامه به شرح برگه ۷۹ ضمیمه است.

**تبصره ۸:** در صورتی که فرار با استفاده از وسایط نقلیه انجام گیرد مأموران موظفند برابر ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری اقدام نمایند.

**تبصره ۹:** دستورالعمل اجرایی چگونگی برخورد با ناآرامی‌های داخل زندان و زندانیان و بازداشتی‌های متواری از لایه‌های درونی زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیروی انتظامی تدوین و به تایید رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

**تبصره ۱۰:** در صورتی که نقل و انتقال افراد زندانی یا بازداشتی توسط گروهی از مأموران صورت گیرد تشخیص تیراندازی برعهده فرمانده گروه مأموران مراقب می‌باشد.

**ط) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹:**

**ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اشعار می‌دارد:**

هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود و چنانچه از مصادیق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

**تبصره ۱:** چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

**تبصره ۲:** مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارات به موجب قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و آئین‌نامه‌های مربوط خواهد بود.

**ی) آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ ریاست قوه**

**قضایه**

**ماده ۳۳ آئین‌نامه مذکور اعلام می‌دارد:** «... هنگامی که نگهبانان، زندانی را طبق دستور رسمی کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی برای محاکمه یا بازپرسی یا انتقال به زندان یا محل دیگر از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشند... اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با به‌کاربردن تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه بازم توقف نمود، با رعایت جوانب و اطراف و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچاری با نشانه‌گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید».

**مبحث سوم - قلمرو قانون به کارگیری سلاح و آیین نامه‌ی پاسداری**

در جمع بندی آنچه گذشت می توان گفت که همه‌ی قوانین و مقررات ناظر بر به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در حاضر منسوخ هستند به جز قوانین و مقررات زیر:

- ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲
- ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴
- قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن
- دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۱۳۷۵
- آیین نامه‌ی پاسداری نیروهای مسلح

حال باتوجه به وجود مشترکات فراوان بین قانون به کارگیری سلاح و آیین نامه پاسداری نیروهای مسلح در زیر به بررسی قلمرو اجرایی آن دو می پردازیم:

آیین نامه پاسداری<sup>۹</sup> مربوط به محیط‌های نظامی - انتظامی و نگهبانی از مواضعی که در فضای محدود و بسته پادگان‌ها و تأسیسات و مراکز خاص نظامی و انتظامی، امنیتی قرار دارند مقرراتی را وضع کرده و نگهبانان مسلح که پاسدار نامیده می شوند به هنگام نگهبانی از مواضع مذکور، مکلف بر رعایت آن هستند.

بند س ماده ۶۰ آیین نامه پاسداری موارد تجویز به کارگیری سلاح را به شرح زیر بیان داشته است:

- ۱- وقتی که دستور به کاربردن سلاح از طرف فرمانده پاسدار صادر و توسط پاسبخش به نگهبان ابلاغ شده باشد.
- ۲- جان نگهبان در خطر باشد.
- ۳- پاسگاه نگهبان درخطر باشد.
- ۴- عابر یا عابری به دستور ایست نگهبان توجه ننماید.

در بند ش ماده ۶۰ این آیین نامه برای پاسگاه‌هایی که فرمانده یا رئیس پاسدار عبور را ممنوع کرده مقررات ویژه‌ای را پیش بینی کرده که عابر باید قبل از رسیدن به سی قدمی نگهبان، توقف کند. آن مقررات عبارتند از اینکه نگهبان در حالی که لوله سلاح حاضر به تیر را به سوی عابر نشانه کرده، با صدای بلند فرمان ایست بدهد عابر باید فوراً ایست کند، نگهبان هویت او را می پرسد، عابر پاسخ می دهد، اگر آشنا باشد نگهبان فرمان پیش می دهد، در پانزده قدمی به عابر کلمه اول عبور را اعلام می کند، بلافاصله جزء دوم کلمه عبور را بیان می کند و اجازه عبور به وی داده می شود.

۹- این آیین نامه در مهرماه سال ۱۳۶۰ توسط رئیس ستاد مشترک وقت ارتش به نیروهای سه گانه ارتش ابلاغ شده و در حال حاضر ملاک عمل نیروهای مسلح می باشد.

در صورتی که عابر اسم عبور نداشته باشد به دستور نگهبان در همان محل متوقف می‌شود تا پاسخبخش در محل حاضر شود اگر عابری متعدد باشند، ارشد آنان را پیش فراخوانده و اگر سوار باشند نگهبان پس از فرمان ایست به آنان دستور پیاده شدن می‌دهد سپس طبق ماده ۵۹ رفتار می‌کند.

در بند ذ ماده ۵۹ از وظایف نگهبان آمده است که: در مواقع برخورد با عابری که قصد ورود به محوطه تحت نگهبانی را داشته متوقف و پس از حصول اطمینان اجازه داده می‌شود و اگر منطقه ممنوع ورود باشد مانع ورود عابر به منطقه ممنوعه گردیده و اگر اطاعت نکرد دو بار ایست داده و سپس به ضرب گلوله عابر را متوقف می‌کند.

در ماده ۷۵ آیین‌نامه پاسداری آمده است: مراقبین مسلح زندانی مجازند علیه زندانی فراری تیراندازی نمایند منوط به اینکه استمداد به طرق دیگری برای جلوگیری از فرار زندانی امکان نداشته باشد در این صورت دو مرتبه اخطار ایست می‌دهند در صورت تمرد زندانی به قسمی تیراندازی می‌نمایند که حتی‌المقدور به نقاط پایین بدن اصابت کند.

قانون به کارگیری سلاح ناظر به وظایف عمومی مأموران نظامی و انتظامی در داخل محیط نظامی و خارج از محیط نظامی است و آیین‌نامه پاسداری صرفاً به حفظ نظم و محافظت از مواضع نظامی داخل پادگان و اطراف پادگان، مربوط می‌باشد.

بند «س» ماده ۶۰ آیین‌نامه، استفاده از سلاح را بدون قید و شرط بیان و نحوه کاربرد آن را در چهار مورد که ذکر شده بیان نموده در حالی که در تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، استفاده از سلاح را به شلیک تیرهوایی، کمر به پایین سپس کمر به بالا مشروط کرده است.

سؤال این است که نگهبان یک مرکز حساس یا حیاتی (نظامی، انتظامی، امنیتی) هرگاه جان یا سلاح یا پایگاه خود را در خطر بالفعل ببیند باید بلافاصله به طرف مهاجم شلیک کند یا طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح ابتدا تیر هوایی شلیک کند و بعد کمر به پایین را هدف قرار دهد؟ چنانچه فرد غیرنظامی برای سرقت وارد پادگان شود تکلیف نگهبان مسلح چیست؟ آیا برابر آیین‌نامه پاسداری تیراندازی کند یا اینکه قانون به کارگیری سلاح را رعایت نماید؟

باتوجه به اینکه مواضع حساس که نگهبان مسلح برای مراقبت و محافظت از آنها گمارده می‌شود نوعاً درون پادگان‌ها هستند و افراد غیرنظامی و خارج از پادگان امکان ورود به آن مناطق را ندارند و کسانی که در موارد ممنوع شده در شب در داخل پادگان رفت و آمد می‌کنند باید طبق بند ش ماده ۶۰ رفتار نمایند به نظر می‌رسد که مقررات حاکم بر این موارد با مقررات قانونی به کارگیری سلاح متفاوت بوده و نمی‌توان مقررات قانون مذکور را در داخل پادگان‌ها اعمال کرد و قاضی ناگزیر است هر نوع تیراندازی منجر به جرح یا قتل را در چارجوب مقررات آیین‌نامه پاسداری مورد رسیدگی قرار دهد.

همچنین قانون به کارگیری سلاح، ناسخ آیین نامه پاسداری نبوده و این آیین نامه هنوز هم در داخل پادگان ها قابلیت اجرا و استناد دارد.

در پرونده ای نگهبان مسلح به استناد این آیین نامه به یک نفر غیرنظامی که جهت سرقت به یک توقفگاه خودرویی وارد شده بود تیراندازی نموده و منجر به مرگ وی شد. دادگاه نظامی یک به لحاظ اینکه نگهبان رعایت مقررات به کارگیری سلاح را نکرده نگهبان را به حبس و پرداخت دیه محکوم می نماید. با اعتراض محکوم علیه پرونده به شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور ارسال و شعبه مذکور تیراندازی نگهبان را منطبق با مواد ۵۹ و ۶۰ آیین نامه پاسداری دانسته و دادنامه را نقض کرده است.<sup>۱۰</sup>

۱۰- مجله دادرسی، شماره ۵۴، مقاله « قلمرو کیفری قانون به کارگیری سلاح»، دکتر رضا فرج اللهی، ص ۱۹ الی ۲۴.

## گفتار سوم: تعاریف

## مبحث اول: منظور از سلاح و اقسام آن

از نظر لغوی در تعریف سلاح گفته شده: « آلتی که بدان جنگ کنند، آلت جنگ، ساز جنگ». تعریف اصطلاحی سلاح تفاوت چندانی با مفهوم لغوی آن ندارد و گفته می‌شود سلاح وسیله‌ای است که به منظور تعرض و یا دفاع به کار می‌رود.

براساس تقسیم‌بندی معمول، سلاح به دو نوع سرد و گرم تقسیم می‌شود و گرچه این تقسیم‌بندی در مورد سلاح‌های کشتار جمعی و بیولوژیک، تا حدود زیادی کارایی خود را از دست داده اما با توجه به موضوع بحث ما، به بررسی همین تقسیم‌بندی بسنده می‌شود. مقصود از سلاح سرد، ابزاری طبیعی با قابلیت تعرض و یا دفاع است که با قدرت انسانی عمل می‌نماید همچون قمه، شمشیر، کارد، باتوم و ... و مقصود از سلاح گرم، ابزاری مکانیکی است که به صورت خودکار یا نیمه خودکار و با اراده انسان عمل می‌نماید همچون انواع تفنگ و ادوات شلیک گلوله‌های سنگین.<sup>۱۱</sup>

البته این تعریف، تکلیف ابزارهای جدیدی چون افشانه‌های دفاع شخصی، شوکرهای برقی، سلاح‌های لیزری و... را مشخص نمی‌نماید و درخصوص تعلق آنها به هر کدام از این تقسیم‌بندی ابهام وجود دارد اما این ابزارها را به لحاظ این که اثرات آنها برانسان همانند سلاح گرم، که غالباً موجب مرگ افراد می‌گردد، نیست می‌توان در ردیف سلاح‌های سرد تقسیم‌بندی نمود و یا حداقل می‌توان گفت که سلاح گرم نیستند. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز افشانه‌های اشک‌آور گازی و شوکرهای الکتریکی را از مصادیق سلاح سرد جنگی برشمرده است.

در ترمینولوژی حقوق آمده است:<sup>۱۲</sup> سلاح سرد سلاحی است که آتش نشود مثل چاقو، کارد، شیشه و سلاح گرم سلاحی آتشین است مثل تفنگ.

## سلاح گرم به انواع زیر قابل تقسیم‌بندی است:

- ۱- **سلاح‌های گرم سبک:** سلاحی است که کالیبر آن ( قطر دهانه لوله سلاح گرم) ۲۰ میلی‌متر و یا کمتر باشد شامل سلاح‌های کمری، تفنگ‌ها و مسلسل‌های دستی است.
- ۲- **سلاح‌های گرم نیمه سنگین:** سلاح‌هایی هستند که کالیبر آنها بین ۲۰ تا ۳۰ میلی‌متر باشد.
- ۳- **سلاح‌های گرم سنگین:** سلاح‌هایی هستند که از لحاظ فیزیکی کاملاً متمایز از سلاح‌های سبک و نیمه سنگین می‌باشند و ساختار این سلاح‌ها به گونه‌ای است که برای جابجایی نیازمند تجهیزات خاصی می‌باشد.

۱۱- فرهنگ فارسی دوره یک جلدی، دکتر محمد معین، نشر سرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ص ۵۸۰.

۱۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیاد استاد، چاپ ۱۳۶۳، ص ۴۳.

کاربرد عملی بحث فوق در شمول یا عدم شمول مقررات « قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در موارد ضروری» درباره این سلاح‌ها است. گرچه در این قانون به این موضوع تصریح نشده که آیا سلاح سرد را نیز پوشش می‌دهد یا خیر؟ اما با بررسی قانون فوق به‌خصوص تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۳ و بندهای الف و ب ماده ۴ و ماده ۷ قانون مزبور همچنین با توجه به این که از عبارت « تیراندازی» در کنار سلاح در این قانون استفاده شده به روشنی می‌توان دریافت که منظور مقنن از سلاح در این قانون سلاح گرم سبک بوده و می‌توان استفاده از سلاح‌های نیمه سنگین در شرایط خاص مثل مبارزه با اشرار را نیز مشمول این قانون دانست اما در مورد سلاح‌های سنگین مثل توپ و خمپاره تردید جدی نسبت به شمول قانون نسبت به آنها وجود دارد. چرا که قراین موجود در این قانون مانند به کار بردن الفاظ تیراندازی که عرفاً درباره شلیک گلوله‌ی توپ یا تانک کاربرد ندارد و تکالیف ناظر بر دستور ایست، تیراندازی کمر به پایین به سوی اشخاص یا تیراندازی به سوی چرخ وسیله نقلیه و امثال آنها حاکی از آن است که قانونگذار از جهت به‌کارگیری سلاح‌های سرد و سلاح‌های سنگین در مقام بیان نبوده است.

### مبحث دوم: مأموران مسلح موضوع قانون

با عنایت به مفاد ماده ۱ قانون به‌کارگیری سلاح، ماموران مسلح مخاطب این قانون به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) ماموران مسلحی که برابر قانون استخدامی مربوطه جزء نیروهای مسلح می‌باشند.

ب) ماموران مسلحی که نظامی نیستند و مشمول قوانین و مقررات استخدامی دستگاه‌های متبوع خودشان می‌باشند.

#### الف) ماموران مسلح نظامی :

نیروهای مسلح، سازمان‌هایی نظامی و انتظامی هستند که به منظور حراست از مرزهای کشور و مقابله با تجاوز دشمنان و همچنین ایجاد و حفظ نظم و امنیت در داخل کشور و مقابله با قانون شکنان ایجاد می‌شوند. به استناد قانون استخدامی ارتش و سپاه و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قانون استخدامی نیروی انتظامی، این نیروها در کشور ما عبارتند از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بسیج، ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که دایره شمول قانون به‌کارگیری سلاح چیست؟

نیروهای مسلح برابر قانون استخدامی مربوطه دو وظیفه اصلی دارند: وظیفه اول مربوط به وظایف خاص نظامی آنان از قبیل مقابله با تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی کشور است و وظیفه دوم آنان اجرای وظیفه ضابطین قضایی است؛ بدین شرح که در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابطین را به آنان محول نمایند جزء ضابطین قضایی تلقی می‌شوند.

با عنایت به اینکه در ماده یک قانون به‌کارگیری سلاح آمده است که ماموران مسلح موضوع این قانون به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه و یا سایر ماموریت‌های محوله مجاز به حمل سلاح می‌باشند اگرچه با قید سایر ماموریت‌های محوله، این ماموریت‌ها جنبه حصری نداشته و تمثیلی می‌باشد به



نظر می‌رسد سایر ماموریت‌های محوله باید هم‌ردیف و هم‌سان و مشابه موارد مذکور باشد لیکن از آنجا که درگیری با دشمن در منطقه جنگی توسط نظامیان و نیز تیراندازی‌هایی که در ارتباط با رزمایش‌ها و آموزش‌های رزمی و مقررات آیین‌نامه پاسداری انجام می‌یابد موضوعی مستقل و دارای احکام خاص خود می‌باشد که هیچ مشابهتی با موارد مذکور ندارد لذا از شمول مقررات قانون به کارگیری سلاح خارج‌اند.

### ب) ماموران مسلح غیر نظامی:

حسب تبصره ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران مسلح، ماموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف و مأموریت‌های محوله قانونی مکلف به رعایت این قانون می‌باشند. البته راجع به کارکنان وزارت اطلاعات که ضابط قوه قضاییه هستند یا خیر؟ باید گفت که قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نه تنها اختیار ضابطین قوه قضاییه را به آنها واگذار ننموده بلکه به موجب ماده ۴ قانون مذکور، کلیه امور اجرایی امنیت داخلی کشور را از وزارت اطلاعات سلب و برعهده ضابطین قوه قضاییه محول نموده است.»

بنابراین کلیه امور اجرایی امنیت داخلی کشور برعهده ضابطین قوه قضاییه است و وزارت اطلاعات حق هیچ گونه مداخله‌ای اعم از احضار و جلب اشخاص، دستگیری و انجام تحقیقات و ... را ندارد. البته براساس قوانین حاکم فعلی، وزارت اطلاعات علاوه بر وظایف محوله در زمینه جمع‌آوری و پرورش اطلاعات در موارد محدود و خاص دارای اختیارات ضابطین قضایی نیز می‌باشد یعنی ضمن جمع‌آوری اطلاعات، خود نیز در جرایم مشخص اجازه برخورد و مقابله را نیز خواهند داشت؛ به عبارتی در حال حاضر وزارت اطلاعات براساس قانون تأسیس این وزارتخانه یک مرجع جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد و دارای اختیارات ضابطین نمی‌باشد اما در بند «ب» ماده ۱۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برخورد با مفاسد بزرگ اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی کلیه اختیارات ضابطین را داشته و تحت دستور مقامات قضایی عمل می‌کند.

### نتیجه:

مستنبط از مجموع قوانین حاکم، ماموران مسلح مشمول قانون به کارگیری سلاح عبارتند از:

۱- کارکنان نیروهای مسلح اعم از نیروی انتظامی، ارتش و سپاه که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی و سایر ماموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند. (ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح)

۲- ماموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی (تبصره ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح)

۳- آن دسته از ماموران محیط زیست که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای ماموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرایم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در شمار نیروهای مسلح محسوب و مکلف به رعایت قانون به کارگیری سلاح می‌باشند (ماده ۱۶ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۷۵/۱/۱)

بدیهی است سایر اشخاص و ماموران مسلح که مشمول قانون به کارگیری سلاح نمی‌باشند مکلفند در هنگام تیراندازی اصول کلی و مشترک از جمله اصل ضرورت، تناسب و قاعده تحذیر را رعایت نمایند..

## گفتار چهارم: شرایط لازم و تکالیف فرماندهان در ارتباط با تیراندازی مأموران

### مبحث اول) شرایط لازم

اولین و مهم‌ترین موضوعی که در استفاده از سلاح توسط مأموران باید مدنظر قرار گیرد احراز شرایط و صلاحیت فردی وی جهت به‌کارگیری سلاح است. برای اینکه مأمور به درستی تصمیم بگیرد که سلاح تحت اختیار خود را در چه زمانی، در کجا و چگونه و تحت چه شرایطی به کار ببرد ماده ۲ قانون به‌کارگیری سلاح چهار شرط را احصاء نموده است:

#### ۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله:

این شرط به صرف این که مأمور دارای شرایط جسمانی و روانی متناسب بوده که به استخدام نیروهای مسلح در آمده محقق نمی‌شود بلکه باید برای مأموریتی که به آن اعزام می‌شود از این شرایط برخوردار باشد. منظور از سلامت جسمانی داشتن توانایی به‌کارگیری مناسب و مطلوب از قوای بینایی، شنوایی، لامسه و فیزیک مناسب می‌باشد. ذکر این نکته هم ضروری است که مقنن احراز سلامت روانی را نیز لازم می‌داند. به عبارت دیگر مأمور مسلح باید قدرت تشخیص و تمیز مصادیق استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح را داشته باشد و در مقابل هرگفتار و رفتار تحریک آمیز طرف مقابل تحت تاثیر قرار نگرفته و از سلاح استفاده ننماید.

#### ۲- فراگرفتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله:

به موجب بند ۲، صرف داشتن آموزش عمومی نحوه استفاده از سلاح کفایت نمی‌کند و فرماندهان مکلفند که آموزش‌های لازم در ارتباط با مأموریت‌های محوله را به افراد تحت امر خود ارائه نمایند.

#### ۳- تسلط کامل در به‌کارگیری سلاحی که در اختیار آنها گذارده می‌شود:

در صورت وجود سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله و طی نمودن دوره‌های آموزشی لازم، به نظر می‌رسد که مأمور به سلاحی که در اختیار دارد مسلط خواهد بود اما در بعضی موارد عللی مثل بیماری، پیری، وضعیت جسمانی از قبیل قد و چاقی و یا لاغری موجب می‌شود که مأمور تسلط کامل خود را از دست بدهد. همچنین ممکن است به دلیل عدم تناسب سلاح مأمور با موضوع مأموریت، مأمور تسلط کامل در به‌کارگیری سلاح در اختیار را نداشته باشد به همین علت ماده ۱۰ قانون به‌کارگیری سلاح مقرر داشته سلاحی که در اختیار مأموران موضوع این قانون قرار داده می‌شود باید متناسب با موضوع مأموریت و وظیفه آنان باشد.

#### ۴- آشنایی کامل به قانون و مقررات به کارگیری سلاح:

قانون به کارگیری سلاح باید به ماموران مسلح تدریس و تفهیم گردد و صرف خواندن قانون جهت به کارگیری سلاح کفایت نمی‌کند. ماده ۹ این قانون اشعار می‌دارد: مامورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده، مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر اینکه مامور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد. بنابراین ماموران موظفند چنانچه فاقد شرایط لازم برای به کارگیری سلاح هستند مراتب را بلافاصله به صورت مستند و مستدل به فرماندهان خود اطلاع دهند.

فرماندهان نیز مکلفند قبل از تحویل سلاح و اعزام به مأموریت از برخورداری شرایط لازم برای به کارگیری سلاح از ناحیه مأموران خود یقین حاصل نمایند.

#### مبحث دوم) تکالیف فرماندهان

قانون به کارگیری سلاح در مواد متفاوت، تکالیف و وظایفی را برای فرماندهان احصاء نموده و اگرچه متأسفانه ضمانت اجرایی را برای عدم اجرای این تکالیف مشخص ننموده ولی به هر حال فرماندهان مکلفند که این وظایف را با توجه به اهمیت موضوع به نحو شایسته و مطلوبی انجام دهند. وظایفی که مربوط به مراحل قبل از تحویل سلاح و یا قبل از تیراندازی ماموران می‌باشد به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۱- احراز سلامت جسمانی و روانی مأموران:

بند ۱ ماده ۲ قانون به کارگیری سلاح، شرط اول مسلح شدن ماموران را سلامت جسمانی و روانی آنان احصاء نموده؛ بنابراین فرماندهان مکلفند به نحو مقتضی مثل معرفی به مراکز در مانی و اخذ آزمایشات لازم این موضوع را احراز نمایند.

#### ۲- احراز تسلط مأموران تحت امر در به کارگیری سلاح :

برابر بند ۳ ماده ۲ قانون به کارگیری سلاح ماموران باید در به کارگیری سلاحی که در اختیار آنان گذارده می‌شوند مهارت و تسلط کافی داشته باشند و این موضوع باید توسط فرمانده وی احراز گردد.

#### ۳- ارائه آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله:

فرماندهان مکلفند که آموزش لازم را در راستای مأموریت‌های محوله به ماموران ارائه نموده و آنان را در خصوص نوع و چگونگی اجرای مأموریت محوله توجیه نمایند. ( بند ۲ ماده ۲)

۴- احراز این موضوع که مامور مسلح آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به به کارگیری سلاح دارد:

این موضوع نیز در بند ۴ ماده ۲ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. بنابراین فرماندهان مکلفند به نحو مقتضی احراز نمایند که ماموران مقررات به کارگیری سلاح را به خوبی می دانند. این مهم با ارائه آموزش های لازم و تداوم آن و با ارائه و تشریح حوادث و وقایع و پرونده های مطرح شده در مراجع قضایی موثرتر خواهد بود.

#### ۵- در اختیار قرار دادن سلاح متناسب با ماموریت :

ماده ۱۰ قانون مقرر داشته سلاحی که در اختیار ماموران موضوع این قانون قرار داده می شود باید متناسب با موضوع ماموریت و وظیفه آنان باشد.

#### ۶- گوشزد نمودن حدود اختیارات و مسئولیت ها به ماموران مسلح :

برابر ماده ۸ قانون به کارگیری، رؤسا و فرماندهان مربوطه مکلفند قبل از اعزام ماموران حدود اختیارات و مسئولیت های آنان را گوشزد نمایند.

#### ۷- در اختیار قرار دادن وسایل هشدار دهنده و تجهیزات لازم :

با توجه به اینکه قانون به کارگیری سلاح شرایط خاصی را برای تیراندازی احصاء نموده و در واقع در بیشتر موارد ماموران تنها به عنوان آخرین اقدام حق تیراندازی دارند لذا فرماندهان باید تجهیزات مناسب، لازم و کافی جهت تعقیب متهمین در اختیار مأموران قرار دهند تا ماموران با استفاده از امکانات مذکور بتوانند متهمین را دستگیر نموده و فقط در موارد ضروری تیراندازی نمایند.

#### ۸- صدور دستور به کارگیری سلاح برای مهار ناآرامی ها:

قانونگذار فقط در مواد ۴ و ۵ قانون به کارگیری سلاح تیراندازی را منوط به دستور فرماندهی دانسته است. در سایر موارد دستور مافوق، مجوزی برای تیراندازی نمی باشد و چنانچه ماموری به دستور مافوق تیراندازی غیرمجاز نماید برابر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی با آمر و مامور برخورد خواهد شد.

در همین راستا مأموران نیز موظفند پیش از به کارگیری سلاح نکات زیر را رعایت کنند:

#### ۱- گزارش دادن بیماری جسمی و روانی خود به فرمانده یا رئیس مربوطه:

قانونگذار در ماده ۲ شرایط خاصی را برای ماموران مسلح احصاء نموده فلذا چنانچه ماموران احراز نمایند که فاقد این شرایط از جمله سلامت جسمی و روانی بوده و یا اینکه شرایط مذکور را از دست داده اند باید مراتب فوق را به فرماندهان خود گزارش نمایند.

۲- گزارش عدم آموزش یا ضعف آموزش لازم:

چنانچه ماموران آموزش لازم در خصوص قانون به کارگیری سلاح را نگذرانده‌اند و یا اینکه آموزش لازم و کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده را ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند. ماده ۹ قانون به کارگیری مقرر داشته: مامورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند در صورتی که ماموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر اینکه مامور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.

قسمت اخیر این ماده ابهامات زیادی دارد و مشخص نیست که منظور از عبارت فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود به چه معناست؟ و مسئولیت کیفری و حقوقی ناشی از اقدام مامور خاطی به عهده چه کسی است؟ آیا مامور، مسئولیت کیفری و حقوقی ندارد و تمام مسئولیت به عهده فرمانده است؟ این موضوع مخالف با ماده ۵۷ ق.م. اسلامی است که بحث امر و مامور را مطرح نموده و به هر حال موضوع پرداخت دیه و ضمان مالی را به عهده مامور گذاشته است؟ آیا ماده ۹ قانون به کارگیری سلاح با ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته: هرگاه ثابت شود که مامور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور امر قانونی، تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود در تعارض نمی‌باشد؟

عده‌ای معتقدند که مامور مسئولیت دارد و فرمانده نیز مشمول ماده ۵۴ ق.م.ج.ن.م. می‌گردد اما این برداشت صحیح نمی‌باشد زیرا ماده ۵۴ ق.م.ج.ن.م. مربوط به تقصیر جزایی فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح است در ثانی رابطه علیت نیز بین نتیجه مجرمانه و اقدام فرمانده و مامور وجود ندارد.

آنچه که بدیهی است در اجرای ماده ۹ مامور دو وظیفه دارد: اولاً باید اطلاع بدهد که آموزش کافی ندیده‌است و ثانیاً باید در حدود دستور اقدام نماید و در نتیجه عدم آموزش، قتل یا ضرب و جرح و یا خسارتی به دیگری وارد شود و اگر این دو وظیفه را انجام بدهد با توجه به اینکه امر امر قانونی به‌عنوان یکی از علل موجهه جرم در بند یک ماده ۵۶ ق.م. اسلامی پذیرفته شده به نظر می‌رسد که مامور، مسئولیت کیفری و حقوقی نداشته و فرمانده مسئول عواقب ناشی از اقدام مامور خواهد بود.

## گفتار پنجم: مباحث نظری مرتبط با موضوع

### مبحث اول) حق یا تکلیف بودن به کارگیری سلاح

قانون به کارگیری سلاح پس از تعیین شرایط و صلاحیت مأمور مسلح در موارد ضروری احصاء شده در مواد این قانون، مأمور مسلح را مجاز به تیراندازی دانسته است. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مأموران مسلح در موارد مجاز به تیراندازی تکلیف به تیراندازی دارند و یا اینکه مخیر به استفاده از سلاح هستند؟

باتوجه به قانون به کارگیری سلاح خصوصاً عبارت حق به کارگیری سلاح در مواد ۳ و ۴ و عبارت مجازند از سلاح استفاده نمایند در ماده ۵ و عبارت مجاز است در ماده ۶ استنباط می‌شود که به کارگیری سلاح توسط مأموران حق و اجازه است و تکلیف نمی‌باشد. با این حال باید توجه داشت که گاهی وضعیت شخص آمیزه‌ای از حق و تکلیف است به طوری که به نظر می‌رسد در مواردی مانند حفظ اماکن انتظامی یا اماکن طبقه‌بندی شده بویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله، آتش سوزی، غارت اسناد و اموال و گروگانگیری و... که مأمور، وظیفه قانونی برای حفظ و مراقبت از آنها را برعهده دارد با رعایت سایر مقررات مربوط به قانون به کارگیری سلاح، تیراندازی یک تکلیف قانونی نیز برای وی محسوب می‌شود. در مواردی مانند دفاع از خود در برابر هجوم، حق و در مواردی مانند دفاع از سلاح تحویلی یا قلمرو نگهبانی هم حق و هم تکلیف است ولی درعین حال حق بودن به معنای اجازه داشتن برای عدم استیفای آن نیست بلکه از حقوق لازم‌الاستیفاء است و در هر حال باید در چارچوب قانون عمل کرد.

### مبحث دوم) حکم قانون و امر قانونی

در پاره‌ای اوقات، قانونگذار به علت وجود شرایط و اوضاع و احوال خاصی، ارتکاب عملی را که قانوناً جرم است به وسیله وضع قانون دیگری موجه، مشروع و مباح اعلام می‌کند و عنصر قانونی جرم را از بین می‌برد. به عبارت دیگر ارتکاب عملی که اصولاً در شرایط عادی جرم است به دلیل وجود قانون دیگر، فاقد وصف مجرمانه شناخته شده و جرم محسوب نمی‌گردد. قانون در این حالت با زائل کردن عنصر قانونی به عمل مرتکب مشروعیت می‌دهد و آن را موجه و غیرقابل مجازات می‌شناسد. این عوامل، «عوامل موجهه جرم یا علل مشروعیت» می‌نامند.<sup>۱۳</sup> علل موجهه جرم علی‌الاصول علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی مرتکب را نیز زائل می‌کند و مباشرجرم، شریک و معاون جرم را از مجازات معاف می‌سازد.

۱۳- و لیدی، محمد صالح. «حقوق جزای عمومی»، جلد دوم، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۴، ص ۱۵۱.

حکم قانون و امر آمر قانونی یکی از عوامل موجهه جرم است که در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. برابر بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی بعضی از اعمال که برای آنها مجازات مقرر شده در مواردی جرم محسوب نمی‌گردد. یکی از این موارد مربوط است به وقتی که «ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع نباشد». حکم قانون و امر آمر قانونی همانطور که رفتار ضابطین دادگستری را در مورد جلب اشخاص با وجود حکم قضایی جلب و ورود به منزل اشخاص موجه، قانونی و مشروع می‌سازد؛ به همان نحو فعل مأمور اجرای حکم اعدام، یا عملیات سربازی را که در میدان جنگ موجب تخریب و کشته شدن و مجروح شدن دشمن می‌گردد؛ موجه و قانونی می‌سازد. این قبیل اعمالی که دستگیری و توقیف و هتک حرمت منزل اشخاص، تخریب و قتل و جرح را به دنبال دارد و در شرایط عادی جرم است بنا به امر آمر قانونی و در مواردی حکم قانون وصف مجرمانه را از دست داده و مجاز و مشروع و حتی الزامی می‌گردد.

### ۱- حکم قانون

در مواردی قانون، کارمندان دولت و یا مقامات قضائی و صاحبان حرف را موظف و مکلف به انجام اعمالی می‌کند که در شرایط عادی جرم است و لذا انجام تکلیف قانونی نمی‌تواند جرم تلقی شود. مثلاً قانون از مأمور مجری حکم می‌خواهد و او را موظف می‌کند تا نسبت به سلب حیات از قاتل محکوم و معینی اقدام نماید. احترام و حفظ زندگی خصوصی افراد و همچنین اسرار شغلی مستلزم آن است که افشاء سر از طرف بعضی افراد به جهت شغل یا حرفه خاصی که دارند جرم شناخته شود.

در این خصوص ماده ۶۴۸ ق مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» وقتی به استثنای مذکور در این ماده قانونی توجه شود می‌بینیم که در مواردی قانون، خود اشخاصی را که به مناسبت شغل و حرفه مربوطه ملزم به رازداری هستند مکلف به افشای اسرار مردم می‌نماید.

بنابراین پزشکی که به حکم قانون، بعضی امراض مسری را افشاء می‌کند یا مأموری که برابر قانون به کارگیری سلاح تیراندازی می‌کند و در نتیجه تیراندازی فردی کشته می‌شود به این جهت که اقدامات و اعمال آنان در اجرای موازین قانونی است جرم محسوب نمی‌شود.

به طور کلی اشخاصی که رفتارشان مشمول عوامل موجهه جرم است دو دسته‌اند:

**دسته اول** - شامل اشخاصی است که حکم قانون مستقیماً آنان را مورد خطاب قرار داده و رفتارشان بدون نیاز به دریافت دستور از مقامات دیگری که در سلسله مراتب اداری قرار گرفته‌اند، جرم محسوب نمی‌شود. در موارد زیر حکم قانون به تنهایی عامل موجهه جرم تلقی می‌گردد:

۱- وقتی حکم قانون مستقیماً جهت افراد بخصوصی صادر شده باشد مثل پزشک معالجه‌ای که در اجرای ماده (۱۹) قانون بیماریهای آمیزشی (مصوب سال ۱۳۲۰) یکی از بیماریهای واگیردار مذکور در قانون را به بهداری محل اطلاع می‌دهد، چنین شخصی که مستقیماً موضوع حکم قانون بوده و به تکلیف قانونی خود عمل کرده‌است مشمول جرم افشای اسرار موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

۲- وقتی شخص مأمور به اجرای حکم قانون، خود در بالاترین حد سلسله مراتب اداری قرار گرفته باشد مانند بازپرسی که ضمن رسیدگی، به جای صدور حکم جلب شخصاً مبادرت به بازداشت متهم نماید.

۳- وقتی که حکم قانون در انجام مأموریت به قائم مقامی آمر قانونی است، مانند ضابطین دادگستری در موارد جرائم مشهود (موضوع ماده ۲۱ و ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری) که تا وقتی مقام قضایی مداخله نکرده مکلفند کلیه اقدامات لازمه را برای جلوگیری از امحاء اثرات جرم و فرار متهم و هر تحقیقی را که برای کشف جرائم لازم بدانند به عمل آورند. در این مورد نیز حکم قانون مستقیماً رفتار مأموران را موجه می‌سازد.

**دسته دوم** - از اشخاص مشمول عوامل موجهه جرم کسانی هستند که حکم قانون آنان را مستقیماً مورد خطاب قرار نداده است، لیکن با دریافت دستور قانونی از مقام صلاحیتدار، رفتارشان با وجود امر آمر قانونی و حکم قانون جرم محسوب نمی‌شود. در این صورت وجود امر آمر قانونی از شرایط اساسی برای احراز عوامل موجهه جرم (موضوع بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی) خواهد بود. به طور مثال هریک از مقامات یا ماموران دولتی یا قوای سه گانه یا غیر آنها که با داشتن حکمی از مقامات صلاحیتدار، شخصی را توقیف یا حبس کند، مرتکب جرم موضوع ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی محسوب نگردیده و محکومیت به مجازات ۶ ماه تا سه سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی درمورد وی منتفی است زیرا ماده مزبور تحقق جرم را موقوف به دو شرط نموده است: یکی اقدام «بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار» و دیگری «جلب و توقیف اشخاص در غیرمواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده‌است».

همچنین ماده ۴ قانون به‌کارگیری سلاح مقرر داشته که: ماموران انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیر قانونی، فرونشاندن بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به‌کارگیری سلاح مهار آنها امکان‌پذیر نباشد حق به‌کارگیری سلاح به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده را دارند.



**۲- امر آمر قانونی**

امر مقام صلاحیتدار و یا امر آمر قانونی اختصاص به کارمندان و مأموران دولتی (اعم از کشوری یا لشکری) دارد به طوری که ضمن لزوم وجود قانون، عمل مستخدمین دولتی باید متکی و مبتنی بر امر مقام صلاحیتدار نیز باشد بدین ترتیب امر قانونی یا مقام صلاحیتدار نمی‌تواند از مقامات غیررسمی چون شوهر نسبت به زوجه، پدر نسبت به فرزند و یا کارفرما نسبت به کارگر، برای برائت و انتفای وصف مجرمان فعل ارتكابی باشد.

بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، جرم تلقی نشدن عمل مأمور را موکول به دو شرط نموده است:

اولاً: صدور امر از طرف آمر قانونی

ثانیاً: خلاف شرع نبودن امر

مفهوم «شرع» در اینجا اعم از «قانون» است چه اصولاً اعتبار قوانین موکول به عدم مغایرت آنها با شرع است و قانون اساسی بر این امر تأکید دارد.

امر آمر قانونی ممکن است موافق یا مخالف قانون باشد. اگر دستور مطابق قانون باشد با اجرای آن مأمور از امتیاز قانونی «عوامل موجهه» استفاده می‌کند، ولی در صورتی که امر آمر قانونی مخالف قانون باشد، اجرای دستور خلاف قانون آمر، واجد آثار و عواقبی برای مأمور خواهد بود.

ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته:

«هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلفی از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود.»

بدیهی است در صورتی که دستور آمر برخلاف مقررات باشد به استناد ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

**۳- مسائل مربوط به غیر قانونی بودن آمر و اوامر غیرقانونی**

امر و دستور ممکن است توسط یکی از مقامات رسمی، ولی در خارج از حدود صلاحیت او صادر شود و یا اصولاً مأمور از نظر سلسله مراتب اداری موظف به اجرای دستور مقام صادر کننده نباشد. مثلاً یک فرمانده به نظامی دیگری که در سلسله مراتب فرماندهی او نیست، دستور تیراندازی بدهد که قانون آن را جرم می‌شناسد آیا دستور این فرمانده می‌تواند از عوامل موجهه جرم به حساب آید؟ در این مورد یادآوری می‌شود که «امر قانونی» مذکور در بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی صرفاً و الزاماً یک مقام عمومی است بنابراین اوامر و دستورات صادره از طرف کارفرما به کارگران

مربوطه یا اولیاء نسبت به اطفال خود نمی‌تواند به عنوان اوامر آمر قانونی از عوامل موجهه جرم تلقی شود به هر حال مشکل اساسی راجع است به اوامر غیرقانونی صادره از طرف آمر قانونی و یا آمر غیرقانونی.

مسائل مربوط به امر مقام قانونی بدون حکم قانون و امر غیرقانونی در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. طبق ماده مزبور: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.» یعنی عمل غیر قانونی آمر و مأمور جرم است و مسؤولیت کیفری در مورد مأمور منتفی و دیه و مسؤولیت مدنی او باقی می‌ماند.

به علاوه عبارت بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز عامل موجهه و شرط جرم محسوب نشدن عمل را موکول به ارتکاب عمل، به امر آمر قانونی و خلاف شرع (یا خلاف قانون) نبودن آن نموده است. بنابراین از مفهوم مخالف شرط و عبارت مزبور به آسانی استنباط می‌شود که چنانچه آمر خود غیرقانونی و مقام صلاحیتدار نباشد مسؤول و مستوجب کیفر است، مأمور نیز تنها از آمری که در سلسله مراتب اداری ملزم به تبعیت از او می‌باشد، می‌تواند دستوری بگیرد که اجرای آن ضمن خلاف شرع (یا قانون) نبودن مجاز و بتواند از عوامل موجهه تلقی شود. در غیر این صورت مأمور نیز مسؤول و مستوجب کیفر است.

### پرسش:

در صورتی که یک فرمانده تیپ زرهی دستور ورود و تخریب ساختمانی مسکونی را به علت ساخت و ساز غیرمجاز در نزدیکی پادگان تحت فرماندهی به نیروهای خود می‌دهد در حالیکه ورود به منزل غیر و تخریب ساختمان ضمن رعایت مقررات مربوطه در صلاحیت مراجع قضایی است، مسؤولیت کیفری و مدنی فرماندهی و نیروهای تحت امر او چگونه خواهد بود؟

### پاسخ:

به طور کلی سه نظریه در مورد مسؤولیت و کیفر مأمور دولت یا جرم محسوب نشدن رفتار وی وجود دارد:

**اول- نظریه اطاعت محض:** طبق این نظریه که مبتنی بر اطاعت مطلق و بی‌چون و چرای اوامر مقام بالاتر است، اجرای یک دستور حتی غیرقانونی در هر نوع شرایطی عامل موجهه برای مأمور تلقی می‌شود زیرا مأمور موظف به اطاعت و اجرای اوامر مافوق است بدون این که حق بررسی اوامر او را داشته باشد.

نظریه اطاعت محض مورد قبول قانونگذار ایران قرار نگرفته است و مأمور نمی‌تواند با انجام دستور غیرقانونی از عوامل موجهه جرم استفاده نماید.

**دوم- نظریه مسؤولیت مأمور:** طبق این نظریه مأمور حق و حتی وظیفه دارد قانونی بودن دستور را مورد بررسی قرارداده و در صورتی که آن را مغایر و مخالف قانون یافت از اطاعت امر غیرقانونی خودداری نماید زیرا اجرای یک دستور غیرقانونی نمی‌تواند از عوامل موجهه تلقی شود. جرم شناخته نشدن اعمال مأمور در نظریه مسؤولیت مأمور امری است استثنائی و در هر مورد احتیاج به نص قانون خاص دارد.

**سوم- نظریه رعایت ظواهر قانونی:** این نظر مبتنی بر تمایز و تفکیک بین امر به وضوح غیرقانونی و امر ظاهراً قانونی است. غیرقانونی بودن بدیهی و مسلم اوامر، استناد به عامل موجهه جرم را منتفی می‌سازد. برعکس اجرای اوامر ظاهراً قانونی (ولی ماهیتاً غیرقانونی) یک عامل موجهه تلقی می‌گردد.

حقوق موضوعه ایران در قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می‌دارد: «... ولی مأموری که امر او را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.» بنابراین کیفرهای تعزیری و قصاص تنها در مورد مأموری که امر ظاهراً قانونی را اجرا نموده منتفی است و دیه و مسؤولیت مدنی او به قوت خود باقی خواهد ماند. بدین ترتیب قسمت اول ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی نیز در مقام تعیین کیفر قانونی برای امر غیرقانونی و مأموری است که از طریق اجرای امر غیرقانونی مرتکب جرم گردیده است. قسمت اخیر ماده مزبور در مقام تعیین دیه و یا ضمان مالی به جای کیفر تعزیری و قصاص برای مأموری است که امر او را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی بوده به مورد اجرا گذارده است.

مشکل دیگر در این جا تشخیص صحت و سقم ادعای مأمور نسبت به اشتباه قابل قبول در قانونی بودن امر قانونی است. لازم است در این مورد بین غیرقانونی بودن بدیهی و مسلم امر از یک طرف و ظاهراً قانونی بودن امر غیرقانونی از طرف دیگر قائل به تمیز و تفکیک گردید.

به نظر می‌رسد که راه حل مناسب در بررسی موقعیت مأمور از جهت شغلی، سلسله مراتب اداری، سطح معلومات و آشنائی وی به وظایف مربوط باشد. با احراز حسن نیت مأمور، اشتباه وی در تشخیص قلمرو وظایف قانونی، ممکن است از موارد اشتباه در حکم قانون باشد که گاهی موجب نفی عمد و قصد در جرائم عمدی و در نتیجه سقوط مجازات می‌گردد.

بدین ترتیب با تشخیص و احراز حسن نیت مأمور می‌توان موضوع قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی را از موارد اشتباه در حکم قانون دانست که نتیجه آن سقوط مجازات و استقرار مسؤولیت مدنی از جهت دیه (علی‌رغم ماهیت جزایی آن) و ضمان مالی است.

نتیجه اینکه اجرای اوامر غیرقانونی به وسیله مأمور براساس اشتباه قابل قبول از طرف وی از عوامل موجهه جرم موضوع بند ۱ ماده ۵۶ قانون مورد بحث تلقی نمی‌شود، بلکه موضوع اشتباه در حکم قانون به دلیل فقدان عنصر معنوی در جرم ارتكابی است که نهایتاً موجب تحقق مسؤولیت مدنی مأمور در قالب دیه یا ضمان مالی موضوع قسمت اخیر ماده ۵۷ قانون می‌باشد.

**مبحث سوم) دفاع مشروع**

یکی دیگر از علل مجرمانه دفاع مشروع می‌باشد. مقررات مربوط به دفاع مشروع در مواد ۶۱، ۶۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸ و ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی آمده است.

ماده ۶۱: هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود:

۱- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد.

۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد.

۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

**تبصره:** وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

**ماده ۶۲:** مقاومت در برابر قوای تامینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد در این صورت دفاع جایز است.

**ماده ۶۲۵:** قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب، مجازات نمی‌شود مشروط براینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است.

**تبصره:** مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجراست که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد نماید.

**ماده ۶۲۶:** در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می‌شود ولو اینکه از مأموران دولتی صادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود.

**ماده ۶۲۷:** دفاع در مواقعی صادق است که:

الف- خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال مستند به قرائن معقول باشد.

ب- دفاع متناسب یا حمله باشد.

ج- توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان‌تری برای نجات مسیر نباشد.

**ماده ۶۲۸:** مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود

باشند دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و برحسب ادله و قرائن موجود

خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز

جایزاست.

**ماده ۶۲۹:** در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:

الف- دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود و اقارب

ب- دفاع در مقابل کسی که درصدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید

ج- دفاع در مقابل کسی که درصدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید

با عنایت به مواد قانونی فوق‌الذکر برای تحقق دفاع مشروع، قانونگذار شرایط خاصی را برای تجاوز و همچنین

دفاع مقرر داشته که به شرح ذیل این شرایط به اختصار ذکر می‌گردد:

### ۱- شرایط تجاوز

الف- تجاوز و حمله باید جنبه فعلی داشته و یا قریب الوقوع باشد. تجاوز فعلی یا خطر قریب‌الوقوع بدین معنی است

که تجاوز باید به مرحله فعلیت در آمده و یا برای مدافع یقین حاصل شود که تجاوز به وقوع خواهد پیوست. بنابراین اگر

کسی دیگری را تهدید به قتل نماید فرد تهدید شده نمی‌تواند به بهانه دفاع، تهدید کننده را به قتل برساند. همچنین

پاسخ و اقدام مجرمانه در مقابل تجاوزی که در گذشته انجام گرفته دفاع مشروع نخواهد بود و انتقام محسوب می‌گردد.

در بند ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۰ ماده ۳، ماده ۴ و ماده ۵ و بند ب ماده ۶ قانون به‌کارگیری سلاح بر فعلیت داشتن یا قریب

الوقوع بودن حمله یا خطر تاکید شده است.

ب- تعرض و حمله باید غیرقانونی و غیر مشروع باشد. بنابراین هرگاه مأموری به حکم قانون یا امر مقام صلاحیت‌دار

درصدد اجراء اوامر قانونی باشد طرف مقابل نمی‌تواند به استناد دفاع مشروع وی را مورد حمله و صدمه قرار دهد و



ج) دفاع باید در مقابل تجاوز و حمله فعلی یا قریب‌الوقوع باشد. بنابراین اگر کسی چاقویی را از دست مهاجم بگیرد و پس از آن با همان چاقو مهاجم را بکشد دفاع مشروع محسوب نمی‌شود. در ماده ۳، ۴، ۵ و ۶ قانون به کارگیری سلاح این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

د) ناتوانی دیگری در دفاع از خود. چنانچه کسی بخواهد از دیگری دفاع نماید باید شخص اخیر به هیچ وجه قادر به دفع تجاوز از خود نباشد و نیاز به کمک داشته باشد. ضابطه تشخیص ناتوانایی دیگری از دفاع، عرف و اوضاع و احوال است.

ه) عدم امکان توسل به قوای دولتی یا بی‌تأثیری این قوا در دفع خطر. برابر ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی شرط دیگر تحقق دفاع مشروع این است که توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مزبور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. لذا اگر کسی که مورد حمله قرار گرفته بتواند با کمک از ماموران قوای انتظامی از خود رفع خطر نماید مجاز به دفاع نیست. قانونگذار رعایت دو اصل ضرورت و تناسب را مدنظر قرار داده و در مواد قانون به کارگیری سلاح به آن استناد نموده که شرح آن در فصول آتی خواهد آمد.

### منظور از موارد ضروری و مصادیق آن

ضروری در لغت به معنای بدیهی و واجب، آنچه که مورد لزوم و احتیاج می‌باشد، کاری که انسان ناگزیر از انجام آن باشد، آمده است و در اصطلاح نیز می‌توان موارد ضروری را مواردی دانست که نیازی الزامی و اجتناب‌ناپذیر به امری وجود داشته باشد.

مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح « ماموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: الف) تیرهوایی ب) تیراندازی کمر به پایین ج) تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.»

باتوجه به مراتب فوق می‌توان گفت منظور از موارد ضروری در قانون به کارگیری سلاح مواردی است که:

الف) استفاده از سلاح برای مهار مرتکب جرم به موجب قانون مجاز شمرده شده باشد.

ب) استفاده از سلاح به عنوان تنها راه و آخرین چاره برای مهار مرتکب باشد.

ج) شدت و اهمیت جرم ارتكابی با پاسخ مسلحانه تناسب داشته باشد.

به نظر می‌رسد برای شناخت وضعیتی که تنها راه و آخرین چاره برای مهار مرتکب جرم تیراندازی است باید دید که آیا در یک تراز عقلی تیراندازی بهترین انتخاب برای مهار شخص است یا خیر.

### فصل دوم- مقررات حاکم بر به کارگیری سلاح

پس از طرح مباحث مقدماتی در فصل اول، این آمادگی برای ورود به بحث اصلی که همان موارد مجاز به کارگیری سلاح می‌باشد بوجود می‌آید که بشرح آتی شرایط مختلف مقرر در این قانون مورد بحث قرار می‌گیرد و ابهامات موجود در آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

از آنجایی که قانون به کارگیری سلاح استثنایی بر اصل ممنوعیت استفاده از سلاح در جامعه است از این رو حدود این استثناء و موارد جواز به کارگیری آن باید به طور دقیق احصاء شود به نحوی که به روشنی موارد مجاز به کارگیری سلاح برای مأمورین و شهروندان مشخص گردد.

مأمورین مسلح نمی‌توانند به طور مطلق و در هرشرایطی به سوی هر متهم و مجرم و وسیله نقلیه‌ای که به فرمان ایست مأموران توجهی نکرده و اقدام به فرار نماید تیراندازی نمایند در قانون و مقررات به کارگیری سلاح شرایط و موارد مجاز تیراندازی به شرح گفتارهای آتی بیان گردیده است:

#### گفتار نخست: اصول کلی و مشترک ماکم بر تیراندازی

باتوجه به مسائلی که در قانون به کارگیری سلاح در فصول قبل توضیح دادیم اصول ذیل از قانون مذکور استنتاج می‌گردد:

- ۱- اصل بر عدم به کارگیری سلاح است مگر در مواردی که قانون به طور مشخص و خاص اجازه داده است
- ۲- اصل رعایت تناسب بین به کارگیری سلاح و رعایت مراتب تیراندازی جهت دستگیری متهم
- ۳- اصل تقدم قانون بر امر مافوق
- ۴- اصل آموزش دادن کارکنان قبل از تحویل دادن سلاح به آنان توسط رؤسا و فرماندهان
- ۵- اصل مسئولیت سازمان در آموزش و تجهیز مامور به سلاح مناسب
- ۶- رعایت اصل تحذیر ضروری است

در زیر به توضیح اجمالی اصول کلی حاکم بر تیراندازی می‌پردازیم:

#### ۱) اصل ضرورت تیراندازی:

تیراندازی یک اقدام مخاطره‌آمیز است؛ لذا ماموران باید زمانی اقدام به تیراندازی نمایند که به عنوان آخرین اقدام چاره‌ای جز تیراندازی نداشته باشند و این اصل از عنوان قانون «به کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در موارد ضروری» نیز کاملاً مشخص است. مثلاً اگر متهمی فرار کند، اولین اقدام مامور نباید تیراندازی باشد یا برای کنترل شورش و ناآرامی غیرمسلحانه، مرحله اول باید از گاز اشک‌آور، آب‌پاش، آتش‌نشانی و غیره استفاده نمود و در نهایت در صورت عدم تاثیر این اقدامات نوبت به



تیراندازی می‌رسد و حتی اگر نوبت به تیراندازی رسید، اگر امکان داشته باشد، در وهله اول باید از تیرهای پلاستیکی استفاده شود.

اصل ضرورت از تبصره ۳ ماده ۳ قانون نیز استنباط می‌شود، براساس این تبصره: «ماموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون، در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند...» در بندهای ۲ و ۵ ماده ۳ و نیز صدر ماده ۴ نیز این اصل مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است. شرط ضرورت یکی از شرایط اساسی است که در همه موارد تیراندازی برای معافیت مامور از مجازات، دادگاه باید آن را احراز نماید.

## ۲) اصل تحذیر یا دادن هشدار لازم:

ماموران موظفند قبل از تیراندازی، اقدامات هشدار آمیز لازم را انجام دهند. قبل از اقدام به تیراندازی، باید به طرف مقابل در مورد به کارگیری سلاح اتمام حجت شود. این شرط بیان یک قاعده فقهی به نام «قاعده تحذیر» ( قَدْ أَعْدَرَ مَنْ حَذَرَ ) است. بدین معنی که کسی که هشدار می‌دهد معذور است.

در این بحث «قاعده اقدام» نیز پیش می‌آید و براساس این قاعده شخصی که جان و مال خود را در معرض تلف قرار می‌دهد، خود به ضرر خود اقدام نموده و مسئولیتی متوجه شخص مقابل (مامور) نخواهد بود.

دادن هشدار لازم، از تبصره ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح نیز قابل استنباط است. براساس این تبصره:

« ماموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون، در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: الف) تیرهوایی

ب) تیراندازی کمر به پایین

ج) تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.»

همچنین در بند ب ماده ۴ آمده است:

« قبل از به کارگیری سلاح، با اخلال گران و شورشیان، نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.»

علاوه بر آن در ماده ۶ این قانون در مورد تیراندازی به خودروها هشدار بصری (استفاده از علایم هشدار دهنده، تابلو ایست و ...) و هشدار سمعی ( ایست با صدای بلند و رسا) مورد تأکید قرار گرفته است.

**پرسش:**

آیا تیراندازی ماموران از داخل کمین<sup>۱۴</sup> به متهمین قانونی است؟

**پاسخ:**

باتوجه به عدم رعایت قاعده تحذیر، قانونی نیست و تیراندازی از داخل کمین، مخالف صریح تبصره‌های ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح است.

**(۳) اصل تناسب در تیراندازی:**

ماموران موظفند در صورت امکان در موارد مجاز تیراندازی تناسب بین تیراندازی و فرد مهاجم یا وسیله نقلیه و یا زندانی فراری و یا مرتکب جرم را رعایت نمایند. به همین علت است که در تبصره ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح تأکید شده ماموران در صورت امکان مراتب باید ابتدا تیر هوایی، تیراندازی کمر به پایین و تیرانداز کمر به بالا را رعایت نمایند.

**گفتار دوم: شرایط اختصاصی و موارد مجاز تیراندازی**

منظور شرایطی است که مختص هریک از موارد شش گانه تیراندازی است. مثلاً در تیراندازی برای کنترل آشوب‌ها، شرایطی داریم که این شرایط در مورد وسایل نقلیه وجود ندارد که این شرایط به شرح آتی توضیح داده خواهد شد.

**مبحث اول) دفاع از خود و دیگران**

بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح حکم دفاع مسلحانه ماموران را به شرح ذیل انشاء نموده است:

- ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم بر او حمله نماید.
- ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان پذیر نباشد.
- ۳- در صورتی که ماموران مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است. در سه بند فوق، مبنای تیراندازی دفاع مشروع است. همانطور که در بخش اول توضیح دادیم دفاع مشروع یکی از عوامل موجهه جرم است که در مواد ۶۱، ۶۲، ۶۲۵، ۶۲۶ و ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است.

۱۴- کمین تکی توام با غافلگیری و حجم آتش زیاد از یک موضع پوشیده علیه ستون‌های موتور، پیاده متحرک یا موقتاً ثابت دشمن را گویند. کمین یکی از قدیمی‌ترین و موثرترین شیوه در عملیات نظامی است. «فرهنگ واژه‌های نظامی». سرتیپ ستاد محمود رستمی، چاپخانه ارتش، ص ۶۴۸

دفاع مشروع یکی از قواعد عام حقوق جزاست و اختصاصی به قانون به کارگیری سلاح ندارد اما در هر حال مأمور باید در مقام دفاع از خود، شرط ضرورت در تیراندازی، شرط تناسب در تیراندازی و سایر شرایطی که در بحث دفاع مشروع از جمله شرایط تجاوز و شرایط حمله که در بخش اول توضیح دادیم را رعایت نماید.

با عنایت به مفاد ماده ۳، رعایت نکات ذیل جهت قانونی بودن تیراندازی به سوی اشخاص پیاده ضروری است:

۱- دفاع مورد بحث در بندهای ۳ گانه ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح فقط دفاع در مقابل تعرض به جان مأمور یا دیگران است و شامل تعرض به عرض و ناموس و آزادی و مال متعلق به مأمور یا دیگران نمی‌باشد. البته اگر مال توسط سارق مورد سرقت قرارگیرد، با رعایت شرایط بند ۴ ماده ۳، مأموران حق تیراندازی به سوی سارق را دارند. منظور از دیگران هم اشخاص عادی و هم همکاران فرد مأمور می‌باشد.

۲- رعایت تناسب کامل بین سلاح مهاجم و سلاح مأمور لازم نیست. به نظر می‌رسد قانونگذار اختیار وسیع‌تری نسبت به افراد عادی به مأموران داده و این امتیاز اعطایی از بابت حفظ اقتدار آنهاست. البته مأموران صرفاً در جهت حفظ جان خود یا دیگری حق تیراندازی دارند و باید در زمان تیراندازی شرط تناسب در تیراندازی را رعایت کنند.

۳- برای مفاد بندهای ۱، ۲، ۳ ماده ۳، حتماً باید به سوی مأمور یا دیگران حمله‌ای واقع شود تا مأمور حق استفاده از سلاح را داشته باشد. البته به نظر می‌رسد در مواردی که مهاجم مسلح به سلاح سرد و یا گرم می‌باشد صرف احراز قریب‌الوقوع بودن خطر یا حمله برای تیراندازی از سوی مأمور کفایت می‌کند.

۴- تیراندازی مأمور مسلح باید به‌عنوان آخرین چاره بوده و بیش از حد لازم نیز نباشد. مأموران مکلفند در صورت امکان بسته به مورد، مراتب تیرهوایی، تیراندازی کمر به پایین و تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

۵- مأموران مکلفند در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی جهت استفاده از سلاح را به مهاجم بدهند. این شرط، بیان یکی از قواعد فقهی به‌نام قاعده تحذیر است؛ بدین معنی که قبل از تیراندازی باید به طرف مقابل در مورد به کارگیری سلاح اتمام حجت شود. شخص باید بداند که اگر به دستور مأمور توجه نکند به طرف او تیراندازی خواهد شد.

۶- مأموران مسلح در صورتی که در چارچوب بندهای ماده ۳ مأموریت داشته باشند حق استفاده از سلاح را دارند.

بدیهی است چنانچه مأمور مسلح به موقع اقدام به تیراندازی ننماید و به وظیفه قانونی خود عمل نکند برابر بند ج ماده ۵۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مسؤول خواهد بود.<sup>۱۵</sup>

۱۵- ماده ۵۳ ق.م.ج.ن.م. مقرر داشته: هر نظامی که حین انجام وظیفه مرتکب جرائم ذیل گردد در هر مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود: الف) چنانچه نسبت به مجروح یا بیمار آزار روحی یا صدمه بدنی وارد کند ب) چنانچه اموال مجروح یا بیمار یا مرده‌ای را تصاحب کند ج) چنانچه نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطراتی قرار دارند درحالی که کمک رسانی از وظایف اوست از کمک خودداری کند. ماده واحده قانون خودداری از کمک‌رسانی به افرادی که در معرض مخاطرات جانی قرار دارند نیز در این خصوص مقرر داشته است:

## مبحث دوم) دستگیری

به موجب بندهای ۴ و ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، مأموران انتظامی به منظور دستگیری سارق، قاطع الطریق، کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و درحال فرار باشد و همچنین نسبت به متواریان از بازداشتگاه یا زندان و یا متهمین یا مجرمی که در حال انتقال به مراجع ذیربط فرار نماید حق تیراندازی دارند که در ۲ بند به شرح ذیل توضیح داده می شود:

### ۱- تیراندازی به سوی متهمین و مجرمین برای دستگیری

برابر بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح مأموران مسلح می توانند برای دستگیری سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و درحال فرار باشد تیراندازی نمایند. لذا شناخت و تشخیص صحیح اعمال مجرمانه مذکور در تصمیم استفاده یا عدم استفاده از سلاح بسیار حائز اهمیت می باشد:

**الف- جرم سرقت:** مستنبط از ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سارق کسی است که اقدام به ربودن پنهانی مال منقول شخص دیگری نموده است.

**ب- قاطع الطریق (راهزنی):** در قانون مجازات اسلامی قاطع الطریق تعریف نشده لیکن مستنبط از مواد ۱۸۵ و

۶۵۳ قانون مذکور اقدام به ارباب مردم و برهم زدن امنیت و یا ربودن مال مسافران و رهگذران به طور مسلحانه یا اخاذی به عنف در راهها و شوارع راهزنی نامیده می شود که به فاعل این جرم قاطع الطریق یا راهزن گفته می شود. ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: سارق مسلح و قاطع الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.

ماده ۶۵۳ ق.م.ا نیز مقرر داشته: هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود.

۱- هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و یا وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسؤولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند. نحوه تأمین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین نامه ای است که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲- هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۳- دولت مکلف است در شهرها و راهها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسائل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید.

۴- مأموران انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می رسانند، بشوند.

**ج- ترور:** مفهوم لغوی این واژه دهشت، ترس زیاد و وحشت است. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی از لفظ ترور

استفاده نکرده و فقط در مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ قانون مذکور سوء قصد به مقامات عالی را جرم و مستوجب مجازات دانسته است. بین حقوقدانان نیز در تعریف ترور اختلاف نظر زیادی وجود دارد.

در اصطلاح سیاسیون ترور، کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم است و تروریست یعنی آدمکش و آنکه برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیر بکشد و یا ایجاد رعب و وحشت کند.

در ترمینولوژی حقوق در تعریف تروریسم آمده است:

کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور.

نتیجه اینکه ترور، سلب حیات افراد با انگیزه‌های سیاسی می‌باشد که به فاعل این جرم تروریست گفته می‌شود.

ماده ۵۱۵ ق.م. اسلامی مقرر داشته: هرکس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع تقلید سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۱۶ ق.م.ا نیز مقرر داشته: هرکس به جان رئیس جمهور کشور خارجی و یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده ۵۱۵ محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود و الا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود.

**د- تخریب:** در لغت به معنی خراب کردن، برهم زدن، تباه کردن و از حیث انتفاع انداختن مال است. اقدام به ایراد

خرابی به تمام یا قسمتی از موسسات دولتی و اموال عمومی جامعه تخریب نامیده می‌شود که به فاعل این جرم خرابکار گفته می‌شود.

تخریب عنوان شده در بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح دارای اطلاق بوده و شامل تخریب اموال شخصی و عمومی می‌گردد لیکن به استناد ماده ۷۲۷ ق.م.ا. تخریب اموال شخصی از جرائم قابل گذشت می‌باشد و رسیدگی به آن هم مستلزم شکایت شاکی خصوصی است. عده‌ای از قضات نیز معتقدند منظور از تخریب عنوان شده در قانون به کارگیری سلاح که موجد حق تیراندازی برای مأمور مسلح می‌باشد تخریب اموال عمومی و دولتی است و شامل تخریب اموال شخصی نمی‌باشد.

**ه- انفجار:** انفجار در لغت به معنی شکافته شدن، باز شدن سر چیزی (مانند دمل) ترکیدن (بمب و امثال آن) است.<sup>۱۶</sup>

در اصطلاح نظامی نیز تغییر شکل آنی ماده از حالت جامد یا مایع به حالت گاز توام با گرما و فشار زیاد و در نتیجه ازدیاد ناگهانی حجم را انفجار گویند.<sup>۱۷</sup>

۱۶- «فرهنگ فارسی»، دکتر محمد معین، ص ۱۳۶.

۱۷- «فرهنگ واژه‌هایی نظامی»، سرتیپ ستاد محمود رستمی، انتشارات ستاد مشترک ارتش، سال ۱۳۷۸، ص ۱۲۴.

**پرسش:**

آیا حکم بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح فقط در مورد جرایم مشهود است یا اینکه شامل جرایم غیرمشهود نیز می‌شود. به طور مثال اگر کسی مدتی قبل مرتکب سرقت شده و ماموران با دردست داشتن حکم جلب وی، او را مشاهده کنند و متهم با مشاهده ماموران مبادرت به فرار کند آیا ماموران مجاز به تیراندازی برای دستگیری وی هستند یا خیر؟

**پاسخ:**

بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح شامل جرم مشهود و غیر مشهود می‌شود لیکن با توجه به نص قانون، سارق بودن، قاطع الطریق و انفجار بایستی احراز شده و دستور دستگیری متهمین از سوی قاضی صادر شده باشد و یا جرم مشهود باشد و به صرف مظنونیت به سرقت و یا شروع به ارتکاب جرم مذکور نمی‌توان به سوی شهروندان تیراندازی نمود. نظریه اداره کل حقوقی قوه قضاییه در مورخه ۷۶/۴/۴ مؤید همین نظر است.<sup>۱۸</sup>

**پرسش:**

آیا حکم بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح فقط در جرائم مشهود از جرم‌های پنج‌گانه (ترور، تخریب، قاطع الطریق، سرقت و انفجار) است یا اینکه شامل سایر جرایم مهم از قبیل قتل، آدم ربائی مسلحانه، جاسوسی و... نیز می‌شود؟

**پاسخ:**

با توجه به نص صریح قانون حکم بند ۴ ماده ۳ فقط مشمول جرائم پنج‌گانه مذکور می‌شود و شامل سایر جرایم نیست حتی شروع به جرایم مذکور نیز مجوزی برای به کارگیری سلاح توسط ماموران نمی‌باشد. نظریه شماره ۳۳۰۸۴ مورخ ۸۵/۴/۱۷ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز مؤید همین نظر می‌باشد.<sup>۱۹</sup>

**پرسش:**

اگر مأموری به کسی مظنون به ارتکاب سرقت شود آیا تیراندازی مأمور به استناد بند ۴ ماده ۳ قانونی است یا خیر؟

**پاسخ:**

قانونگذار احراز وقوع جرایم پنج‌گانه را قبل از تیراندازی توسط مأمور الزامی می‌داند لذا چنانچه مأمور قبل از تیراندازی علم به وقوع جرایم پنج‌گانه نداشته صرف مظنونیت، مجوز قانونی برای تیراندازی به سوی اشخاص نمی‌باشد. نظریه شماره ۱۵۴۱۹ مورخه ۸۸/۴/۲۰ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی مؤید همین نظر است.<sup>۲۰</sup>

## **۲- تیراندازی نسبت به متواریان از بازداشتگاه یا زندان و متواریان در حال انتقال به منظور توقیف یا دستگیری آنان:**

بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته: ماموران انتظامی در موارد زیر حق به کارگیری سلاح را دارند: ... در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.

۱۸- مجموعه نشست‌های قضایی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، انتشارات فکر سازان، سال ۱۳۷۸، ص ۲۵۱.

۱۹- نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد سوم، چاپ ۱۳۸۸، ص ۲۰۹ - ۳۱۰.

۲۰- فصلنامه قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۴۶، تابستان سال ۱۳۸۱، ص ۲۱۸.

تبصره: آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.

**آیین‌نامه اجرایی مذکور نیز در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسیده است که متن**

**آن بشرح ذیل است:**

## **ماده ۱- تعاریف و مفاهیم**

**الف) بازداشتگاه:** محل نگهداری موقت متهمانی است که طبق قوانین و مقررات، تأسیس و اداره می‌گردد.

**ب) بازداشتی:** به کسی اطلاق می‌گردد که طبق قوانین و مقررات، تا اتخاذ تصمیم نهایی در بازداشتگاه نگهداری می‌شود.

**ج) زندان:** محلی است که در آن محکومان قطعی، با معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی، برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شود.

**ماده ۲ -** مأموران ذیربط در صورت مشاهده قرار بازداشتی یا زندانی، موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند:

**الف)** با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند.

**ب)** با صدای بلند و رسا، سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند.

**ج)** با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیرهوایی نمایند.

**د)** در صورت عدم تأثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.

**تبصره ۱-** تیراندازی از ناحیه کمر به بالا در صورتی مجاز است که مراحل فوق رعایت گردیده و یا اجرای آنها ممکن نباشد.

**تبصره ۲-** در صورتی که فرار با استفاده از وسایط نقلیه انجام گیرد، مأموران موظفند برابر ماده ۶ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ اقدام نمایند.

**تبصره ۳-** دستورالعمل اجرایی چگونگی برخورد ناآرامی‌های داخل زندان و زندانیان و بازداشتی‌های متواری از لایه‌های درونی زندانها و بازداشتگاهها توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تدوین و به تأیید رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.

**تبصره ۴-** در صورتی که نقل و انتقال افراد زندانی یا بازداشتی توسط گروهی از مأموران صورت گیرد، تشخیص تیراندازی برعهده فرمانده گروه مأموران مراقب می‌باشد.

**ماده ۳-** در شرایطی که رعایت ترتیبات، موجب متواری شدن بازداشتی یا زندانی می‌شود، مأموران یا مأموران مجاز به استفاده از سلاح، بدون رعایت ترتیبات فوق می‌باشند.

**ماده ۴-** به منظور پیشگیری و تقلیل حوادث پیش‌بینی نشده مسئولان ذیربط موظفند مأموران موضوع قانون به‌کارگیری و تقلیل سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ را با قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن حتماً آشنا نمایند.

**ماده ۵-** در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نموده و منجر به قتل یا جرح شده باشد اعم از این که شکایت از طریق یگان مربوط و یا شاکی خصوصی مطرح گردد، سازمان مربوط موظف است همراه با گزارش جامع خود در خصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل‌کننده نظریه هیئت کارشناسی مرکب از نمایندگان حفاظت اطلاعات، بازرسی، حقوقی و یگان مربوط اخذ و به مرجع قضایی رسیدگی‌کننده ارسال نمایند. هیئت مزبور مکلف است با بررسی دقیق موضوع، نظریه خود را مبنی بر انطباق یا عدم انطباق اقدام مأمور یا مأموران در به‌کارگیری سلاح با مقررات مربوط اعلام نماید.»

ماده ۲ آیین‌نامه فوق شرایط زیر را برای تیراندازی به سوی زندانی یا بازداشتی فراری لازم می‌داند:  
الف) تیراندازی باید بوسیله مأمور انتظامی مراقب زندانی یا بازداشتی باشد. این شرط از صدر ماده ۲ آیین‌نامه که عبارت مأموران ذیربط را به کار برده و از صدر ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح که مأموران انتظامی را برای تیراندازی صالح دانسته برداشت می‌شود، البته در صورتی که مأمور مراقب در حین تعقیب از سایر مأموران مسلح تقاضای مساعدت نماید یا شرایط به نحوی باشد که مساعدت سایر مأموران ضروری باشد آنان نیز می‌توانند با رعایت سایر شرایط تیراندازی نمایند.

ب) مأمور مراقب باید شخصاً فرار متهم یا محکوم علیه را مشاهده نماید و به صرف اعلام سایرین نمی‌تواند از سلاح استفاده نماید.

ج) مأمور مراقب بدو باید با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نماید. بنابراین به صرف فرار متهم یا محکوم مجوز تیراندازی وجود ندارد و مأمور باید ابتدا به تعقیب وی پردازد. (رعایت اصل ضرورت)

د) مأمور مراقب باید با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهد: اگر اقدام مأمور یا مأموران در تعقیب و دستگیری متهم یا محکوم متواری بی‌نتیجه ماند ابتدا مأمور مراقب تکلیف دارد با صدای بلند به نحوی که فرد متواری نوعاً متوجه شود سه مرتبه ایست بدهد. (رعایت قاعده تحذیر)



ه) مأمور مراقب با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد اقدام به شلیک هوایی نماید. مرحله بعد از ایست دادن، تیراندازی هوایی است. عرفاً گفته می‌شود که مأمور باید سه تیر هوایی شلیک کند و معمولاً این تیرها مشقی هستند اما اگر فشنگ جنگی باشد همیشه تیراندازی هوایی بی‌خطر نیست.

و) در صورت عدم تاثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهد. معمولاً در مرحله ایست یا تیراندازی هوایی متهم یا محکوم تسلیم می‌شود و جان خود را بر آزادی ترجیح می‌دهد. اما اگر باز هم تسلیم نشود و یا اینکه شرایط به نحوی باشد که امکان اجرای مراحل فوق ممکن نباشد نوبت به تیراندازی به سوی متهم یا محکوم می‌رسد و باتوجه به اینکه هدف از تیراندازی دستگیری فرد متواری است لذا مأموران مراقب باید به سوی پای فرد متواری تیراندازی نمایند تا او را مجروح و متوقف نمایند. (رعایت اصل تناسب)

ز) در صورتی که با اجرای مراحل قبل باز هم فرد متواری متوقف نشد و یا عملاً امکان اجرای مراحل قبلی وجود نداشت نوبت به تیراندازی کمر به بالا می‌رسد. تیراندازی کمر به بالا که قانون در مورد آن احتیاط فراوان نموده و به عنوان آخرین راهکار در آخرین مرحله از تیراندازی به آن مجوز داده، ممکن است در بسیاری از موارد باعث قتل فرد می‌شود. فرد متهم یا محکوم ممکن است به اتهام سبکی مثل توهین و یا اتهام سنگین محاربه و قتل عمد و یا در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی در بازداشتگاه و یا زندان باشد و در صورت فرار از بازداشتگاه یا زندان، صرف‌نظر از نوع اتهام و میزان محکومیت آنان، برابر بند ۵ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح و آیین‌نامه مربوط به آن مأموران با رعایت سایر شرایط حق تیراندازی به سوی فرد متواری جهت متوقف ساختن وی را دارند. در این مورد قانونگذار فرقی بین متهمین و محکومین جرایم سبک و سنگین و همچنین محکومین مالی و غیرمالی نگذاشته است.

ح) برابر تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه در صورتی که فرار با استفاده از وسایل نقلیه انجام گیرد مأموران موظفند برابر ماده ۶ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ اقدام نمایند که در فصول آینده، بحث خواهد شد.

ط) برابر تبصره ۴ ماده ۲ آیین‌نامه در صورتی که نقل و انتقال افراد زندانی یا بازداشتی توسط گروهی از مأموران صورت گیرد تشخیص تیراندازی برعهده فرمانده گروه مأموران مراقب می‌باشد.

## سوال:

چنانچه فرد متهم در غیر از بازداشتگاه یا زندان مثل محل تحت‌نظر نگهداری شود و از محل تحت‌نظر فرار نماید حکم قضیه چیست؟ آیا احکام قانونی فرار از بازداشتگاه و زندان حاکم است و در صورت فرار از تحت‌نظرگاه، مأموران می‌توانند برای دستگیری متهم اقدام به تیراندازی نمایند.

**پاسخ:**

در اینجا لازم است بدواً واژه زندان، بازداشتگاه و محل تحت نظر قدری توضیح داده شود.

**۱ - بازداشتگاه:**

بازداشتگاه که محل نگهداری موقت متهمان است به سه نوع تقسیم شده‌اند:

**الف - بازداشتگاه امنیتی:** به موجب ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اداره بازداشتگاههای امنیتی مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰ رئیس

قوه قضاییه، محل نگهداری متهمانی است که به لحاظ حساسیت‌های امنیتی و نظامی و با قرار کتبی مقامهای صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند و تحت نظر سازمان زندانها اداره می‌گردد.

**ب - بازداشتگاه موقت:** این نوع بازداشتگاه در سال ۱۳۸۵ به موجب آیین‌نامه اجرایی مصوب قوه قضاییه بوجود

آمد و با حفاظت معمولی، عدم احداث برجهای دیده‌بانی و استفاده از سیم خاردار در اطراف و تحت نظر سازمان زندانها اداره می‌شود و مخصوص نگهداری متهمانی است که صدور قرار تامین به بازداشت آنها منجر شده است.

**ج - بازداشتگاه عمومی:** این بازداشتگاه موضوع ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی زندانها در سال ۱۳۸۴ می‌باشد که

مخصوص نگهداری متهمین غیر از اشخاص زیر ۱۸ سال تمام و متهمین مواد مخدر و اعتیاد است.

**۲- زندان:**

برابر ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی زندانها مصوب ۱۳۸۴ زندان محلی است برای نگهداری محکومین قطعی با معرفی مقامات

ذی صلاح برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه‌آموزی.

**۱- تحت نظر:** قانونگذار در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۸۷ این

واژه را در ماده ۲۴ به‌کار برد. در ماده‌ی ۱۲۰ ق.آ.د.ک. ۱۲۹۰ نیز این اصطلاح به‌کار رفته است. کمیسیون

مشورتی اداره حقوقی دادگستری در نظریه مورخ ۱۳۴۶/۴/۱۱ اعلام نموده منظور از تحت نظر قرار گرفتن،

بازداشت نیست. تحت نظر بودن با حبس و بازداشت از جهت کیفیت اجراء اختلاف دارد.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۷۶-۷/۵/۸-۶۷ اعلام داشته: زندانی و بازداشتی به عنوان

تحت نظر بودن در قانون پیش‌بینی نشده تا بحث از شمول مقررات مربوط به زندانها در مورد آن مطرح گردد.

در ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک. ۱۲۹۰ و ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب

۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن آمده است: متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی، تحت نظر و محافظت خواهد

بود.

در عمل مشاهده می‌شود که تحت نظری را بعنوان بازداشتی تلقی کرده و فرد را بازداشت می‌کنند اما سازمان زندانها به موجب آیین‌نامه‌های اجرایی موجود از پذیرش متهمانی که به موجب قرار صادره از مرجع قضایی معرفی نشده باشند امتناع می‌نمایند و اینگونه افراد در کلانتریها و یگانهای انتظامی به مدت ۲۴ ساعت بازداشت می‌گردند که اصطلاحاً اینگونه بازداشتگاه را تحت نظر می‌گویند.

آیین نامه اجرایی موضوع تبصره بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح نیز فقط به دو مفهوم بازداشتگاه و زندان تصریح داشته و نامی از محل تحت نظر در آیین نامه هیأت وزیران وجود ندارد.

**بنابراین با توجه به صراحت قانون به کارگیری سلاح، مأموران فقط حق تیراندازی جهت متوقف ساختن متهمین فراری از بازداشتگاه یا زندان و یا متهمین و مجرمینی که در حال انتقال به مراجع قانونی فرار می‌نمایند را دارند و حق تیراندازی به متهمینی که تحت نظر قرار گرفته و از محل تحت نظر فرار می‌کنند را ندارند هرچند که متهم تحت نظری، اتهام سنگینی نیز داشته باشد.**

مسئله دیگر در خصوص موضوع کارشناسی ماده ۵ آیین نامه اجرایی تبصره بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح می‌باشد. ماده ۵ آیین نامه مذکور مقرر داشته:

در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نموده و منجر به قتل یا جرح شده باشد اعم از اینکه شکایت از طریق یگان مربوطه یا شاکی خصوصی مطرح گردد، سازمان مربوط موظف است همراه با گزارش جامع خود در خصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل کننده نظریه هیأت کارشناسی مرکب از نمایندگان حفاظت اطلاعات، بازرسی، حقوقی و یگان مربوط را اخذ و به مرجع قضایی رسیدگی کننده ارسال نمایند. هیأت مزبور مکلف است با بررسی دقیق موضوع، نظریه خود را بر انطباق یا عدم انطباق اقدام مأمور یا مأموران در به کارگیری سلاح با مقررات مربوط اعلام نمایند.

اولاً به استناد ماده ۱۳۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در هریک از جرائم موضوع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در صورتی که موضوع یا جرم ارتكابی و میزان تأثیر آن مشخص نباشد دادگاه موظف است موضوع را به کارشناس یا هیأت کارشناسی ارجاع و نظر آنان را کسب نماید.

تبصره این ماده نیز دستورالعمل را پیش‌بینی نموده که نحوه تشکیل هیأت و ترکیب و تعداد و شرح وظایف آن را مشخص می‌نماید. این دستورالعمل در هفت فصل و ۳۱ ماده و ۲۰ تبصره طی گردشکار شماره ۷۴۲۹۹ مورخ ۸۸/۳/۲۳ به تصویب مقام معظم فرماندهی کل قوا رسیده است.

ثانیاً اینکه کارشناسی مورد سخن در آیین نامه اجرایی، قبل از صدور قرار ارجاع به کارشناسی توسط مقام قضایی و قبل از طرح شکایت در مرجع قضایی رأساً توسط یگان مربوطه انجام پذیرد برخلاف اصول و مقررات کارشناسی مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی است.

ثالثاً در ماده ۵ آیین نامه مذکور آمده است که در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نمایند و ... سازمان مربوط موظف است نظریه هیأت کارشناسی را درخصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل کننده با مقررات و ضوابط اعلام نمایند. در صورتی که هیأت وزیران صرفاً در مورد بند ۵ ماده ۳ راجع به قرار بازداشتی‌ها و زندانی‌ها از بازداشتگاه و زندان و یا در حال انتقال مجاز به تصویب آیین نامه اجرایی بوده‌اند نه در بقیه موارد.

به عبارت دیگر هیأت وزیران از حدود اجازه قانونی تجاوز نموده و برای موارد غیر از بند ۵ ماده ۳ نیز تسری داده و این موضوع برخلاف قانون بوده و اعتبار قانونی ندارد. متأسفانه در برخی از آراء محاکم و قرارهای نهایی دادسرا دیده می‌شود که در گردشکار رأی و قرار خود به نظریه هیأت کارشناسی مزبور در همه موارد تیراندازی استناد شده است. کمیسیون قضایی و حقوقی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظریه شماره ۷/۲/۸۶/۴۹۶۳۷ مورخه ۸۶/۲/۳ اظهار نموده مقررات آیین نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران در موارد ضروری، منحصر به همین بند است و قابل تعمیم و تسری به مواد دیگر تیراندازی نیست.<sup>۲۱</sup>

رابعاً در ترکیب اعضای هیأت کارشناسی، مأمور یا مأموران مداخله کننده در دستگیری بازداشتی و زندانی متواری عضویت ندارد.

خامساً در صورتی که هیأت کارشناسی در ماده ۵ آیین نامه اجرایی در حدود صلاحیت خود اعلام نظر نماید آیا نظریه آنان از طرف شاکی یا مأمور قابل اعتراض است یا خیر؟ در صورت اعتراض، مرجع تجدیدنظر آن چه مرجعی است؟ متأسفانه در آیین نامه مذکور به این مهم توجهی نشده است اما باید گفت که اگر چه چند نفر به عنوان نمایندگان دوایر مختلف یک یگان نظامی در هیأت کارشناسی حضور دارند اما نظر هیأت مذکور را می‌توان یک نظر کارشناسی تلقی کرد نه نظر هیأت. بنابراین اعتراض به نظریه مذکور نیز تابع اصول کلی مقررات کارشناسی خواهد بود. بنابراین چنانچه مرجع قضایی تشخیص دهد که عقیده کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مسئله موافقت ندارد از آن متابعت نمی‌کند و اگر نظریه را ناقص بیابد و یا اخذ توضیح درباره تحقیقات کارشناسی را ضروری تشخیص دهد قرار تکمیل کارشناسی را صادر می‌نماید. همچنین دادگاه می‌تواند کارشناس دیگری را تعیین و یا کار را به هیأت کارشناسی ارجاع دهد.

اداره حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۱۲۶۲۳ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ راجع به سوال مربوط به هیأت کارشناس مورد سخن به شرح ذیل اعلام نظر نموده است:

اظهار نظر کمیسیون ماده ۵ آیین نامه اجرایی تبصره بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح صرفاً ناظر به موارد تیراندازی به شخص بازداشت شده یا زندانی که در حین انتقال فرار می‌نمایند و اقدامات دیگری برای دستگیری وی مقرر

۲۱- نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، انتشارات فکرسازان، سال ۱۳۸۸، ص ۲۰۷.

نبوده، می‌باشد. در مواردی که کمیسیون مزبور در حدود صلاحیت مربوط اقدام به اظهارنظر کارشناسی می‌کند در آیین‌نامه موصوف مقررات خاصی جهت اعتراض و تجدیدنظر نسبت به نظریه کمیسیون پیش‌بینی نشده است.<sup>۲۲</sup>

مستتبط از مواد ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری چنانچه نظریه کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته و یا مشکوک باشد قاضی رسیدگی کننده به آن ترتیب اثر نمی‌دهد و می‌تواند نظر کارشناسان دیگری را جلب نماید.

### مبحث سوم) تیراندازی برای حفاظت

به موجب بندهای ۶، ۷ و ۸ ذیل ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ذیل ماموران مسلح برای حفاظت حق استفاده از سلاح را دارند:

۱- تیراندازی برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی) ( بند ششم ماده ۳).

اماکن انتظامی از این جهت که محل استقرار نیروهای انتظامی و محل نگهداری انواع اسلحه و مهمات جنگی و اسناد دارای طبقه‌بندی می‌باشند دارای حساسیت بوده و مقنن برای حفظ این اماکن در برابر مهاجمان، با رعایت شرایط مقرر در این قانون اجازه استفاده از سلاح را به نگهبانان این اماکن داده است.

مقصود مقنن از حفظ اماکن انتظامی صرفاً حفاظت از ساختمانهای نیروی انتظامی نیست بلکه حفاظت از مجموعه انتظامی (کارکنان شاغل در اماکن، ساختمانها، اسناد، سلاح و مهمات و سایر اموال موجود در داخل اماکن) نیز مورد نظر مقنن بوده بنابراین اگر مهاجم به هر قصدی از جمله سرقت، تخریب، ترور و آتش زدن بخواهد وارد این اماکن شود نگهبان موظف است با رعایت سایر شرایط از سلاح برای دفع مهاجم استفاده نماید.

نکته دیگر اینکه موارد تصریح شده در این ماده از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد و ... تمثیلی می‌باشد و این بند شامل کلیه اماکن انتظامی می‌گردد اما شامل اماکنی از قبیل مراکز رفاهی و تفریحی ناچا نمی‌شود.

۲- تیراندازی برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد ( بند هفتم ماده ۳).

سلاح مأمور تا زمانی که برای انجام مأموریت در اختیار خودش می‌باشد در خدمت امنیت کشور و دفاع از حقوق مردم و نشان دهنده حاکمیت مقتدرانه قانون و نظم می‌باشد اما همین که در اختیار افراد غیرمجاز قرار گیرد ابزاری جهت سلب امنیت جامعه و تعرض به حقوق مردم خواهد بود. بنابراین حفاظت از سلاح از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اگر سلاح به‌طور مجاز در اختیار مأمور قرار گرفته باشد مأمور می‌تواند در مقابل حمله جهت خلع سلاح وی با رعایت شرایط دیگر از جمله حتمی و قطعی بودن و فعلیت یافتن حمله و همچنین شرط تناسب در دفاع جهت حفاظت از سلاح به

۲۲- فصل‌نامه قضایی و حقوقی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۲، ص ۱۵۸.

سوی مهاجم تیراندازی نماید. استفاده از سلاح برای حفظ سلاح در مقابل مهاجم غیرمسلح به سختی قابل قبول است مگر اینکه اوضاع واحوال (مثل تعداد مهاجمین) طوری باشد که دفاع غیرمسلحانه ممکن نباشد. بار اثبات این ادعا که استفاده از سلاح برای حفظ سلاح ضروری و لازم بوده به عهده مأمور است.

۳- تیراندازی برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله

جهت ترور، تخریب، آتش سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگانگیری و اشغال ( بندهشتم ماده ۳).

اماکن طبقه‌بندی شده اماکنی هستند که از حساسیت زیادی برخوردار بوده و در ارتباط با امنیت ملی یا منطقه‌ای یا بخشی از یک منطقه هستند و باتوجه به اینکه در بند ۶ و ۱۰ ماده ۳ عبارت اماکن نظامی و انتظامی آمده است به نظر می‌رسد که منظور قانونگذار از اماکن طبقه‌بندی شده در بند هشتم ماده ۳ اماکن غیرنظامی مثل سامان انرژی اتمی، پالایشگاهها، فرودگاهها و نیروگاههای اتمی می‌باشد.

**آیین‌نامه تعیین حریم اماکن نظامی و انتظامی مصوب ۷۵/۱/۲۰ فرماندهی کل قوا اماکن طبقه‌بندی شده را به چهار دسته تقسیم نموده است:**

**الف) اماکن حیاتی:** اماکن و تأسیساتی هستند که چنانچه کلاً یا قسمتی از آنها مورد آسیب قرار گیرند، سیستم دفاعی کشور به خطر افتد و یا صدمات جدی در جهت نیل به اهداف سیاسی کشور وارد سازد. (بند د از قسمت تعاریف اصطلاحات)

باتوجه به تعریف فوق در خصوص اماکن حیاتی غیرنظامی می‌توان گفت: اماکنی هستند که چنانچه تمام یا قسمتی از آنها مورد آسیب قرار گیرند امنیت ملی به خطر می‌افتد و برای جبران خسارت نیاز به زمان و هزینه زیادی می‌باشد مانند پالایشگاهها.

**ب) اماکن حساس:** اماکن و تأسیساتی هستند که هرگاه کلاً یا قسمتی از آنها مورد آسیب قرار گیرند زیان عمده‌ای به بخشی از سیستم دفاعی کشور وارد آید و یا لطماتی در جهت نیل به اهداف سیاسی به کشور وارد سازد. (بند ه از قسمت تعاریف و اصطلاحات)

اماکن حساس غیرنظامی باتوجه به تعریف فوق به اماکنی گفته می‌شود که بروز آسیب در آنها، منطقه‌ای از کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند فرودگاه مرکز استان.

**ج) اماکن مهم:** اماکن و تأسیساتی هستند که هرگاه کلاً و یا قسمتی از آنها مورد آسیب واقع شوند زیان قابل توجهی به سیستم دفاعی بخشی از مناطق کشور وارد سازد و یا نیل به اهداف سیاسی منطقه‌ای از کشور را با اشکال مواجه سازد. (بند و از قسمت تعاریف و اصطلاحات)

اماکن مهم غیرنظامی باتوجه به تعریف فوق تأسیساتی هستند که آسیب به آنها موجب تأثیر منفی در بخشی از یک منطقه شود مثل نیروگاههای برق محلی.

د) اماکن قابل حفاظت: تأسیساتی هستند که در گروههای فوق قرار نگرفته ولی نگهداری و حفاظت از آنها جهت جلوگیری از نفوذ عوامل دشمن لازم باشد (بند ۱۰ از قسمت تعاریف و اصطلاحات)

اماکن قابل حفاظت غیر نظامی نیز باتوجه به تعریف فوق تأسیساتی هستند که اهمیت کمتری دارند و به منظور جلوگیری از بهره‌برداری و سوء استفاده احتمالی دشمنان از آنها مراقبت می‌گردد مثل مخازن آب محلی.

باتوجه به بند ۸ ماده ۳ برای قانونی بودن تیراندازی ماموران برای حفاظت از اماکن طبقه‌بندی شده وجود شرایط ذیل الزامی است:

- ۱) مکان مورد نظر یکی از مصادیق چهارگانه حیاتی و حساس، مهم و قابل حفاظت باشد.
- ۲) هجوم یا حمله به این اماکن به جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگانگیری و اشغال انجام گرفته باشد.
- ۳) مأمور مسلح نگهبان یا مسئول حفاظت فیزیکی این اماکن باشد.
- ۴) مأمور مسلح چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشد.
- ۵) مأمور مسلح در صورت اقتضای شرایط هشدار بدهد.
- ۶) مأمور مسلح مراتب تیراندازی و اصل تناسب را رعایت نماید.

#### ۴- تیراندازی برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی (بند ۱۰ ماده ۳)

در مورد حفظ اماکن انتظامی مقنن در بند ششم ماده ۳ تعیین تکلیف نموده که پیش از این توضیح آن داده شد لیکن مقنن مجدداً در بند ۱۰ اماکن انتظامی را در کنار اماکن نظامی و امنیتی آورده است. اماکن نظامی و امنیتی شامل کلیه تأسیسات (اموال غیرمنقول) و تجهیزات (اموال منقول) متعلق و در اختیار نیروهای مسلح، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات و ستاد کل نیروهای مسلح می‌شود.

تیراندازی برای حفظ تأسیسات اماکن نظامی و امنیتی تابع همان مقررات برای حفظ اماکن انتظامی است که بیان شد. نکته حائز اهمیت این است که تیراندازی برای حفظ تجهیزات نظامی و امنیتی و انتظامی در صورتی مجاز است که این تجهیزات دارای حداقل ارزش مالی و امنیتی در برابر آثار تخریبی ناشی از تیراندازی باشد.

**۵- تیراندازی برای جلوگیری از تردد غیرمجاز در مرزها**

بند «۹» ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح در خصوص تجویز تیراندازی ماموران مسلح مقرر داشته: برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود یا خروج را داشته و به اخطار ماموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند. ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت غیرمجاز در ایران اصلاحی ۱۳۶۷ عبور غیرمجاز از مرزهای ایران را جرم شناخته است. بنابراین ماموران مرزبانی مکلفند که از ورود و خروج غیرقانونی افراد از مرزها جلوگیری نمایند و در صورت ضرورت پس از اخطار لازم با وجود سایر شرایط از سلاح خود استفاده نمایند.

انواع مرز:

- ۱- مرز مجاز: عبارت است از معابر تردد مرزی که براساس پیشنهاد ستاد کل نیروهای مسلح و تصویب هیأت وزیران و موافقت کشور همجوار معین می‌شود.
- ۲- مرز غیرمجاز: کلیه نقاط مرزی که خارج از معابر و مرزهای مجاز می‌باشد مرز غیر مجاز تلقی می‌شوند. با عنایت به مراتب فوق شرایط ذیل برای تیراندازی به منظور جلوگیری از تردد در مرزها الزامی است:
  - ۱- عبور افراد از مرز غیرمجاز باشد.
  - ۲- عابری با ادامه حرکت به طرف مرز برای ورود یا خروج قصد خود را عملی کرده باشند.
  - ۳- ماموران هشدار ایست به عابری بدهند.
  - ۴- عابری به هشدار مأموران توجهی نکرده باشند.
  - ۵- مأموران تیرهوایی شلیک نمایند.
  - ۶- در صورت عدم توجه عابری به هشدارهای مکرر مأموران حق تیراندازی زمینی را دارند.

**پرسش:**

در صورتی که شخص به‌طور غیرمجاز از مرز مجاز عبور نماید آیا ماموران حق به کارگیری سلاح دارند یا خیر؟

**پاسخ:**

منفی است باتوجه به اینکه در مرزهای مجاز نیروهای مسلح انتظامی هر دو کشور مستقر هستند و امکان دستگیری متهم به سهولت وجود دارد قانون چنین اختیاری به ماموران نداده است.



## مبحث چهارم) برقراری نظم

به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. لذا در صورتی که اجتماعات و راهپیمایی‌های غیرقانونی (مسلحانه و یا غیرمسلحانه) برگزار گردد ماموران انتظامی حق دارند اقدامات لازم را جهت جلوگیری از آن و اعاده نظم انجام دهند. مواد چهارم و پنجم قانون به کارگیری سلاح به بیان موارد جواز تیراندازی به سوی راهپیمایی‌های غیرقانونی و آشوب‌ها پرداخته است. ماده ۴ در مورد راهپیمایی‌های غیرمسلحانه و ماده ۵ در مورد راهپیمایی‌ها و شورش‌های مسلحانه است که به تفکیک به بررسی آن می‌پردازیم:

### ۱- به کارگیری سلاح در راهپیمایی‌های غیرقانونی و شورش غیرمسلحانه

ماده ۴ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته:

ماموران انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیرقانونی، فرو نشاندن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح مهار آنها امکان پذیر نباشد حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات در صورت تحقق شرایط زیر دارند:

الف) قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

ب) قبل از به کارگیری سلاح با اخلال گران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.

تبصره ۱- تشخیص ناآرامی‌های موضوع ماده ۴ حسب مورد برعهده رئیس شورای تأمین استان و شهرستان و در غیاب هریک برعهده معاون آنها خواهد بود و در صورتی که فرماندار معاون سیاسی نداشته باشد این مسئولیت را به یکی از اعضای شورای تأمین محول خواهد نمود.

تبصره ۲- در مواردی که برای اعاده نظم و امنیت موضوع این ماده نیروی نظامی طبق مقررات قانونی مأموریت پیدا نمایند از لحاظ مقررات به کارگیری سلاح مشمول این ماده می‌باشند.

تبصره ۳- آیین نامه اجرایی ماده فوق توسط وزارت خانه‌های کشور و دادگستری و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.

## مفهوم واژه‌ها

- ۱- راهپیمایی: در لغت به معنای طی نمودن یک مسیر است اما در اصطلاح به تجمعات انسانی از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که افراد حاضر در آن مسیری را طی می‌کنند و شعارهای موردنظر خود را اعلام می‌کنند.
- ۲- تجمعات: برخلاف راهپیمایی‌ها، در تجمعات افرادی در یک محل مثل پارک یا میدان جمع می‌شوند بدون آنکه طی مسیر نمایند.<sup>۲۳</sup>
- ۳- راهپیمایی غیرقانونی: تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده ملاک قانونی بودن یک راهپیمایی و یا تجمع را دو شرط دانسته: اول اینکه راهپیمایی بدون سلاح باشد. دوم اینکه برای برگزاری راهپیمایی یا تجمع از وزارت کشور مجوز اخذ شده باشد. بنابراین اگر هریک از دو شرط فوق رعایت نگردد راهپیمایی یا تجمع غیرقانونی است.
- ۴- شورش، بلوا، اغتشاش و ناآرامی. این اصطلاحات تعاریف مشابهی دارند. به نظر می‌رسد که به اعمال غیرقانونی بیش از دو نفر که به صورت هماهنگ و همسو و با انجام اعمال غیرقانونی مثل تخریب اماکن عمومی و شخصی، سرقت، درگیری با مردم و ماموران، به منظور برهم زدن آسایش عمومی به خاطر نیل به مقصود مشترک و مخالفت با نظام حاکم و سعی در تضعیف یا براندازی آن انجام می‌شود، شورش، بلوا، اغتشاش و ناآرامی می‌گویند. نمونه عملی آن را در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ تهران مشاهده کردیم.
- هدف مقنن در ماده ۴ قانون به‌کارگیری سلاح صرفاً اعاده نظم، کنترل راهپیمایی‌های غیرقانونی، فرونشاندن شورش، بلوا و ناآرامی است. لذا، اگر بتوان بدون استفاده از سلاح به این اهداف رسید حق استفاده از سلاح برای ماموران وجود ندارد. مثلاً چنانچه با اخطار دادن یا استفاده از گازهای اشک‌آور یا ماشین‌های آب‌پاش جمعیت متفرق شوند حق استفاده از سلاح وجود ندارد.
- تشخیص ناآرامی‌ها نیز برعهده رئیس شورای تأمین استان و یا شهرستان و یا معاون وی می‌باشد نه ماموران. ماموران مکلفند به استناد ماده ۳۹ ق.م.ج.ن.م. مصوبات شورای تأمین استان و شهرستان را اجراء نمایند در غیراین صورت مجرم محسوب و مستوجب کیفر خواهند بود.

۲۳- قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیتهای دینی شناخته شده.

**پرسش:**

آیا برای اجرای مصوبات شورای تامین لازم است که این مصوبات از طریق سلسله مراتب فرماندهی به نیروهای مسلح ابلاغ شود؟

**پاسخ:**

کمیسیون مشورتی قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این سوال چنین اظهار نظر نموده: حدود وظایف و اختیارات شورای تامین در قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۸/۶/۸۶ مشخص شده و ماده ۳۹ ق.م.ج.ن.م ضمانت اجرای تصمیمات شورای تامین می‌باشد. با عنایت به اینکه جهت اجرای مصوبات و تصمیمات شورای تامین توسط یگانهای نظامی و انتظامی ابلاغ تصمیمات آنها از طریق سلسله مراتب نیروهای مسلح پیش‌بینی نشده و در موارد اضطراری و حوادث غیرمترقبه و فوری نیز عملاً ابلاغ تصمیمات و مصوبات مزبور از طریق سلسله مراتب فرماندهی میسر نمی‌باشد لذا اجرای تصمیمات و مصوبات شوراهای مذکور توسط فرماندهان و مسئولان نظامی یا انتظامی نیاز به ابلاغ موضوع از طریق سلسله مراتب فرماندهی ندارد.<sup>۲۴</sup>

**پرسش:**

چنانچه بین دستور فرمانده و یا مافوق و مصوبات شورای تامین مربوطه اختلاف وجود داشته باشد تکلیف مامور مسلح چیست و کدام یک از اوامر ارجح می‌باشد؟

**پاسخ:**

چنانچه تصمیمات شورای تامین با اوامر و تدابیر ابلاغی سلسله مراتب نیروهای مسلح مغایرتی وجود داشته باشد برابر بند سیزدهم شرح وظایف دبیرخانه شورای امنیت کشور ارزیابی مصوبات شورای تامین استانها یا شهرستانها از لحاظ تطبیق با قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها و سیاستهای امنیتی به عهده دبیرخانه مزبور می‌باشد.<sup>۲۵</sup>

- شرایط قانونی به کارگیری سلاح در ناآرامی‌های غیرمسلحانه مستند به ماده ۴ به شرح ذیل است:
- ۱- تشخیص و اعلام وجود ناآرامی‌ها از سوی شورای تامین استان و یا شهرستان، بدیهی است که در خصوص راهپیمایی‌های غیرقانونی نیازی به اعلام این موضوع از طرف شورای تامین نیست.
  - ۲- استفاده از وسایل دیگر و عدم تاثیر آن بر مهار ناآرامی‌ها
  - ۳- اتمام حجت با اخلاص‌گرا و شورشیان برای به‌کارگیری سلاح و عدم توجه آنان

۲۳- یزدانیان، محمد رضا، «شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح»، مجله دادرسی، شماره ۵۰، صص ۳۶ و ۳۵.  
۲۵- همان منبع.

۴- صدور دستور به کارگیری سلاح از سوی فرمانده عملیات

۵- برابر ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح ماموران باید حتی المقدور در زمان تیراندازی پا را هدف قرار بدهند و

به کارگیری سلاح به گونه‌ای باشد که به افراد بی‌گناه لطمه‌ای وارد نشود.

قابل ذکر است که آیین‌نامه اجرائی ماده ۴ تا به حال تهیه و به تصویب هیأت وزیران نرسیده است.

## ۲- به کارگیری سلاح در ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه

ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته: ماموران نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. ماموران مذکور موظفند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام نمایند.

در شرع مقدس اسلام، قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی (بغی) و قیام کنندگان نیز (باغی) نامیده می‌شوند و از نظر حکم شرعی و قانونی محارب محسوب می‌شوند. در ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح هدف مقنن از تجویز به کارگیری سلاح، کشتن افراد حاضر در راهپیمایی‌های مسلحانه نیست بلکه هدف اعاده نظم و امنیت و خلع سلاح افراد مسلح و دستگیری آنان است فلذا اگر بدون به کارگیری سلاح، شرکت کنندگان در شورش بدو تسلیم شوند نیازی به به کارگیری سلاح نمی‌باشد. اما اگر این هدف بدون سلاح محقق نشد ماموران موظفند بدون تعلل و با دستور فرمانده عملیات و با رعایت سایر شرایط به سوی افراد مسلح تیراندازی نموده و آنان را خلع سلاح و دستگیر نمایند.

**پرسش‌هایی که اینجا مطرح می‌شود این است که منظور از راهپیمایی و شورش مسلحانه چیست؟ آیا برای اینکه راهپیمایی و شورش مسلحانه تلقی شود لازم است همه افراد حاضر در راهپیمایی و شورش مسلح باشند یا اینکه حتی اگر یک نفر از آنان نیز مسلح باشد برای احراز این موضوع کفایت می‌کند؟ آیا سلاح باید ظاهر باشد یا اینکه اگر سلاح افراد مخفی هم باشد کفایت می‌کند؟ آیا افراد باید حامل سلاح گرم باشند یا اینکه اگر حامل سلاح سرد هم باشند برای احراز راهپیمایی مسلحانه کافی است؟**

## پاسخ:

باعنایت به ماده ۳۳ ق.م.ج.ن.م. که در بیان و تعریف جرم شورش حضور حداقل سه نفر از نظامیان را لازم می‌داند و با عنایت به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و اصل برائت به نظر می‌رسد که برای احراز راهپیمایی مسلحانه حداقل تعداد شرکت کنندگان باید سه نفر بوده و یک نفر از آنان مسلح باشد.

همچنین مستنبط از ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح، اسلحه افراد مسلح در راهپیمایی باید ظاهر باشد و اگر سلاح آنان مخفی باشد بازهم مشمول ماده ۵ نمی‌گردند.

منظور از سلاح مذکور در ماده ۵ نیز سلاح گرم است و چنانچه شرکت کنندگان در راهپیمایی‌ها حامل سلاح سرد باشند بازهم موضوع از مصادیق ماده ۵ نمی‌باشد.

باتوجه به مراتب فوق شرایط قانونی تیراندازی در ناآرامی‌های مسلحانه مستند به ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- احراز راهپیمایی غیرقانونی و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه با فرمانده عملیات است.
- ۲- دستور به کارگیری سلاح از سوی فرمانده عملیات صادر شود.
- ۳- شرکت کنندگان و افراد مسلح در راهپیمایی‌های غیرقانونی خود را تسلیم ننمایند.
- ۴- دستور فرمانده عملیات باید بدون تعلل جهت برقراری نظم و امنیت و خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اجراء گردد.
- ۵- ماموران در زمان تیراندازی برابر ماده ۷ باید حتی‌المقدور پا را هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود و به اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد.

#### مقایسه به کارگیری سلاح در ناآرامی‌های مسلحانه و غیرمسلحانه موضوع مواد ۴ و ۵

با عنایت به مواد ۴ و ۵ قانون به کارگیری سلاح و مقایسه این مواد موارد ذیل حائز اهمیت است:

- ۱- موضوع ماده ۴ راهپیمایی، شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی غیرمسلحانه است و موضوع ماده ۵ راهپیمایی‌ها، شورش و ناآرامی‌های مسلحانه است.
- ۲- تشخیص راهپیمایی‌ها و ناآرامی‌ها موضوع ماده ۴ حسب مورد برعهده رئیس شورای تامین استان و شهرستان و در غیاب هریک برعهده معاون آنان خواهد بود در صورتی که تشخیص راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه با فرمانده عملیات است.
- ۳- در ماده ۴ شرط به کارگیری سلاح این است که قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و موثر واقع نشده باشد و با اخلاک‌گران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد و در ماده ۵ چنین شرطی قید نشده است. علیهذا به نظر می‌رسد که رعایت اصل ضرورت در تیراندازی اقتضاء می‌کند که ماموران قبل از تیراندازی موضوع ماده ۵ این مهم را انجام دهند.
- ۴- تجویز و تکلیف به استفاده از سلاح در مواد ۴ و ۵ قانون به کارگیری سلاح به دستور فرمانده عملیات است فلذا اگر ماموری بدون دستور فرمانده عملیات تیراندازی نماید برخلاف مقررات تیراندازی نموده و عمل وی مشمول ماده ۴۱ ق.م.ج.ن.م. می‌باشد مگر اینکه مدعی دفاع مشروع شود و بتواند ادعای خود را ثابت کند.

### مبحث پنجم) تیراندازی به منظور متوقف ساختن وسایل نقلیه

حسب ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط ماموران موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف) در صورتی که وسایل نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیرمجاز حامل سلاح و مهمات باشد.

ب) در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به ماموران و یا مردم استفاده شده باشد.

تبصره ۱: ماموران مذکور موظفند که در ایستگاههای ایست و بازرسی وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو و چراغ گردان) تعبیه نمایند.

تبصره ۲: ماموران مذکور در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.

تیراندازی به سوی وسیله نقلیه موضوع ماده ۶ با تیراندازی به سوی افراد پیاده موضوع ماده ۳ تفاوت اساسی دارد. هدف از تیراندازی به سوی اشخاص، متوقف کردن خود شخص با شلیک تیر به طرف پای اوست و هدف از تیراندازی به سوی وسیله نقلیه، متوقف کردن وسیله نقلیه است. بنابراین مامور باید به سمت وسیله نقلیه طوری تیراندازی نماید که راننده یا متصدی وسیله نقلیه مورد هدف قرار نگیرد.

### الف: مفهوم وسیله نقلیه<sup>۲۶</sup>

وسيله نقلیه در لغت به معنای هر نوع وسیله‌ای است که قابلیت حمل و نقل در زمین، هوا و دریا را داشته باشد مانند خودرو، موتور سیکلت، گاری و معمولاً به دو نوع موتوری و غیرموتوری تقسیم می‌شود.

اما رویه قضایی وسیله نقلیه مذکور در ماده ۶ را هر وسیله و حتی هر جاندار می‌داند که بتوان اعمال مجرمانه مندرج در ماده ۶ را با آن انجام داد. در واقع مقنن لفظ وسیله نقلیه را به‌طور کلی به کار برده لذا بر هر نوع وسیله نقلیه‌ای که خاصیت حمل و نقل انسان و کالا را داشته باشد جاری است. بنابراین وسیله نقلیه شامل چهارپایان و گاری نیز می‌گردد و اگر غیر از این بود قید موتوری برای عبارت وسیله نقلیه ذکر می‌شد.

کمیسیون مشورتی حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح<sup>۲۷</sup> نیز در خصوص تیراندازی به طرف حاملین کالای قاچاق با چهارپایان اعلام نموده با توجه به مطلق بودن عنوان وسیله نقلیه در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح و اینکه چهارپایان نیز وسیله نقلیه به شمار می‌آید و حمل مواد مخدر و کالای قاچاق از طریق چهارپایان

۲۶- گاری، ارابه، موتور سیکلت، درشکه، دلیجان، اتومبیل باری یا سواری وسیله نقلیه محسوب می‌شود. «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ج پنجم، چاپ اول، سال ۱۳۷۸، ص ۳۷۷۴.

۲۷- کتاب استعلام قضایی قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، انتشارات پونه، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲.

باعث گسترش این نوع جرایم می‌شود در مورد سؤال با تحقق سایر شرایط مندرج در قانون مربوطه، تیراندازی ماموران به آنها فاقد اشکال قانونی است. همچنین کمیسیون مذکور در پاسخ به استعلام اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا اعلام نموده که وسایل نقلیه مذکور در ماده ۶ قانون به کارگیری اختصاص به وسیله خاص و یا محل خاصی ندارد و اعم از وسیله نقلیه زمینی، هوایی و دریائی است و در موارد ضروری مطابق بندهای این ماده تیراندازی ماموران واجد شرایط جهت متوقف ساختن آنها وفق مقررات قانون مزبور مجاز می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

### ب: تعریف قراین معتبر

قراین جمع قرینه است. قرینه در لغت یعنی آنچه که دلیل باشد برای فهم مطلبی یا پیدا کردن مجهولی یا رسیدن به مقصدی.<sup>۲۹</sup>

بنابراین قراین معتبر به مجموعه شواهد و نشانه‌های دال بر یک موضوع گفته می‌شود.

### قراین به دو نوع تقسیم می‌شوند:

- ۱- قرینه عرفی: و آن زمانی است که عرف حاکم دلالت بر انجام امری کند؛ مانند عبور خودرو در بیابانهایی که عرفاً محل تردد خودروهای حامل کالای قاچاق یا مواد مخدر است.
  - ۲- قرینه عقلی: و آن زمانی است که عقل دلالت بر انجام امری کند؛ مانند خودرویی که در مکان و زمان خاص علیرغم هشدارهای متعدد ماموران، عمداً از چندین پاسگاه ایست و بازرسی با سرعت زیاد عبور کرده و متوقف نمی‌شود و اوضاع و احوال حاکم دلالت بر ارتکاب عمل مجرمانه از ناحیه او دارد.
- با عنایت به توضیحات فوق به نظر می‌رسد قراین معتبر شامل قرینه عرفی و عقلی است و قانونگذار در مقام بیان ملاک نوعی است و نه ملاک شخصی.

### ج: تعریف دلایل معتبر

دلایل جمع دلیل<sup>۳۰</sup> است. دلیل یعنی آنچه که برای اثبات امری به کار می‌رود. این ادله در امور مدنی عبارتند از: اقرار، شهادت، اسناد، اماره و سوگند و در امور کیفری ادله عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی. منظور از عبارت دلایل معتبر که در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح آمده دلایل مذکور در قانون مدنی و آیین دادرسی کیفری نیست بلکه منظور توجیهات منطقی و عقلانی است که شخص را به این باور رسانده که خودروی متواری حامل کالای قاچاق یا مواد مخدر است و مامور حق تیراندازی به سمت خودرو را دارد.

۲۸- کتاب «پرسشهای قضایی و حقوقی و نظریات مشورتی»، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، چاپخانه ارتش، سال ۱۳۸۱، ص ۱۶۶.

۲۹- معین، محمد، «فرهنگ فارسی معین»، دوره یک جلدی، نشر سرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۷۵۹.

۳۰- برابر ماده ۱۹۴ قانون مدنی، دلیل عبارت است از امری که اصحاب دعوی برای اثبات دفاع به آن استناد می‌کنند.

**د: تعریف اطلاعات موثق**

اطلاعات جمع اطلاع است و اطلاع نیز به معنای واقف شدن برکاری است. برخلاف اطلاع، خبر آن است که احتمال درستی و نادرستی در آن می‌باشد. اطلاعات اخباری است که صحت و سقم آن مشخص گردیده؛ به عبارت دیگر اطلاعات اخباری است که از طرق موثق و یا منابع مورد اعتماد به مأموران درخصوص موضوع معین و مشخص می‌رسد مثلاً از طریق مخبرین معتمد، به مأموران اطلاع داده شود که اتومبیلی با شماره پلاک معین حامل مواد مخدر یا اسلحه است و یا از طریق سایر مأموران اطلاع داده شود که اتومبیل مشخص اقدام به حمله به سوی آنان نموده و سپس متواری شده است. به این اطلاعات که منبع آن شناخته شده و در دسترس می‌باشد و بعضاً مورد ارزیابی هم قرار گرفته اطلاعات موثق می‌گویند.

**پرسش:**

منظور از قراین و دلایل معتبر و اطلاعات موثق چیست؟

**پاسخ:**

منظور مقنن از عبارات قراین و دلایل و اطلاعات موثق در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح این است که باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال قضیه برای مامور اطمینان و علم متعارف حاصل شود که وسیله نقلیه موردنظر حامل افراد متواری، اموال مسروقه، کالای قاچاق و مواد مخدر است به طوری که هر فرد عادی در شرایط مشابه به همین نتیجه برسد و منظور از دلیل مفهوم خاص و تعریف دقیق حقوقی و موارد احصاء شده آن نیست. زیرا در غیراین صورت ارزیابی دقیق و قطعی دلیل و انطباق با واقعیات در شرایط و اوضاع و احوال حادث شده در همه موارد توسط مامور ممکن نیست و اجرای ماموریت‌های محوله سازمان‌های نظامی و انتظامی را مختل می‌نماید. نظریه کمیسیون مشورتی اداره کل حقوقی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز مؤید همین موضوع است.<sup>۳۱</sup>

۳۱- مجموعه نشست‌های قضایی معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضایی، جلد دوم، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.



**پرسش:**

آیا ماموران حق تیراندازی نسبت به گواهی که حکم جلب وی صادر شده و با وسیله نقلیه متواری شود را دارند؟

**پاسخ:**

باتوجه به اینکه فلسفه وضع قانون و قیود به کار برده شده در بندهای الف و ب ماده ۶ شامل متهمین متواری است شامل افراد غیر متهم نمی‌باشد.

**ه: جایگاه ظن و گمان در تیراندازی به سوی وسیله نقلیه**

مقنن در موارد ظن صرف، حتی اجازه ایست و بازرسی خودروها را نداده است. بنابراین تیراندازی به سوی وسایل نقلیه از روی ظن و گمان وجاهت قانونی نداشته و از مصادیق تیراندازی عمدی برخلاف مقررات موضوع ماده ۴۱ ق.م.ج.ن.م. محسوب می‌گردد.

کمیسیون قضایی و حقوقی س.ق.ن.م. در نظریه شماره ۷/۳۴/۸۸/۱۵۴۱۹ مورخ ۸۸/۴/۲۰ اظهار نموده: تیراندازی ماموران انتظامی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها منحصر به موارد تصریح شده در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح با رعایت سایر شرایط و مقررات قانون مزبور می‌باشد و صرف مظنونیت از موجبات تیراندازی برابر مقررات یاد شده نیست.<sup>۳۲</sup>

**و: شرایط تیراندازی به سوی وسیله نقلیه**

به موجب بندهای الف و ب ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح ماموران در هفت مورد می‌توانند برای متوقف کردن وسیله نقلیه از سلاح استفاده نمایند:

- ۱- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه مسروقه باشد:
- برابر ماده ۷۲۲ ق.م.ا چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود مالک یا متصرف مکلف است بلافاصله موضوع را به نزدیک‌ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید.
- اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه موتوری مسروقه به همراه دستور توقیف صادر شده از سوی مقامات قضایی در سیستم اطلاعات ناجا ثبت و به سادگی از سوی ماموران قابل استعلام است.

۳۲- فصلنامه قضایی و حقوقی س.ق.ن.م، سال ۱۳۸۸، شماره ۴۶، ص ۲۱۸.

لذا چنانچه سرقت وسایل نقلیه موتوری یا غیرموتوری براساس قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق برای مأمور محرز شود مأمور در صورت اجتماع سایر شرایط جهت متوقف ساختن وسیله نقلیه حق تیراندازی به سمت وسیله نقلیه را دارد.

۲- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه حامل افراد متواری باشد: منظور از عبارت افراد متواری مذکور در بند الف ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح اشخاصی هستند که حسب مورد برابر دستور مقام قضایی تحت تعقیب قرار گرفته و یا به تجویز قوانین و مقررات موضوعه مانند جرایم مشهود، مأموران حق دستگیری آنان را دارند و به همین علت و به منظور عدم دستیابی مأموران متواری شده‌اند. نظریه شماره ۷/۳۴/۶۳۸۰ مورخ ۸۸/۲/۲۰ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز مؤید همین موضوع است.<sup>۳۳</sup> همچنین در پاسخ به این سؤال که منظور از افراد متواری مذکور در متن ماده ۶ چیست؟ آیا منظور کسانی هستند که بنا به دستور قضایی حکم جلب آنان صادر شده و تحت تعقیب مرجع قضایی هستند؟ آیا منظور کسانی هستند که جرم مشهودی انجام داده و تحت تعقیب ضابط دادگستری هستند؟ آیا منظور کسانی هستند که پلیس به آنان مظنون شده و به آنان دستور ایست داده لیکن فرد مظنون تعمداً به ایست پلیس توجهی ننموده و متواری شده است؟ اداره حقوقی قوه قضاییه طی نامه شماره ۷/۱۱۰۶ مورخ ۸۷/۲/۲۳ پاسخ داده:

با عنایت به اینکه تفسیر قوانین جزایی خصوصاً در مواردی که سلامت و زندگی افراد در معرض خطر است باید محدود به قدر متیقن انجام شود صرف مظنون شدن پلیس به افراد و عدم توجه آنان به دستور پلیس مجوز تیراندازی به سوی افراد مظنون نیست ولی افرادی که تحت تعقیب مراجع صلاحیت‌دار قضایی هستند و حکم دستگیری آنان کتباً صادر شده و یا اشخاصی که پس از ارتکاب جرم مشهود از صحنه متواری شده‌اند می‌توانند از مصادیق بند الف ماده ۶ قانون استعلام باشند. مضافاً این که در مواردی که مأموران مزبور مجاز به تیراندازی هستند باید صرفاً به سوی وسیله نقلیه تیراندازی نمایند نه به سوی افرادی که سوار وسیله نقلیه هستند به علاوه افراد مذکور باید دارای مهارت‌های کافی در تیراندازی باشند و به هر حال منظور متوقف ساختن وسیله نقلیه است.

۳- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه حامل اموال مسروقه باشد: اموال مسروقه اموالی است که از طریق سرقت تحصیل شده خواه سارق حامل این اموال باشد و یا اینکه شخص دیگری با علم و اطلاع از مسروقه بودن اموال با خودرو اموال مسروقه را حمل نماید.

۴- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه حامل کالای قاچاق باشد: قاچاق در فرهنگ فارسی معین این‌چنین تعریف شده: کاری برخلاف قانون که پنهانی انجام شود، متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است.

۳۳- فصلنامه قضایی، حقوقی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۴۵، سال ۱۳۸۸، ص ۲۴۴.

کلمه‌ی « قاچاق » در لغت‌نامه دهخدا معادل « بُرده، ربوده، آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است » معنا شده و این کلمه در فرهنگ عمید معادل « تردستی، کاری که پنهانی با تردستی انجام شود، خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت و یا معامله آنها ممنوع باشد » تعبیر شده است.

در قانون صراحتاً تعریفی از قاچاق ارائه نشده، بلکه در هر مورد به ذکر مصادیقی از عمل قاچاق اکتفا شده است. به عنوان مثال، در ماده ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ آمده است: خرید و فروش و نگاهداری اجناس دخانیه و ادوات و اشیایی که به موجب قانون انحصار دخانیات، خرید و فروش تملک آنها در انحصار دولت است قاچاق محسوب می‌شود. در ماده ۴۵ همین قانون در تعریف اشیاء ممنوع الورد و ممنوع الصدور می‌گوید: مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید یا فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن است در داخل مملکت. مقصود از قاچاق اشیاء ممنوع الورد یا ممنوع الصدور، وارد کردن اشیاء ممنوع الورد است به خاک ایران در هر نقطه از مملکت که اشیاء مزبور کشف شود و یا خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور و یا تسلیم آن است به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت. همچنین به موجب ماده واحده قانون تفسیر ماده ۴۵ مذکور، هرگاه اشیاء ممنوع الورد را اشخاص در داخل کشور برای تجارت یا کسب و با علم به اینکه ممنوعاً وارد شده نقل و انتقال نموده یا واسطه در آن امر شوند نیز قاچاق محسوب می‌شود. در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ نیز مصادیقی از عمل قاچاق نام برده شده است. طبق ماده ۲۹ این قانون اقداماتی نظیر وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به ترتیب غیرمجاز، خارج نکردن وسایط نقلیه و یا کالایی که به عنوان ورود موقت یا ترانزیت خارجی وارد کشور شده باشد، بیرون بردن کالای تجارتي از گمرک بدون تسلیم اظهارنامه و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض، اظهار کردن کالای ممنوع الورد یا غیرمجاز تحت عنوان کالای مجاز یا مجاز مشروط با نام دیگر، وجود کالای اظهار نشده ضمن کالای اظهار شده و اقدامات دیگری نظیر اینها، عمل قاچاق شناخته می‌شود.<sup>۳۴</sup>

۳۴- ماده ۲۹ قانون امور گمرکی: موارد مشروحه زیر قاچاق گمرکی محسوب می‌شود:

- ۱- وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به ترتیب غیرمجاز مگر آنکه کالای مزبور در موقع ورود یا صدور ممنوع یا غیرمجاز یا مجاز مشروط نبوده و از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض بخشوده باشد.
- ۲- خارج نکردن وسایط نقلیه و یا کالایی که به عنوان ورود موقت یا ترانزیت خارجی وارد کشور شده به استناد اسناد خلاف واقع مبنی بر خروج وسایط نقلیه و کالا.
- ۳- بیرون بردن کالای تجارتي از گمرک بدون تسلیم اظهارنامه و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض خواه عمل در حین خروج از گمرک یا بعد از خروج کشف شود. هرگاه خارج کننده غیر از صاحب مال یا نماینده قانونی او باشد گمرک عین کالا و در صورت نبودن کالا بهای آن را که از مرتکب گرفته می‌شود پس از دریافت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مقرر به صاحب کالا مسترد می‌دارد و مرتکب طبق مقررات کیفری تعقیب خواهد شد.
- ۴- تعویض کالای ترانزیت خارجی یا برداشتن از آن.
- ۵- اظهار کردن کالای ممنوع الورد یا غیرمجاز تحت عنوان کالای مجاز یا مجاز مشروط با نام دیگر.
- ۶- وجود کالای اظهار نشده ضمن کالای اظهار شده به استثناء مواردی که کالای مزبور از نوع مجاز بوده و مأخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض آن بیشتر از مأخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض کالای اظهار شده نباشد. کالای اظهار نشده ضمن کالای ترانزیتی اعم از اینکه کالای مزبور مجاز یا مشروط یا ممنوع باشد مشمول این بند خواهد بود.
- ۷- خارج نکردن یا وارد نکردن کالایی که ورود یا صدور قطعی آن ممنوع یا مشروط باشد ظرف مهلت مقرر از کشور یا به کشور که به عنوان ترانزیت خارجی یا ورود موقت یا کابوتاژ (CABOTAGE) یا خروج موقت یا مرجوعی اظهار شده باشد جز در مواردی که ثابت شود در عدم خروج یا ورود کالا سوء نیتی نبوده است.
- ۸- واگذاری کالای معاف مندرج در ماده ۳۷ به هر عنوان برخلاف مقررات این قانون و یا بدون پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مربوط.
- ۹- اظهار کردن کالای مجاز تحت عنوان کالای مجاز دیگری که حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض آن کمتر است با نام دیگر و با استفاده از اسناد خلاف واقع.

\* \* \* \* \* دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م.

در مجموع در تعریف قاچاق می‌توان گفت «هرگونه فعالیت غیرقانونی در امر واردات، صادرات، خرید، فروش، تولید، توزیع، حمل و نگهداری کالا و ارز» قاچاق محسوب می‌شود. شخص یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق نماید «قاچاقچی» یا «سوداگر» و کالای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می‌گیرد «کالای قاچاق» یا به اختصار «قاچاق» می‌نامند.

۵- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه حامل مواد مخدر باشد:

مواد مخدر در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحی ۸۹/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام احصاء شده‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که اگرچه قانونگذار عبارت اموال مسروقه و کالای قاچاق و مواد مخدر را بدون قید و شرط و بدون در نظر گرفتن ارزش مال مسروقه، ارزش کالای قاچاق و میزان و ارزش مواد مخدر در بند الف ماده ۶ قانون به‌کارگیری سلاح آورده و اجازه داده که ماموران به سوی خودروی حامل اموال مذکور تیراندازی نمایند اما با عنایت به اهمیت موضوع تیراندازی و اینکه تیراندازی باید در موارد ضروری انجام شود و شرط تناسب هم در آن رعایت گردد به نظر می‌رسد در مواردی که مال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر حمل شده عرفاً دارای ارزش چندانی نباشد و قابل مسامحه باشد مثل سرقت یک جلد دفترچه یا حمل یک باکس سیگار قاچاق و یا حمل ۵ گرم تریاک، ماموران حق تیراندازی به سوی وسیله نقلیه را نداشته باشند. به‌طور کلی ماموران باید هرزمانی که متوجه شدند آثار تخریبی تیراندازی آنان بیشتر از نتایج ممکن‌الحصول دستگیری متهم است اقدام به تیراندازی ننمایند.

۶- در صورتی که حسب قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق وسیله نقلیه حامل سلاح و مهمات غیر مجاز باشد:

حمل و نقل اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری بدون مجوز قانونی برابر مواد ۱ و ۲ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۵۰/۱۱/۲۶ جرم محسوب می‌گردد.

۱۰- بیرون بردن کالا از گمرک با استفاده از شمول معافیت با تسلیم اظهارنامه خلاف یا اسناد خلاف واقع

۱۱- (الحاقی ۱۳۵۸/۱۰/۲۲) اظهار خلاف راجع به کمیت و کیفیت کالای صادراتی به نحوی که منجر به خروج غیرقانونی ارز از کشور گردد.



۱۰- انواع پودر آذر

۱۱- انواع گلوله‌های مشبک کاری و میخ کوب

۱۲- انواع ترکیبات آلی نیتره شده (نیتروسلوز، نیتروگلسیرن، تی ان تی )

۱۳- انواع چاشنی‌های الکتریکی و غیرالکتریکی تأخیری یا آتی .

(د) انواع مواد محترقه :

۱- باروت شکاری

۲- انواع اقلام نورافشانی سبک و سنگین

۳- فسفر سفید، قرمز

۴- انواع پراکسیدهای معدنی از قبیل آب اکسیژنه ۶۰٪ به بالا، پراکسید، پتاسیم و اکسید سرب

۵- انواع پراکسید آلی از قبیل بنزوئیل پراکسید، استیل پراکسید.

۶- انواع پرکلرات‌ها از قبیل پرکلرات آمونیم و پرکلرات پتاسیم.

۷- انواع اکسید کننده‌های قوی از قبیل نیترات، آمونیم و کلرات .

با عنایت به اینکه تیراندازی برخلاف اصل و یک استثناء می‌باشد باید به موارد قدر متیقن آن در قانون اکتفا شود و فلسفه وضع این قانون نیز تیراندازی در موارد ضروری است. لذا به نظر می‌رسد که منظور مقنن از سلاح و مهمات مذکور در بند الف ماده ۶ سلاح گرم و مهمات و مواد منفجره و سلاح شکاری می‌باشد. البته اگر اموال مذکور به طور غیرمجاز وارد کشور شده و شامل اموال قاچاق گردد ماموران باز هم به استناد بند الف ماده ۶ حق تیراندازی به سوی خودروی حامل آن را دارند.

۷- در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به ماموران و یا مردم استفاده شده باشد:

چنانچه راننده عمداً با وسیله نقلیه به ماموران و یا مردم حمله نماید و وسیله نقلیه خود را عمداً جهت زیر گرفتن و ایراد ضرب و جرح ماموران و یا مردم براند صرف نظر از اینکه ماموران یا مردم مجروح، مصدوم و یا کشته بشوند یا اینکه عمل راننده نتیجه‌ای در پی نداشته باشد به موجب بند ب ماده ۶ ماموران حق تیراندازی به سمت وسیله نقلیه جهت متوقف ساختن وسیله نقلیه را دارند.

اما اگر بر اثر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت مقررات دولتی وسیله نقلیه از کنترل راننده خارج شود و پس از برخورد با ماموران یا مردم، راننده مقصر متواری گردد صرف نظر از اینکه نتیجه برخورد خودرو با ماموران یا مردم چه بوده ماموران حق تیراندازی را ندارند.

**پرسش:**

اگر راکب وسیله نقلیه و سرنشینان آن، وسیله نقلیه را که حامل مواد مخدر بوده رها نموده و پیاده پا به فرار گذارند آیا ماموران به استناد ماده ۶ حق تیراندازی دارند؟

**پاسخ:**

باتوجه به اینکه تیراندازی به سوی وسایل نقلیه باید به منظور متوقف ساختن آن انجام شود لذا پس از توقف خودرو به استناد ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح نمی‌توان به طرف افراد فراری تیراندازی نمود. نظریه شماره ۷/۳۴/۸۵/۳۳۰۸۴ مورخ ۸۵/۴/۱۷ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیز مؤید همین نظر می‌باشد.<sup>۳۶</sup>

با عنایت به توضیحاتی که داده شد شرایط تیراندازی قانونی به سوی وسیله نقلیه مستند به ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح به شرح ذیل است:

۱- تیراندازی به سوی وسیله نقلیه باید به منظور متوقف ساختن وسیله نقلیه توسط ماموران مسلح صورت گیرد لذا چنانچه وسیله نقلیه در ترافیک متوقف شده و یا درجایی پارک باشد حق تیراندازی وجود ندارد.

۲- ماموران حسب قراین و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق به این نتیجه رسیده باشند که وسیله نقلیه مسروقه حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر یا به‌طور غیرمجاز حامل سلاح و مهمات است و یا اینکه از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به ماموران و یا مردم استفاده شده است. بنابراین چنانچه به‌علل دیگری غیر از موارد فوق وسیله نقلیه تحت تعقیب قرار گیرد تیراندازی به سوی وسیله نقلیه غیرقانونی است. صرف مظنونیت و صرف عدم توجه به فرمان ایست ماموران و حتی فرار از مقابل ماموران، مجوز تیراندازی نمی‌باشد. نظر کمیسیون مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز همین نظر را تایید نموده است.<sup>۳۷</sup>

۳- برابر تبصره ۱ ماده ۶، ماموران موظفند که در ایستگاههای ایست و بازرسی، وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم اعم از موانع، تابلو و چراغ گردان تعبیه نمایند و مستفاد از این تبصره، ماموران باید به نحو مقتضی اولاً به افراد مخاطب و راننده و متصدی وسیله نقلیه بفهمانند که مأمور هستند و در ثانی جهت هشدار دادن به وسیله نقلیه، موانع، تابلو، چراغ گردان و غیره بکار ببرند تا راننده وسیله نقلیه آگاه گردد و چنانچه از ایست و بازرسی ماموران فرار نمود ماموران حق تیراندازی به سوی وسیله نقلیه جهت متوقف ساختن وسیله نقلیه را دارند. این

<sup>۳۶</sup>- نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح. حقوق جزای اختصاصی، جلد سوم، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، ص ۲۰۹.

<sup>۳۷</sup>- مجموعه نشست‌های قضایی حقوق جزای اختصاصی، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، صص ۲۲۴ و ۲۲۳.

تبصره تکلیف ماموران را در ایست و بازرسی مشخص کرده و بدان معنی نیست که شرط تیراندازی ایجاد ایست و بازرسی و فرار وسیله نقلیه از ایست و بازرسی است.

برخی از این شرط برداشت می‌نمایند که برای تیراندازی به سوی هر وسیله نقلیه لزوماً بایستی از قبل ایست و بازرسی دایم و یا موقت در محل تشکیل شده باشد و وسیله نقلیه از ایست و بازرسی متواری شود و بدون برقراری ایست و بازرسی ماموران حق تیراندازی به سوی وسیله نقلیه را ندارند.<sup>۳۸</sup>

چنانچه این دیدگاه را بپذیریم در عمل ماموران در بیشتر موارد در برخورد با وسایل نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر یا اسلحه و مهمات هستند امکان دایرکردن ایست و بازرسی در محل را ندارند و عدم برخورد با مجرمین باعث فرار آنان از قانون و عدالت می‌شود. به نظر می‌رسد منظور این تبصره تأکید بر این امر است که ماموران باید قبل از تیراندازی به سوی وسیله نقلیه به متصدی یا راننده آن اعلام نمایند که ماموران مسلح قانوناً در تعقیب آنان هستند و به آنان هشدار بدهند که وسیله نقلیه را متوقف نمایند.

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز نظر مخالف را پذیرفته و در نظریه مورخه ۸۶/۴/۴ اعلام نموده است: رعایت مقررات و انجام دستورات مندرج در تبصره‌های یک و دو ماده ۶ برای تیراندازی به وسیله نقلیه ضروری است. چنانچه بدون رعایت مقررات فوق تیراندازی شود این تیراندازی خارج از اذن و اجازه مقرر در ماده ۶ بوده و مرتکب آن در حدود ماده ۱۶ قانون، قابل تعقیب کیفری است.<sup>۳۹</sup>

۴- برابر تبصره ۲ ماده ۶ ماموران مسلح در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد. بدیهی است چنانچه تیرانداز ادعا نماید که ایست داده و راننده مجروح و یا اولیاء دم و مطلعین ادعای وی را رد نمایند بار اثبات این موضوع به عهده تیرانداز است که ثابت کند ایست داده و راننده هم شنیده است.

۳۸- رضازاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بررسی قانون به کارگیری سلاح، ص ۱۰۴.

۳۹- استعلامات قضایی قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح از اداره حقوقی قوه قضاییه، ص ۲۵۰.



## گفتار سوم: تکالیف و وظایف اشخاص مامل سلاح

### مبحث اول) وظایف ماموران مسلح قبل از به کارگیری سلاح

#### ۱- اخطار دادن در صورت اقتضای شرایط قبل از تیراندازی: (رعایت قاعده تحذیر)

قانونگذار در مواد متعدد این موضوع را تاکید نموده و ماموران را مکلف نموده که قبل از به کارگیری سلاح در صورت اقتضای شرایط اخطار قبلی بدهند (تبصره ۱ ماده ۳) و یا قبل از به کارگیری سلاح با اخلاگران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت نمایند. (بند ب ماده ۴)

همچنین برابر تبصره ۲ ماده ۶ ماموران در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر استفاده از وسایل هشدار دهنده با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.

#### ۲- احراز ضرورت تیراندازی مطابق قانون:

برابر بند ۳ ماده ۳ احراز اصل ضرورت در تیراندازی بدین معنی است که مامور باید قبل از تیراندازی به این نتیجه برسد که تنها راه و چاره جهت دستگیری فرد متواری با متوقف ساختن وسیله نقلیه و ... برابر قانون تیراندازی است. ماموران مکلفند قبل از تیراندازی از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده نموده و چنانچه موثر واقع نشده تیراندازی نمایند.

### مبحث دوم) وظایف ماموران مسلح هنگام به کارگیری سلاح

این وظایف برابر قانون به کارگیری سلاح به شرح ذیل است:

#### ۱- اصل تناسب در تیراندازی را رعایت نمایند:

برابر تبصره ۳ ماده ۳ ماموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند ثانیاً در صورت امکان مراتب: الف) تیرهوایی ب) تیراندازی کمر به پایین ج) تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

#### ۲- ماموران مکلفند هنگام تیراندازی به سوی افراد پا را هدف قرار دهند:

برابر ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح ماموران موضوع این قانون هنگام به کارگیری سلاح باید حتی المقدور پا را هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود.

#### ۳- برابر قسمت اخیر ماده ۷، ماموران مسلح مکلفند هنگام تیراندازی مراقبت نمایند که به اشخاص

ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد.

## مبحث سوم) وظایف ماموران مسلح بعد از به کارگیری سلاح

بعد از به کارگیری سلاح ماموران دو وظیفه مهم دارند:

۱- برابر تبصره ماده ۷، ماموران مکلفند از حال مجروحین مراقبت و مواظبت نموده و در اولین

فرصت آنان را به مراکز درمانی برسانند.

۲- ماموران مکلفند که صحنه را حفظ نموده و صورتجلسه ماوقع را تنظیم و به امضاء حاضرین در

صحنه رسانده و سریعاً موضوع را به فرمانده یا رئیس خود گزارش نمایند.

مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۶ قانون به کارگیری سلاح و همچنین مواد ۵۷ و ۳۳۲ ق.م.ا. و ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح شقوق مختلف مسئولیت ماموران و دولت و سازمان‌های نظامی و انتظامی را مشخص نموده‌اند که در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

### گفتار چهارم: پیامدهای حقوقی تیراندازی

ماموران مسلح در صورت استفاده از سلاح ممکن است موجب ایجاد جراحت و یا قتل افراد و یا ایراد خسارت به اموال دیگران شوند. تشخیص اینکه تیراندازی ماموران مطابق قانون به کارگیری سلاح بوده و یا اینکه مقررات قانونی رعایت نشده و همچنین تشخیص حدود مسئولیت مدنی یا کیفری ماموران و سازمان‌های نظامی و انتظامی با دادگاه صالح می‌باشد.

### مبحث اول) مسئولیت مدنی ماموران

برابر ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح چنانچه ماموری برخلاف مقررات قانون به کارگیری سلاح تیراندازی نماید علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز خواهد داشت.

البته در بعضی از موارد ممکن است مامور به کار برنده سلاح مسئولیت کیفری نداشته و صرفاً مسئولیت مدنی داشته باشد و آن در صورتی است که مامور به اوامر غیرقانونی فرمانده‌اش و به تصور قانونی بودن آن اقدام به تیراندازی نموده باشد. طبق ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی چنانچه مامور به اشتباه قابل قبول در اجرای دستور فرمانده اقدام به تیراندازی نموده باشد مسئولیت کیفری نداشته ولی مسئولیت مدنی دارد. ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته:

هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی ماموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.

ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص تیراندازی قانونی ماموران مقرر داشته:

هرگاه ثابت شود که مامور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی، تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه برعهده بیت‌المال خواهد بود.

بنابراین مامور ناچار است که در زمان اخذ دستور تیراندازی دقت کند که آیا این امر آمر، قانونی است یا خیر؟ چنانچه مامور بدون اشتباه قابل قبول دستور غیرقانونی تیراندازی را اجرا نماید مسئولیت کیفری و مدنی دارد و در صورتی که امر آمر غیرقانونی بوده و مامور بواسطه اشتباه قابل قبول آن را اجراء کرده باشد فقط پرداخت دیه و جبران خسارت به عهده مامور خواهد بود.

### سؤال:

آیا دادستان یا دیگر مقامات قضایی می‌توانند دستور تیراندازی صادر نمایند؟

### پاسخ:

پاسخ منفی است چراکه موارد مجاز تیراندازی در قانون به کارگیری سلاح ذکر شده و چنین اختیاری به مقامات قضایی داده نشده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سوال اظهار نموده که صدور دستور تیراندازی به ماموران انتظامی از طرف دادستان یا سایر مقامات قضایی فاقد مجوز قانونی است.<sup>۴۰</sup> بدیهی است که در موارد کسب تکلیف از سوی ضابطین و ارایه تعلیمات لازم یا تجویز استفاده از قوه قهریه با رعایت اولویت‌ها و موازین قانونی و شرعی به معنای دستور تیراندازی نبوده و صدور آن از سوی مقامات قضایی نه تنها بلامانع بلکه ضروری است.

### مبحث دوم) مسئولیت کیفری ماموران

برابر ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح هرگاه مامور برخلاف مقررات این قانون اقدام به به کارگیری سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی محکوم می‌شود.

ماده ۴۱ ق.م.ج.ن.م. نیز مقرر داشته: هر نظامی که در حین خدمت یا ماموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد و چنانچه از مصادیق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا. مصوب ۷۵/۳/۲ باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

۴۰- نظریه مشورتی ۷/۱۳۲۱ مورخ ۷۱/۱۲/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه.

ملاحظه می‌گردد که ماده ۴۱، تیراندازی عمدی برخلاف مقررات را جرم محسوب و صرف نظر از نتیجه تیراندازی قابل مجازات می‌داند و چنانچه تیراندازی منجر به قتل یا جرح نیز بشود علاوه بر آن مجازات قانونی، حسب مورد ممکن است به قصاص و یا پرداخت دیه محکوم گردد و در صورت وجود شرایط مشمول ماده ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا. می‌گردد. بنابراین در صورتی که تیراندازی منجر به قتل فردی شود به استناد ماده ۶۱۲ ق.م.ا. اگر شاکی نداشته یا شاکی گذشت نماید و یا به هر علت قصاص نشود و همچنین اگر مامور بر اثر تیراندازی عمدی دیگری را مجروح نماید در صورتی که اقدام مامور موجب اخلال در نظم و امنیت و صیانت جامعه شود یا بیم تجری دیگران باشد دادگاه مرتکب قتل را به حبس از سه تا ده سال حبس و مرتکب جرح را به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌نماید.

### پرسش:

منظور از مقتول یا مصدوم و مقصر چیست؟

### پاسخ:

تبصره ماده ۴۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مقرر داشته: «چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بیگناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد».

ماده ۱۳ قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران در موارد ضروری نیز مقرر داشته: «در صورتی که ماموران با رعایت مقررات این قانون سلاح به کارگیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بیگناهی مقتول و یا مجروح و یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوطه خواهد بود و...».

مقصر از نظر لغوی اسم فاعل و به معنی کوتاهی‌کننده و آنکه در کار و تکلیف خود کوتاهی و سستی کند می‌باشد. برابر ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبادلاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی. واضح است که منظور از مأمور مسلح مقصر، مأموری است که بدون رعایت قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری تیراندازی نموده است. اما در تعریف و تعیین مقتول یا مصدوم مقصر نظرات متفاوتی ارائه شده است.

قانون به کارگیری سلاح، شرایط خاصی را در مواد ۱ و ۲ برای ماموران مسلح مشخص نموده و در ماده ۳ الی ۶ به‌طور استثنایی در موارد خاص و ضروری اجازه تیراندازی به ماموران داده است.

با عنایت به مواد قانون به کارگیری سلاح فرد مقصر کسی است که در جریان تیراندازی مأموران، مرتکب اقدامات و یا تخلفاتی گردد که در قانون ممنوع شده و مقنن در قانون به کارگیری سلاح به مأموران اجازه داده که در صورت ارتکاب

اعمال مزبور توسط افراد، با رعایت ضوابط و مقررات قانونی از سلاح استفاده نمایند. به عبارت دیگر، مقصر کسی است که وظایف و تکالیف قانونی خود را انجام نداده و عامداً علیه نفس خود اقدام و جان خویش را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین چنانچه راننده خودرویی حامل کالای قاچاق باشد (بند الف ماده ۶ ق به کارگیری سلاح) و بدون توجه به ایست ماموران متواری و بر اثر تیراندازی قانونی ماموران کشته شود، مقصر شناخته می‌شود، لیکن اگر راننده خودرویی بدلیل نداشتن گواهینامه و یا فرار از خدمت و ترس از دستگیری به ایست ماموران توجهی نکرده و بر اثر تیراندازی ماموران کشته شود نمی‌توان نامبرده را مقصر دانست. نظریه شماره ۱۰۵ و ۱۰۶ نشست‌های قضایی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیز مؤید همین موضوع است.<sup>۴۱</sup>

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌ی شماره ۱۲۵۶ مورخ ۸۷/۳/۵ در پاسخ به این سوال که منظور از مقصر که در تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آورده چیست؟ به‌طور مبهم و مجمل اعلام نموده منظور از مقصر با توجه به اینکه پس از آن بیگناه آورده شده است آن است که مقتول یا مجروح بدون اینکه مرتکب جرمی شده باشد در اثر تیراندازی مجروح یا مقتول شده باشد.<sup>۴۲</sup>

بدیهی است که لفظ مقصر را باید در ارتباط با مفاد ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و همچنین مواد قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری و آئین‌نامه‌های مربوط مورد تفسیر قرار دهیم و تخطی از مقررات قانون مزبور موجب مقصر شناخته شدن فرد می‌گردد و نمی‌تواند افعال و اقدامات و تکالیف شخصی را در امری غیر از حادثه تیراندازی به این موضوع مرتبط کرد و فرد را مقصر دانست.<sup>۴۳</sup>

## پرسش:

چنانچه ماموری که مبادرت به تیراندازی نموده به همراه مقتول یا مصدوم هر دو مقصر باشند مسئولیت کیفری و مدنی آنان چگونه خواهد بود؟

## پاسخ:

در پاسخ به سوال باید گفته شود که متأسفانه در قانون به کارگیری سلاح و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح حکم این موضوع مشخص نشده و به همین علت در این خصوص نیز ۴ نظریه ابراز شده است: نظریه اول: مأمور صرفاً مسؤولیت کیفری دارد و مسئولیت مدنی ندارد و به لحاظ تقصیر فرد مقتول یا مصدوم دیده‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

۴۱ - مجموعه نشستهای قضایی، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد دوم، انتشارات فکرسازان، چاپ اول، سال ۱۳۸۱، صص ۲۱۵ الی ۲۱۷.

۴۲ - مجموعه نشستهای قضایی، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد دوم، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۴۳ - مجموعه نشستهای قضایی، معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد دوم، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

نظریه دوم: مأمور مطلقاً مسئولیت ندارد؛ این دسته از حقوقدانان معتقدند که چون مقتول یا مصدوم مقصر بوده خوش هدر رفته محسوب و مأمور هر چند مرتکب تقصیر هم شده باشد مسئولیت کیفری و مدنی ندارد.

نظریه سوم: مأمور و مقصر به تناسب تقصیر انجام شده، مسئولیت دارند؛ طرفداران این نظریه معتقدند برابر ماده ۱۲ قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در موارد ضروری و تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مأمورانی که با رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح مبادرت به تیراندازی می کنند از مسئولیت جزایی و مدنی مبرا خواهند بود و در صورت عدم رعایت ضوابط و مقررات قانون مزبور، چنانچه تیراندازی منجر به قتل یا جرح شود به استناد ماده ۱۶ قانون اخیرالذکر و ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مسئولیت کیفری و مدنی به عهده آنان خواهد بود. البته چنانچه بر اساس تحقیقات به عمل آمده و بنا به نظر کارشناس، شخص مقتول نیز به علت تخطی از ضوابط قانونی در وقوع حادثه تیراندازی منجر به قتل یا جرح مقصر شناخته شود مسئولیت مأمور در پرداخت دیه، برابر قواعد و مقررات مربوط به موجبات ضمان به تناسب درصد تقصیر خواهد بود. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۶/۴۹۶۳۶ مورخ ۸۶/۲/۳ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی این نظریه را پذیرفته است.<sup>۴۴</sup>

نظریه چهارم: مأمور مطلقاً مسئولیت دارد. به موجب این نظریه مأمور مقصر مسئولیت کیفری و مدنی دارد و تقصیر فرد مصدوم یا مقتول تاثیری در مسئولیت کیفری و مدنی مأمور ندارد؛ طرفداران این نظریه معتقدند:

اولاً: قانون به کارگیری سلاح موارد خاص و مشخصی را جهت تیراندازی ماموران به طور استثنایی احصاء نموده و در ماده ۱۲ همین قانون و ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صرف نظر از اینکه مقتول یا مصدوم مقصر باشد یا نباشد به صراحت مقرر شده؛ چنانچه ماموران با رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح تیراندازی نمایند از مسئولیت جزایی و مدنی مبرا خواهند بود. به عبارت دیگر خواه مقتول یا مصدوم مقصر باشد یا نباشد اگر ماموران مسلح بر خلاف مقررات قانون به کارگیری سلاح تیراندازی نمایند مسئول بوده و مسئولیت کیفری و مدنی آنان زایل نخواهد شد و قانونگذار شرط دیگری را برای مسئولیت کیفری و مدنی در نظر نگرفته است.

ثانیاً: اصل بر عدم جواز تیراندازی ماموران و حرمت دماء و محقون الدم بودن افراد است و تیراندازی به سوی افراد فقط در موارد ضروری و با رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح است به همین علت هم ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به به کارگیری سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی محکوم و وفق قوانین تحت پیگرد قرار می گیرد، صرف نظر از اینکه مقتول یا مصدوم مقصر باشد یا نباشد.

ثالثاً: در بررسی موضوع تیراندازی ماموران، قانونگذار در مواد قانون به کارگیری سلاح تکلیف نموده که قاضی ابتدا به این موضوع رسیدگی کند که آیا مأمور مسلح برابر قانون تیراندازی نموده یا اینکه مقصر است و برخلاف قانون مذکور تیراندازی نموده و تقصیر یا عدم تقصیر مقتول یا مصدوم با وجود تقصیر مأمور تیرانداز رافع مسئولیت کیفری وی نیست

۴۴- نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد سوم، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

اگرچه می‌تواند از موجبات تخفیف در مجازات مأمور باشد و با احراز تقصیر مأمور نوبت به بررسی تقصیر مصدوم یا مقتول نمی‌رسد.

رابعاً: قانونگذار مقررات و الزامات خاصی را برای تیراندازی مشخص نموده تا مجرمین خاطی توسط ماموران دستگیر شوند. مثلاً در تبصره‌های ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح اخطار دادن در صورت اقتضای شرایط استفاده از سلاح در مواردی که ماموران چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند و همچنین در صورت امکان تیراندازی هوایی، تیراندازی کمر به پائین، تیراندازی کمر به بالا را احصاء نموده است. حال چنانچه مأموری بدون رعایت این موارد (در صورتی که امکان اجرای آن را داشته) فوراً در صورت مشاهده یک سارق تیراندازی نماید، مقصر است و مسئولیت کیفری و مدنی دارد. چه بسا اگر مأمور مقررات قانون به کارگیری سلاح را رعایت می‌نمود مقتول یا مصدوم خودش را تسلیم مأمور می‌نمود و اصلاً نیازی به تیراندازی مأمور نیز وجود نداشت. به نظر می‌رسد که نظریه چهارم با اصول و موازین حقوقی سازگارتر است.

### مبحث سوم) مسئولیت دولت و سازمانهای نظامی و انتظامی

در صورتی که ماموران مسلح مطابق قانون به کارگیری سلاح تیراندازی نمایند هرچند که موجب ایجاد جراحت یا قتل یا ایراد خسارت به اموال دیگران شده باشند مسئولیت کیفری و مدنی نخواهد داشت.

ماده ۱۲ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته: مامورانی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به به کارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ‌گونه مسئولیت جزایی یا مدنی نخواهند داشت.

ماده ۱۳ همین قانون اشعار می‌دارد: در صورتی که ماموران با رعایت مقررات این قانون سلاح به کار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناه، مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی برآنان وارد گردیده باشد پرداخت دیه و جبران خسارت برعهده سازمان مربوطه خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. تبصره مفاد این ماده در مورد کسانی هم که قبل از تصویب این قانون مرتکب اعمال مذکور شده‌اند جاری است. تبصره ماده ۱۳ اجرای مفاد این ماده را عطف به ماسبق نموده و این شائبه را به وجود آورده که چگونه می‌توان فرض کرد مأمور به کارگیری سلاح، سالها قبل از وضع و تصویب قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ رعایت ضوابط و مقررات قانون مزبور را نموده باشد. این امر میسور و مقدور نخواهد بود مگر اینکه قبول نماییم که قانون به کارگیری سلاح ۱۳۷۳ عمدتاً مقتبس از قانون ایالات و ولایات و نظامنامه هیأت وزرای نظام یکصد سال پیش است.<sup>۴۵</sup>

۴۵- بررسی قانون به کارگیری سلاح، پایان نامه کارشناسی ارشد، محمد رضا زاده، ص ۱۱۳.

تبصره یک ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز مقرر داشته: چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. این تبصره عیناً همانند ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح نگارش شده جز اینکه مرجع پرداخت دیه یا خسارت را به جای دولت، بیت‌المال معرفی کرده است.

ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح دارد که چنانچه مامور به‌کارگیرنده سلاح برابر مقررات تیراندازی نماید جز مواردی که مقتول و یا مصدوم، مهدورالدم<sup>۴۶</sup> نبوده دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود.

به نظر می‌رسد مبنای جریان خسارت توسط دولت و یا بیت‌المال احکام حکومتی است و جنبه حمایتی دارد. به هر صورت چنانچه دادسرا در خصوص مامور بکارگیرنده سلاح قرار منع تعقیب صادر نماید و تشخیص دهد که مقتول یا مصدوم مقصر یا مهدورالدم نمی‌باشد مکلف است پرونده را در اجرای ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح جهت صدور حکم به پرداخت دیه توسط سازمان مربوطه به دادگاه صلاحیتدار ارسال نماید.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی ۷/۱۰۷۰۶ مورخ ۷۱/۱۲/۲۸ در این خصوص اظهار نظر نموده: چون در موارد پرداخت دیه از بیت‌المال دولت قانوناً مکلف به تمکین است لذا این موارد دعوی حقوقی به معنی اصطلاحی نیست تا مستلزم طرح دعوی علیه دولت براساس تقدیم دادخواست حقوقی باشد و به همین جهت در صورت تطبیق مورد با این موارد و صدور حکم از سوی محاکم جزایی، ادارات ذیربط براساس آن نسبت به پرداخت دیه اقدام می‌نمایند. بنابراین در مواردی که به علت نفی تقصیر از سوی مامور، قرار منع تعقیب صادر شده در صورت مطالبه دیه از جانب ذینفع، دادسرا بایستی پرونده مامور را به همان دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به امر جزایی دارد ارسال نماید تا دادگاه با رسیدگی و تطبیق موضوع با موارد پرداخت دیه از بیت‌المال که موارد آن در قوانین معین است از قبیل مورد مذکور در ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط ماموران در موارد ضروری حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال بدهد. بنابراین اولاً مطالبه دیه در این موارد با تقاضای اولیاء دم کافی است. ثانیاً دادگاه جزایی که به امر جزایی صلاحیت رسیدگی داشته به این امر نیز صلاحیت رسیدگی دارد. ثالثاً پرداخت هزینه دادرسی هم منتفی است.<sup>۴۷</sup>

نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۸۵/۳۱۳۰۶ مورخه ۸۵/۳/۲۰ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیز مؤید نظریه مزبور می‌باشد.<sup>۴۸</sup>

۴۶- مهدورالدم یک عنوان فقهی است و منظور کسی است که خودش هدر رفته است. فقهای امامیه زانی، محارب مفسد فی الارض، ساب‌النبی و... را مهدورالدم می‌دانند بدیهی است که تشخیص مهدورالدم بودن افراد با مرجع قضایی است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۵۸۱۵ مورخ ۸۲/۷/۹ اعلام نموده که مراد از مهدورالدم بودن کسی است که شارع مقدس اجازه کشتن او را داده باشد و بر دادگاه اثبات شود.

۴۷- نظریه مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد دوم، انتشارات فکرسازان، ص ۱۵۹.

۴۸- همان منبع.



**پرسش:**

اگر کسی در داخل خودروی حامل کالای قاچاق به عنوان سرنشین نشسته بوده و در اثر عدم توجه راننده به فرمان ایست ماموران و متعاقباً تیراندازی ماموران و فرار راننده خودرو، سرنشین کشته یا مجروح گردد مسئولیت قتل یا مصدوم شدن سرنشین به عهده چه کسی است؟

**پاسخ:**

در پاسخ به این سوال دو حالت قابل تصور است:

۱- اگر سرنشین با علم و اطلاع از اینکه راننده حامل کالای قاچاق است و به فرمان ایست توجه نخواهد کرد و احتمال تیراندازی منتهی به مرگ او هم وجود دارد سوار خودرو شده به نظر می‌رسد که در این صورت سرنشین اقدام به ضرر خود کرده و حتی راننده مقصر که به دستور ایست ماموران توجهی نکرده مسئول پرداخت دیه سرنشین مقتول یا مصدوم نیست.

۲- اگر سرنشین علم و اطلاعی از اینکه راننده حامل کالای قاچاق بوده نداشته اما در مسیر راه راننده به ایست ماموران توجهی نکرده و فرار نموده و بر اثر تیراندازی ماموران سرنشین مقتول و یا مصدوم شود راننده مقصر است و مسئول پرداخت دیه خواهد بود.

استفتاء انجام شده از مقام معظم رهبری و پاسخ معظم له درخصوص موضوع فوق‌الذکر به شرح ذیل می‌باشد:

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دام‌الله‌العالی علی رووس المسلمین

احتراماً؛ به استحضار حضرت‌عالی می‌رساند:

در مناطق مرزی متجاوزین مرزی و کاروانهای قاچاق مواد مخدر و کالا از حوزه‌های غیرمتعارف و فاقد تشریفات کمرگی به صورت پیاده به وسیله شتر یا با وسیله نقلیه تردد می‌نمایند و در مواجهه با ماموران محافظ مرز، به فرمان ایست آنان توجه نمی‌کنند در نتیجه ماموران به منظور متوقف ساختن متجاوزین، پس از اجرای مقررات ایست و تیراندازی هوایی به سوی آنان با هدف گرفتن کمر به پایین نفر پیاده یا شتر یا چرخهای خودرو شلیک می‌کنند که بعضاً به علت عوارض طبیعی نظیر پستی و بلندی زمین، متحرک بودن هدف یا عدم مهارت مامور گلوله به افراد پیاده، شتر سوار، راننده یا سرنشینان خودرو اصابت نموده و موجب قتل یا جرح می‌گردد.

حالی‌ه با عنایت به مراتب معروض مستدعی است نظر حضرت‌عالی را در رابطه با مسائل زیر بیان فرمایید؟

۱- آیا ضامن قتل و جرح و خسارت مالی، مامور است که مهارت کافی در هدف گیری لاستیکیها را نداشته است؟

۲- آیا ضامن قتل و جرح و خسارت مالی، دولت است که به ماموران دستور جلوگیری از ورود و خروج افراد مذکور

را داده است؟

- ۳- آیا ضامن قتل و جرح و خسارت مالی، راننده خودرو است که به دستور ایست ماموران توجه ننموده و نفس خود و سرنشینان خودرو را در معرض خطر قرار داده است؟
- ۴- در رابطه با بند سوم، چنانچه مامور به عنوان مباشر ضامن باشد آیا حق رجوع به راننده را دارد؟
- ۵- چنانچه سرنشینان خودرو به جهت عدم توجه راننده به ایست ماموران مجروح و یا مقتول گردند آیا در این مورد راننده مسبب قتل یا جرح است و ضامن پرداخت دیه راننده خودرو می‌باشد یا مامور؟

### پاسخ استفتاء

- مامور مربوط اگر اعلام ایست به نحوی که قابل شنیدن باشد نموده و تعدی و تفریط در تیراندازی نکرده باشد معلوم نیست ضامن باشد.
- در فرض مرقوم فوق، دولت نیز معلوم نیست ضامن باشد.
- راننده‌ای که به دستور ایست توجه نکرده و می‌دانسته یا احتمال می‌داده که به سوی او تیراندازی می‌شود ضامن است.

### گفتار پنجم: ابهامات و نواقص موجود در قانون به‌کارگیری سلاح

اگرچه در مباحث پیشین به تناسب بحث برخی از ابهامات و نواقص موجود در این قانون بیان شده اما جهت جمع‌بندی موضوع به صورت مختصر به اهم این ابهامات اشاره می‌شود:

- ۱- آیا این قانون در شرایط جنگی و آموزش نظامی نیز کاربرد دارد؟
- ۲- ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون به‌کارگیری یگان را مکلف دانسته بعد از هر تیراندازی منجر به قتل یا جرح زندانی یا بازداشتی زندانی متواری، کمیسیون کارشناسی جهت بررسی قانونی یا غیرقانونی بودن تیراندازی تشکیل و کمیسیون مذکور نظر خود را اعلام نماید. این موضوع در اصل قانون نیامده است و در نتیجه برخی از همکاران محترم را معتقد نموده که مفاد این آیین‌نامه خاص در مورد کل قانون کارایی دارد.
- ۳- یکی دیگر از نقایص این قانون عدم تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۴ و تبصره ماده ۱۱ و تبصره ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون مذکور می‌باشد.
- ۴- در این قانون مشخص نشده که شامل استفاده از سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین مثل توپ و آرپی‌جی نیز می‌گردد یا خیر؟
- ۵- در این قانون نحوه تیراندازی به سوی وسایل نقلیه دریایی و هوایی و همچنین تیراندازی در داخل هواپیما مشخص نشده است.

۶- ضمانت اجرایی عدم رعایت مفاد مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون به کارگیری سلاح مشخص نشده است. به طور مثال اگر فرمانده سلاحی در اختیار مامور قرار دهد که متناسب با موضوع ماموریت و وظیفه مامور نباشد چه ضمانت اجرایی دارد.

۷- حدود و ثغور مسئولیت فرماندهان در صورتی که سلاحی را در اختیار ماموری قرار دهند که آموزش لازم و کافی ندیده در ماده ۹ قانون به کارگیری سلاح مشخص نشده است.

۸- رعایت اصل تناسب در قانون به کارگیری سلاح به طور دقیق و مشخص بیان نشده است. به طور مثال مامور می تواند به کسی که مرتکب سرقت یک جلد کتاب شده تیراندازی نماید.

۹- در ماده ۳ این قانون پیش بینی شده که مامور حق تیراندازی به سوی برخی از مرتکبین جرایم را دارد اما جرایم مهمی مثل قتل، جاسوسی، آدم ربایی و ... ذکر نشده است.

۱۰- حدود مسئولیت کیفری و مدنی ماموری که مبادرت به تیراندازی نموده و همراه با مقتول یا مصدوم هردو مقصر باشند مشخص نشده است.

۱۱- در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح در خصوص تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها این ابهام وجود دارد که آیا ماموران قبل از تیراندازی حتماً باید ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد نمایند و در غیر این صورت حق تیراندازی ندارند.

۱۲- در مورد تیراندازی نسبت به افرادی که تحت نظر قرار گرفته اند خلاء قانونی وجود دارد.

۱۳- مشخص نیست که منظور از شورش مسلحانه در ماده ۵ قانون چه می باشد و در چه مورد شورش مسلحانه محسوب می شود.

### **پیوست شماره ۱: قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در موارد ضروری**

**ماده ۱** - ماموران مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضائی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند موظفند به هنگام به کارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.

**تبصره ۵** - ماموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی، در مورد به کارگیری سلاح مشمول این قانون می‌باشند.

**ماده ۲** - ماموران مسلح موضوع این قانون باید شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱ - سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله.
  - ۲ - داشتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله.
  - ۳ - تسلط کامل در به کارگیری سلاحی که در اختیار آن‌ها گذارده می‌شود.
  - ۴ - آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به به کارگیری سلاح.
- ماده ۳** - ماموران انتظامی در موارد زیر حق به کارگیری سلاح را دارند:

- ۱ - برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.
- ۲ - برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.
- ۳ - در صورتی که ماموران مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.
- ۴ - برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.
- ۵ - در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.

**تبصره ۵** - آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.

۶ - برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی).

۷ - برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد.

۸ - برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به‌ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هر گونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال.

۹ - برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند.

۱۰ - برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی.

**تبصره ۱** - در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است.

**تبصره ۲** - نیروهای مسلح در مواردی که در چهارچوب بندهای مذکور مأموریت داشته باشند، مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند.

**تبصره ۳** - مأموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً "چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب:

الف - تیر هوائی

ب - تیراندازی کمر به پائین

ج - تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

**ماده ۴** - مأموران انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمائی‌های غیر قانونی، فرو نشانیدن شورش و بلوا و

ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح مهار آنها امکان‌پذیر نباشد، حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایط زیر دارند:

الف - قبلاً" از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

ب - قبل از به کارگیری سلاح با اخلاگران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.

**تبصره ۱** - تشخیص ناآرامی‌های موضوع ماده ۴ حسب مورد بر عهده رئیس شورای تأمین استان و شهرستان و در

غیاب هر یک بر عهده معاونان آنان خواهد بود و در صورتی که فرماندار معاون سیاسی نداشته باشد این مسئولیت را به یکی از اعضای شورای تأمین محول خواهد نمود.

**تبصره ۲** - در مواردی که برای اعاده نظم و امنیت موضوع این ماده نیروی نظامی طبق مقررات قانونی مأموریت پیدا نمایند از لحاظ مقررات به کارگیری سلاح مشمول این ماده می‌باشند.

**تبصره ۳** - آیین‌نامه اجرائی ماده فوق توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و پس از تصویب هیأت‌وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.

**ماده ۵ -** ماموران نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمائی‌های غیر قانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. ماموران مذکور موظفند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضائی اقدام نمایند.

**ماده ۶ -** تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط ماموران موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد.

ب - در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به ماموران و یا مردم استفاده شده باشد.

**تبصره ۱ -** ماموران مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.

**تبصره ۲ -** ماموران مذکور در صورتی می‌توانند به وسائل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.

**ماده ۷ -** ماموران موضوع این قانون هنگام به کارگیری سلاح باید حتی‌المقدور پا را هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود و به اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد.

**تبصره ۳ -** مواظبت و مراقبت از حال مجروحین بر عهده ماموران انتظامی است و باید در اولین فرصت آنان را به مراکز درمانی برسانند.

**ماده ۸ -** رؤسا و فرماندهان مربوط مکلفند قبل از اعزام ماموران حدود اختیارات و مسئولیت‌های آنان را گوشزد نمایند.

**ماده ۹ -** مامورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر این که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.

**ماده ۱۰ -** سلاحی که در اختیار ماموران موضوع این قانون قرار داده می‌شود باید متناسب با موضوع مأموریت و وظیفه آنان باشد.

**ماده ۱۱ -** نیروهای نظامی و امنیتی در مواردی که طبق قانون و مأموریت‌های محوله با نیروی انتظامی همکاری می‌کنند طبق ضوابط این قانون از سلاح استفاده خواهند نمود.

**تبصره** - آیین نامه اجرائی این ماده توسط وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با

هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

**ماده ۱۲** - مأمورانی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به به‌کارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت.

**ماده ۱۳** - در صورتی که مأموران با رعایت مقررات این قانون سلاح بکار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد.

**تبصره** - مفاد این ماده در مورد کسانی هم که قبل از تصویب این قانون مرتکب اعمال مذکور شده‌اند جاری است.

ماده ۱۴ - نیروهای مسلح می‌توانند در مواردی که مقتضی بدانند علاوه بر جبران خسارت وارده در قبال صدمات جانی و ضرر و زیان مالی که مأموران مسلح در جهت انجام وظیفه طبق این قانون متحمل شده‌اند، مطابق مقررات به مأموران مذکور کمک مالی نمایند.

**ماده ۱۵** - نحوه تأمین و پرداخت وجوه مذکور در مواد ۱۳ و ۱۴ به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

**ماده ۱۶** - هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به به‌کارگیری سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی وفق قوانین تحت پیگردقرار می‌گیرد.

**ماده ۱۷** - از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی می‌گردد.

پیوست شماره ۲: آیین‌نامه اجرایی تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط  
مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۴/۳۰ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۹۱۹/۱/۶/۶۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۶ وزارتخانه‌های کشور و دادگستری و به استناد تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری - مصوب ۱۳۷۳ - آیین‌نامه اجرایی بند مذکور را به شرح ذیل تصویب نمود:

آیین‌نامه اجرایی تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری  
**ماده ۱- تعاریف و مفاهیم**

الف - بازداشتگاه: محل نگهداری موقت متهمانی است که طبق قوانین و مقررات تأسیس و اداره می‌گردد.

ب - بازداشتی: به کسی اطلاق می‌گردد که طبق قوانین و مقررات تا اتخاذ تصمیم نهایی در بازداشتگاه نگهداری می‌شود.

ج - زندان: محلی است که در آن محکومان قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی برای مدت‌معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند.

**ماده ۲ - مأموران ذی ربط در صورت مشاهده فرار بازداشتی یا زندانی موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند:**

الف - با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند.

ب - با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند.

ج - با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیرهوایی نمایند.

د - در صورت عدم تاثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.

**تبصره ۱ -** تیراندازی از ناحیه کمر به بالا در صورتی مجاز است که مراحل فوق رعایت گردیده و یا اجرای آنها ممکن نباشد.

**تبصره ۲ -** در صورتی که فرار با استفاده از وسایط نقلیه انجام گیرد، مأموران موظفند برابر ماده (۶) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ اقدام نمایند.

**تبصره ۳ -** دستورالعمل اجرایی چگونگی برخورد با نا آرامیهای داخل زندان و زندانیان و بازداشتیهای متواری از لایه‌های درونی زندانها و بازداشتگاهها توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تدوین و به تأیید رییس قوه قضاییه خواهد رسید.

**تبصره ۴ -** در صورتی که نقل و انتقال افراد زندانی یا بازداشتی توسط گروهی از مأموران صورت گیرد، تشخیص تیراندازی بر عهده فرمانده گروه مأموران مراقب می‌باشد.



**ماده ۳** - در شرایطی که رعایت ترتیبات موجب متواری شدن بازداشتی یا زندانی می‌شود، مأمور یا مأموران مجاز به استفاده از سلاح بدون رعایت ترتیبات فوق می‌باشند.

**ماده ۴** - به منظور پیشگیری و تقلیل حوادث پیش بینی نشده، مسئولان ذی ربط موظفند مأموران موضوع قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ را باقانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن حتماً آشنا نمایند.

**ماده ۵** - در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نموده و منجر به قتل یا جرح شده باشد اعم از اینکه شکایت از طریق یگان مربوط و یا شاکی خصوصی مطرح گردد، سازمان مربوط موظف است همراه با گزارش جامع خود در خصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل کننده نظریه هیأت کارشناسی مرکب از نمایندگان حفاظت اطلاعات، بازرسی، حقوقی و یگان مربوط را اخذ و به مرجع قضایی رسیدگی کننده ارسال نماید.

هیأت مزبور مکلف است با بررسی دقیق موضوع، نظریه خود را مبنی بر انطباق یا عدم انطباق اقدام مأمور یا مأموران در به کارگیری سلاح با مقررات مربوط اعلام نماید

**پیوست شماره ۲: آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۱۵ قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۷۹/۶/۱۳**

**ماده ۱-** در این آیین نامه واژه "قانون" به جای عبارت "قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری - مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ به کار می رود.

**ماده ۲-** سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مکلف است همه ساله اعتبار لازم جهت اجرای ماده (۱۳) قانون را ضمن ردیف جداگانه در لایحه بودجه کل کشور و اعتبار مربوط به اجرای ماده (۱۴) آن را در ذیل ردیف هریک از دستگاههای ذی ربط پیش بینی نماید.

**تبصره ۵ -** اعتبارات مذکور بر پایه درخواست دستگاههای مربوط تخصیص می یابد و طبق مقررات ذی ربط در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.

**ماده ۳-** دیه و خسارت و تعیین میزان آن (موضوع ماده « ۱۳ » قانون) که در اجرای مواد (۳)، (۴)، (۵) و (۶) قانون حادث شده باشد از محل اعتبارات مربوط توسط دستگاههای ذی ربط براساس رای مرجع قضایی پرداخت خواهد شد.

**تبصره ۵ -** مأمورانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی منطبق با مفاد قانون، مبادرت به به کارگیری سلاح نموده و از این لحاظ ملزم به پرداخت دیه یا جبران خسارت گردیده باشند در صورتی که وجوه مربوط توسط سازمان متبوع مأمور و یا دیگر سازمانها و نهادهای انقلابی و یا وابسته به دولت پرداخت نشده باشد با ارایه اسناد و مدارک لازم، وجوه ذکر شده از محل اعتبارات این آیین نامه پرداخت خواهد شد.

**ماده ۴ -** میزان پرداخت خسارات وارده در قبال صدمات جانی و ضرر و زیان مالی که به مأموران در حین یا در ارتباط با انجام وظیفه بر وفق قانون وارد شده است و نیز کمک مالی به این مأموران (موضوع ماده "۱۴" قانون)، در هر یک از وزارتخانه ها، سازمانها و نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) با تایید بالاترین مقام دستگاه مربوط و با رعایت قوانین و مقررات پرداخت خواهد شد.

پیوست شماره ۴: از آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور  
مصوب ۱۳۸۴

**ماده ۳-** زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است، با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضایی و قانونی، برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند.

**ماده ۴-** بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیت‌دار قضایی، تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند.

**ماده ۲۲-** تأسیس، احداث و اداره کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و سایر مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها، به طور انحصاری در اختیار سازمان می‌باشد. مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه‌های اختصاصی ممنوع می‌باشد.

**تبصره ۵-** بازداشتگاه‌های انضباطی نیروهای مسلح از شمول آیین‌نامه خارج است.

**ماده ۲۳-** اعزام، بدرقه، نقل و انتقال محکومان و متهمان به مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه‌های اختصاصی ممنوع می‌باشد.

**تبصره ۵-** بازداشتگاه‌های انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین‌نامه خارج است.

**ماده ۲۳-** اعزام، بدرقه، نقل و انتقال محکومان و متهمان به مراجع قضایی، مراکز درمانی، تربیتی، آموزشی، مرخصی‌های تحت‌الحفظ و یا سایر مربوط، براساس ضوابطی که از سوی سازمان اعلام می‌شود به عهده نیروهای مسلح یگان انتظامی سازمان می‌باشد و تا تأمین نیروهای مورد نیاز و استقرار کامل یگان یادشده، این امر به وسیله نیروهای انتظامی صورت می‌گیرد.

### پیوست شماره ۵: آیین نامه پادگانی

**ماده ۱-** تعریف پادگانی: پادگان محل و یا منطقه‌ای است که عناصری از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی به طور مجتمع و یا مستقلاً در آن مستقر شده باشند.

تبصره: اگر در یک جایی غیر از عناصر ثابت ژاندارمری و شهربانی عنصر دیگری از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی وجود نداشته باشند آنجا را نمی‌توان پادگان نامید.

**ماده ۲-** حدود پادگان: حدود پادگان همان حدود محل و یا منطقه‌ای است که پادگان در آنجا مستقر می‌باشد منتها بنابر مقتضیات و طبق مقررات خاصی ممکن است از طرف مقامات بالاتر در آن دگرگونی‌هایی داده شود.

**تبصره:** جای استقرار یگان‌هایی که در یک پادگان به طور جداگانه مستقر شده باشند سربازخانه نامیده می‌شود.

**ماده ۳-** عده‌های پادگانی: عده‌های پادگانی عبارت از مجموعه افسران، هنرفران، درجه‌داران، سربازان و کارمندان ارتش جمهوری اسلامی ایران که در یگان‌های و قسمت‌های مختلف یک پادگان مستقر می‌باشند.

**ماده ۹۲-** هنگام فرار زندانی در صورتی مراقبین مجاز به تیراندازی بر علیه زندانی فراری خواهند بود که به طریق دیگری امکان دستگیری یا جلوگیری از فرار آنان میسر نباشد در این صورت در فاصله زمانی که فرار از نظر دور نشود دو مرتبه با صدای بلند اخطار به ایست می‌دهند در صورت تمرد فراری، به تربیتی تیراندازی می‌نمایند که حتی‌المقدور تیر به قسمت پایین بدن اصابت نماید.

### اداره امور میدان‌های تیر- آموزش و ورزش

**ماده ۱۱۷-** بنا به دستور فرمانده پادگان برنامه استفاده از میدان‌های تیر آموزش و ورزش برحسب ظرفیت آنها و نیازمندی‌های یگان پادگان تنظیم و ابلاغ می‌گردد. این برنامه بنا به موقعیت ممکن است یک ماهه و یا برای برنامه، مدت بیشتری تنظیم شود.

**ماده ۱۱۸-** جهت اداره میدان‌های تیر اقدامات عمده زیر به عمل خواهد آمد؛

الف) تعیین مسئولیت (درجه‌دار و سرباز) به منظور نگهداری و حفاظت هر میدان و جلوگیری از رفت و آمد اشخاص غیرمجاز.

ب) انجام اقدامات تأمینی لازم از لحاظ تهیه سنگر، پناهگاه، پرچم‌های سبز و قرمز ارتباط تلفنی داخل میدان تیر و غیره.

پ) پیش‌بینی وسایل و تسهیلات مورد احتیاج میدان تیر مانند راه‌های ورود و خروج به میدان هدف‌ها، دفتر مدیر تیر، آبریزگاه، آب، آشامیدنی و غیره.

ماده ۱۱۹- بنابه دستور فرمانده پادگان یک روش جاری تیراندازی که شامل نکات زیر می باشد تهیه و ابلاغ خواهد شد؛

- الف) ابلاغ به مدیر تیر سازمانی در صورتی که در سازمان منظور نشده یک نفر معرفی می گردد.
- ب) تعیین مسئول میدان تیر.
- پ) قرق میدان تیر.
- ت) مسئول خط آتش.
- ث) افسر تأمین امنیت پناهگاه افراد (امنیت زمینی یا ساحلی).
- ج) افسران مربی و درجه داران کمک مربی (هماهنگ کننده).
- چ) طریقه به کار بردن و استفاده از هدف ها.
- ح) استفاده از پرچم های قرمز در موقع شروع تیراندازی و پرچم سبز پس از قطع آتش.
- خ) استفاده از بلندگو - شیپور و شیپورچی.
- د) برقرار شبکه مخابراتی داخل و خارج میدان.
- ذ) حضور پزشک یا پزشک یار با وسائل مورد احتیاج و آمبولانس در هر میدان تیر قبل از شروع تیراندازی.
- ر) استفاده از چراغ های سبز و قرمز به جای پرچم در تیراندازی های شبانه .
- ز) کنترل قرق نزدیک در تمام مدت تیراندازی.
- ژ) اعلام آتش بس در مواقع لزوم و بروز حوادث.
- س) بازدید جنگ افزار و شمارش پوکه و فشنگ های باقیمانده پس از هر مرحله تیراندازی و تنظیم صورت مصرفی مهمات تیراندازی شده.
- ش) تخریب گلوله های عمل نکرده و پاک کردن میدان تیر پس از خاتمه هر تیراندازی و تنظیم صورت جلسه پاک شده میدان تیر از گلوله های عمل نکرده.

## پیوست شماره ۶: آیین نامه پاسداری

**ماده ۱-** پاسدار به منظور انجام وظایف زیر انتخاب و معین می شود:

الف) حفاظت تأسیسات و اموال ارتشی.

ب) نگهبانی و مراقبت زندانیان .

پ) حفظ انتظامات برابر مقررات.

ت) ادای احترامات نظامی.

**ماده ۹-** جنگ افزار و تجهیزات و لباس عناصر پاسداری:

الف) جنگ افزار عناصر پاسداری برحسب وظایفی که به آنها محول می شود جنگ افزار می گیرند.

جنگ افزار پاسدار عموماً عبارت است از تفنگ با سر نیزه ، طپانچه مسلسل و در صورت لزوم سایر جنگ افزارها برای

تقویت، که مناسب با مأموریت پاسداری باشد.

**ماده ۶۰-** مقررات مربوط به وظایف عمومی ....

س) موارد استعمال اسلحه:

نگهبان در موارد زیرین اسلحه بکار می برد:

۱- وقتی که دستور به کاربردن اسلحه از طرف فرماندهی پاسدار صادر و توسط پاسبخش نگهبان ابلاغ شده باشد.

۲- در صورتی که جان نگهبان در خطر باشد.

۳- موقعی که پاسگاه نگهبان در خطر باشد.

۴- موقعی که عابر یا عابری به دستور ایست توجه ننماید.

**تبصره** - در مواقع بخصوص و یا در مواقع غیر عادی و همچنین در زمان جنگ ممکن است از طرف (ف،ر) که

مسئولیت و فرماندهی و حفاظت منطقه را عهده دار است معین و یا مناطق ممنوع العبور تعیین و طی سلسله مراتب

پاسداری به نگهبانان ابلاغ گردد که به محض رویت عابر و یا عابری بدون اتمام حجت تیراندازی نمایند در این صورت

(ف،ر) باید به محض صدور چنین دستوری مراتب را به مقام بالاتر گزارش و به قسمتهای تابعه نیز ابلاغ نماید.

در اجرای این دستور به منظور جلوگیری از سوء تصادف بین پاسبخشها و نگهبانان توصیه می شود که سرعت های

قراردادی علائم شرطی با دقت خاصی تعیین گردد تا طرفین قبل از رویت و نزدیک شدن به هم یکدیگر را به خوبی

درک نمایند و معمولاً در این مورد مخصوص نگهبان زوجی تعیین بشوند بهتر و مناسبتر خواهد بود.



عابر: بوستان

نگهبان: پیش به عبور

الف) رد و بدل کردن کلمه عبور مخصوصاً جزء اول وسوم باید طوری به آهستگی و صدای خفیف اجرا گردد که فقط طرفین آنرا بشنوند.

ب) چنانچه عابر پس از توقف، کلمه عبور نداشته باشد نگهبان با توجه به دستورات این آیین نامه ضمن نشانه روی کامل به عابر فوراً پاسبخش را احضار و طبق دستور پاسبخش رفتار می نماید.

۳- اگر عده از یک نفر بیشتر تا چند نفر به پاسگاه نزدیک شوند نگهبان به کلیه آنها ایست داده و سؤال می کند کیست؟ در صورت شنیدن جواب آشنا فرمان می دهد فقط ارشد عده برای دادن کلمه عبور پیش و به ترتیب بند(۱) رفتار و در خاتمه سؤال می نماید آیا همه این اشخاص با شما هستند؟ در صورت شنیدن جواب مثبت فرمان می دهد (اشخاصی که با ایشان هستند پیش) پس از آنکه نزدیک شدند سؤال می کند (آیا بین اشخاص غریبه نیست؟) و اگر جواب مثبت شنید اجازه عبور می دهد.

۴- اگر چندین عابر و با عابری از جهات مختلف به پاسگاه نزدیک شوند کلیه آنها را با فرمان ایست متوقف و سپس یک یا ارشد آنها را برای دریافت کلمه عبور احضار می نماید. و هیچوقت اجازه نمی دهد در آن واحد بیش از یک نفر به محل توقف نگهبان نزدیک گردد. مبادله اسم عبور بایستی به ترتیبی صورت گیرد که بقیه به اسم عبور پی نبرند.

۵- ترتیب تقدم احضار برای دریافت کلمه عبور دادن اجازه عبور عبارتند از :

افسر فرمانده، افسر نگهبان، افسر پاسدار، سایر افسران به ترتیب درجه، پاس بخش ها، گشتی ها، درجه داران پاسدار به ترتیب درجه، آشنایان.

۶- اگر عابر و یا عابری که در وسیله نقلیه سوار باشند نگهبان پس از فرمان ایست فرمان (پیاده شوید) می دهد و سپس طبق بند (۱) رفتار می نماید و نگهبان بسته به ابتکار خود در صورتی که لازم بداند می تواند به کلیه عده و یا ارشد عده که سوار نقلیه هستند فرمان پیاده شوید بدهد.

۷- اگر عابری یک قسمت نظامی تحت فرماندهی یک نفر باشد و قبلاً دستوراتی درمورد ساعت تقریبی ورود عده مزبور داده شده باشد و نگهبان نیز در انتظار ورود باشد پس از ورود عده و دادن ایست مانند بند(۱) اقدام می نماید و اگر دستور قبلی در مورد ورود قسمت نظامی نداشته باشد به محض متوقف کردن آنها قبل از اینکه اجازه عبور صادر نماید پاسبخش را برای کسب تکلیف و اجازه عبور احضار می نماید.

۸- در مواقعی که گشتی ها و نگهبانان متحرک به همدیگر برخورد نمایند طرفین ضمن اخذ موضع و پناهگاه و یا وضعیت مناسب به ترتیب بند (۱) رفتار می نمایند.



۹- باتوجه به کلیه موارد فوق اگر نگهبانان در موارد برخوردها هر نوع تردیدی پیدا نمایند پاسخخش را احضار و طبق دستور پاسخخش رفتار می نمایند.

**ماده ۶۱-** بازرسانی که به اتفاق پاسخخش از نگهبانان بازدید می نمایند:

در صورتی که بازرسان راجع به وظایف نگهبانی سئوالاتی بنمایند نگهبانان موظف هستند که در جواب وظایف عمومی و خصوصی خود را بیان نمایند.

**ماده ۷۴-** بردن زندانیان ...

۸- مراقبین در موارد زیر حق استعمال اسلحه دارند:

الف) در مورد حفظ جان خود

ب) بر علیه زندانی فراری

۹- مراقبین و نگهبانان زندان، ساز و برگ و اسلحه مربوطه را اخذ نموده و از هر آماده انجام وظیفه می گردند.

ماده ۷۵- مقررات مربوط به مراقبت زندانیان :

الف ) تیراندازی بر علیه زندانی فراری در صورتی مجاز می باشد که استمداد با طرق دیگری برای جلوگیری از فرار زندانی برای مراقب امکان نداشته باشد در این صورت دو مرتبه اخطار ایست می دهد در صورتی تمرد زندانی به قسمی تیراندازی می نماید که حتی المقدور به نقاط پایین بدن اصابت کند.

ب) در مواقع بروز اغتشاش یا هر نوع عدم نظم، مراقبین زندانیان در حدود توانایی خود اقدامات لازم جهت استقرار نظم و جلوگیری از فرار زندانیان را به عمل می آورند.

ج) مراقبین زندانیان محکوم به حبس جنایی درجه ۱ باید دستورات کافی راجع به میزان کار و ساعت کار آنها از افسر زندان یا معاون او دریافت دارند و مسئولیت دارند که زندانیان کارهای محوله را انجام دهند و پس از پایان کار، آنها را برگردانند و تحویل داده و بهره کار را به ارشد مراقبین گزارش می نماید.

د) نگهبانان زندان یا مراقبین باید قواعد مربوط به مراقبت و نگهداری، زندانیان را و همچنین هدایت و کنترل آنها را دقیقاً به کار برند.

**پیوست شماره ۷: از قانون تعیین حدود اختیارات و وظایف شورای امنیت کشور**

**مصوب ۱۳۶۸/۶/۸**

**ماده ۱۳** - شورای استان از افراد زیر تشکیل می‌گردد:

۱- استاندار (رئیس شورا)

۲- مدیرکل سیاسی و اجتماعی استانداری ( معاون شورا)

۳- فرمانده نیروی انتظامی استان

۴- مدیرکل اطلاعات استان

۵- فرمانده سپاه پاسداران

۶- فرمانده نظامی استان (در صورت وجود)

۷- مدیرکل دادگستری یا معاون وی

از وظایف اصلی شورای تأمین استان می‌توان به مسئولیت اتخاذ تصمیم در خصوص کلیه موضوعات امنیتی و نیز مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تبلیغی و قضایی مرتبط با امنیت استان و تهیه و تدوین سیاست‌های عام امنیتی استان در چارچوب سیاست‌های عام امنیتی کشور و ارائه آن به شورای امنیت کشور برای تصویب اشاره کرد. شورای تأمین شهرستان از مسئولان نهادهای مشابه با شورای تأمین استان در سطح شهرستان، تشکیل می‌گردد و به جای استاندار، فرماندار ریاست شورا برعهده دارد. وظایف شورای تأمین شهرستان، همان وظایف شورای تأمین استان، لیکن در سطح محدودتری می‌باشد.

**ماده ۶** - شورای تأمین استان مرکب خواهد بود از:

۱ - استاندار (رئیس شورا).

۲ - فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه در مرکز منطقه و فرمانده سپاه پاسداران ناحیه مستقر در مرکز استان.

۳ - رئیس شهرداری استان.

۴ - فرمانده ژاندارمری استان (بالاترین مقام ژاندارمری در استان).

۵ - فرمانده نظامی در استان (در صورت وجود).

**تبصره** - در صورتی که چند نیروی نظامی در استان وجود داشته باشد همه فرماندهان شرکت خواهند نمود.

۶ - سرپرست کمیته انقلاب اسلامی استان (در صورت وجود).

۷ - مسؤول کل اطلاعاتی در استان.

**تبصره** - استاندار می‌تواند دادستان استان و دادستان انقلاب را برای شرکت در شورای تأمین استان دعوت نماید.

## پیوست شماره ۸: از قانون مجازات اسلامی

الف) کلیات

**ماده ۲-** هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌گردد.

ب) امر آمر قانونی

**ماده ۵۶-** اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است، در موارد زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۱- در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد.

۲- در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

**ماده ۵۷-** هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون

محکوم می‌شوند ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است اجرا کرده باشد،

فقط به پرداخت دیه یا ضمانت مالی محکوم خواهد شد.

ج) دفاع مشروع

**ماده ۶۱-** هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در

برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع، عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر قابل

تعقیب و مجازات نخواهد بود:

۱- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد

۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد.

۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت، عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع

نشود.

**تبصره** - وقتی دفاع از نفس یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع

بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

**ماده ۶۲-** مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب

نمی‌شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قراین موجود خوف آن باشد که عملیات

آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض و ناموس گردد، در این صورت دفاع، جایز است.

**ماده ۶۱۶-** در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت

نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه

در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

**ماده ۶۲۵** - قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود، با رعایت مواد ذیل، مرتکب، مجازات نمی شود مشروط بر اینکه دفاع، متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می کرده است.

**تبصره** - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد نماید.

**ماده ۶۲۶** - در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می شود ولو اینکه از مأموران دولتی صادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود.

**ماده ۶۲۷** - دفاع در مواقعی صادق است که :

الف ( خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال مستند به قراین معقول باشد.

ب ( دفاع متناسب با حمله باشد.

ج) توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسانتری برای نجات، میسر نباشد.

**ماده ۶۲۸** - مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و برحسب ادله و قراین موجود، خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد، در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است.

د) قتل و جرح

**ماده ۲۰۴** - قتل نفس بر سه نوع است : عمد، شبه عمد، خطا

**ماده ۲۰۵** - قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می توانند با اذن ولی امر، قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و ولی امر می تواند این امر را به رییس قوه قضاییه یا دیگری تفویض نماید.

**ماده ۲۰۶** - قتل در موارد زیر قتل عمدی است :

الف) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها، نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

**ماده ۲۲۶-** قتل در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

**ماده ۲۹۵-** در موارد زیر دیه پرداخت می شود:

الف) قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آن که تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخص برخورد نماید.

ب) قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیبی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

ج) مواردی که جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست.

**تبصره ۱-** جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است.

**تبصره ۲-** در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بدون بکشد و این امر بردادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه، مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطای شبه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است.

**تبصره ۳-** هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوطه به امری، قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد، قتل و یا ضرب و یا جرح، در حکم شبه عمد خواهد بود.

**ماده ۲۹۶-** در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود.

**ماده ۳۳۲-** هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده، دیه به عهده بیت المال خواهد بود.

**پیوست شماره ۹: مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره تفسیر ماده ۸ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ موضوع استفساریه:**

**ماده ۸ -** قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، استنباطات مختلفی را در دادگاهها موجب گردیده است. بعضی از محاکم مرتکبان قاچاق خارج از مبادی مذکور را تبرئه و کالای مکشوف را مسترد می‌نمایند و برخی از محاکم با التفات به قسمت اخیر ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی، در هر کجای کشور که کالای قاچاق بدست آید آن را مشمول حکم قوانین قاچاق و مرتکبان را محکوم می‌نمایند. مستدعی است نظر تفسیری مجمع در خصوص ماده مذکور اعلام گردد.

**نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام:**

**ماده (۸)** قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ناظر به کلیه مبادی ورودی کشور اعم از عادی و ویژه بوده و منحصر به مرزهای عادی نیست و ناظر بر تعریف قاچاق کالا و سایر مواد قانونی مربوط به احکام قاچاق نمی‌باشد و محدودیتی در احکام سایر قوانین قاچاق و کالا ایجاد نمی‌کند. تفسیر فوق در جلسه روز شنبه مورخ بیست و هشتم دی‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تصویب رسید.

**پیوست شماره ۱۰: قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح**

**مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶**

**ماده ۱** - وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری ممنوع است مگر با اجازه دولت و چنانچه یک یا چند نفر بدون اجازه یکی از اشیاء مذکور را وارد یا خارج کنند حسب مورد به مجازاتهای زیر محکوم می‌شوند:

۱ - هرگاه مرتکب یا مرتکبین که لااقل یک نفر از آنان مسلح باشد در مقابل قوای دولتی مقاومت مسلحانه نمایند به اعدام و اگر مقاومت ننمایند به حبس با کار از سه تا ۱۵ سال.

۲ - هرگاه مرتکب یا مرتکبین هیچیک مسلح نباشند در مورد اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره به حبس با کار از سه تا ده سال و در مورد تفنگ و فشنگ شکاری و مواد محترقه به حبس عادی از سه ماه تا سه سال.

**تبصره ۱** - کسانی که هنگام ورود به کشور یکی از اشیاء مذکور در این ماده را با خود داشته باشند و به ماموران مربوط اعلام نمایند مشمول مقررات این ماده نبوده و در مورد اشیایی که همراه دارند طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

**تبصره ۲** - انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری که مشمول مقررات این قانون است از طرف وزارت جنگ تعیین و اعلام می‌شود.

**ماده ۲** - خرید و فروش یا نگهداری یا حمل و نقل و یا مخفی کردن یا ساختن هر یک از اشیاء مذکور در ماده یک به طور غیر مجاز ممنوع است و مرتکب حسب مورد مشمول مقررات مذکور در بند ۲ ماده یک می‌باشد.

**تبصره ۳** - اشتغال به کسب برای ساختن و تعمیر یا خرید و فروش هر نوع اسلحه مجاز ممنوع است مگر با اجازه وزارت جنگ. متخلفین به حبس عادی از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شوند.

**ماده ۳** - هرگاه یک یا چند نفر جنس یا نقودی را که صدور یا ورود آن ممنوع یا در انحصار دولت یا موکول به اجازه دولت است مسلحانه قاچاق کنند در صورتی که مرتکب یا مرتکبین که لااقل یک نفر از آنان مسلح باشد در مقابل قوای دولتی مسلحانه مقاومت نمایند به حبس دائم یا اعدام و اگر مقاومت ننمایند به حبس با کار از سه تا ده سال محکوم می‌شوند.

---

**تبصره ۱ -** هرگاه برای ارتکاب بزه مندرج در این ماده با توجه به نوع جنس مورد قاچاق به موجب قوانین دیگر کیفر

شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به کیفر اشد محکوم می‌شود.

**تبصره ۲ -** در تمام موارد مذکور در این قانون دادگاه نسبت به ضبط مال مورد قاچاق و تعیین جریمه نقدی طبق

قوانین مربوط رأی مقتضی صادر خواهد نمود.

**تبصره ۳ -** در مورد جرائم موضوع این قانون هرگاه ثابت شود که مال مورد قاچاق متعلق به دیگری است و مباشر

یا مباشرین عامل صاحب مال باشند علاوه بر مباشر صاحب مال نیز حسب مورد مشمول مواد ۱ و ۳ این قانون خواهد

بود.

**ماده ۴ -** در جرائم مربوط به این قانون هرگاه بیش از یک نفر مداخله داشته و قبل از کشف قضیه یکی از متهمین

ماموران تعقیب را از وقوع جرم مسبوق نموده و یا ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را

فراهم نماید و یا ماموران دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کند دادگاه می‌تواند او را از مجازات

معاف نماید.

**ماده ۵ -** مقررات ماده ۴۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق و ماده ۴۱۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش ملغی و رسیدگی به

جرائم مندرج در این قانون در صلاحیت دادگاه‌های نظامی خواهد بود.



**پیوست شماره ۱۱: از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب  
در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸**

**ماده ۱** - آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدید نظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.

**ماده ۱۵** - ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

۲ - رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

۳ - ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

۴ - سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

۵ - مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

**تبصره** - گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند.

**ماده ۱۶** - ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

**ماده ۱۷** - ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رئیس حوزه قضایی است.

**ماده ۱۸** - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص جرائم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.

**ماده ۱۹** - تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.

**ماده ۲۰** - ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می‌نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند. چنانچه بهر علت اجرای دستور و یا تکمیل میسر نگردد موظفند در پایان هر ماه گزارش آنرا با ذکر علت به مقام قضایی ذی ربط ارسال نمایند. متخلف از این امر به مجازات مقرر در ماده (۱۶) این قانون محکوم خواهد شد.

**ماده ۲۱** - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود:

- ۱ - جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله ماموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
- ۲ - در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
- ۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
- ۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.
- ۵ - در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود ماموران را به خانه خود تقاضا نماید.
- ۶ - وقتی که متهم ولگرد باشد.

**ماده ۲۲** - هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می‌دهند.

**ماده ۲۳** - در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت مقام قضایی محل خارج است، مقام قضایی محل مکلف است کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بداند به عمل آورده و نتیجه اقدامات خود را سریعاً "به مقام قضایی صالح اعلام نماید.

**تبصره** - در مورد اشخاصی که رسیدگی به جرائم آنان در صلاحیت دادگاه‌های مرکز می‌باشد ضمن اعلام مراتب منحصرأ آثار و دلایل جرم جمع‌آوری و بلافاصله به مرکز ارسال خواهد گردید.

**ماده ۲۴** - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت

باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می نماید. همچنین تفتیش منازل ، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

**ماده ۲۵** - ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می شود.

**ماده ۱۳۲** - به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید:

۱ - التزام به حضور با قول شرف.

۲ - التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استتکاف تبدیل به وجه الكفاله.

۳ - اخذ کفیل با وجه الكفاله.

۴ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول.

۵ - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون .

**پیوست شماره ۱۲: دستورالعمل تشکیل یگانهای حفاظت در دستگاههای کشوری****مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ فرماندهی معظم کل قوا**

۱- در این دستورالعمل « یگان » به جای « یگان حفاظت »، « ناجا » به جای « نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران »، « مقررات استخدامی ناجا » به جای « قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران » مصوب ( آزمایشی ) ۷۴/۴/۲۷ کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی، « قانون ناجا » به جای « قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران » مصوب ۶۹/۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی و « ستاد کل » به جای « ستاد کل نیروی مسلح » استفاده می شود.

۲- نهادها، سازمانها و وزارتخانهها که به لحاظ اهمیت، گستردگی و یا ویژگی خاص، نیازمند یگان حفاظت باشند، می توانند مطابق این دستورالعمل درخواست تشکیل یگان حفاظت نمایند در صورتی که ضرورت تشکیل یگان حفاظت به تصویب نرسید، حفاظت آنها کماکان توسط ناجا تأمین خواهد شد.

۳- نحوه تشکیل یگانها و تعیین مأموریت و وظایف آنها به شرح ذیل می باشد:

۳-۱- دستگاه متقاضی، درخواست ایجاد یگان و ساختار کلی، مأموریت و وظایف یگان را به وزارت کشور و ناجا منعکس می نماید.

۳-۲- وزارت کشور پس از اخذ نظر ناجا ( و عنداللزوم سایر مراجع ذی ربط ) نتایج بررسی خود را به همراه نظر ناجا، جهت تصمیم گیری به ستاد کل ارائه می دهد.

۳-۳- در صورت موافقت ستاد کل با ایجاد یگان، ساختار کلی، مأموریت و وظایف آن به تصویب رئیس ستاد کل می رسد.

۳-۴- آن دسته از کارکنان یگانها که حسب تأیید ناجا، آموزش لازم را دیده باشند، در حوزه مأموریت و در حدود وظایف خود، ضابط دادگستری محسوب می شوند.

**تذکر : یگانهای حفاظت موجود (گاردها) نیز می بایست به شرح فوق عمل نمایند.**

۴- تابعیت و ضوابط اداری و استخدامی یگانها و کارکنان آنها بصورت ذیل می باشد:

۴-۱- یگانها در شرایط عادی در تابعیت دستگاه ذی ربط می باشند و در شرایط خاص به تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح و یا شورای امنیت کشور، تحت کنترل عملیاتی ناجا قرار می گیرند.

۴-۲- مقررات اداری و استخدامی کارکنان یگانها ( به غیر از کارکنان نیروهای مسلح ) مقررات جاری دستگاه می باشد.

۴-۳- دستورالعمل انضباطی یگانها با پیشنهاد ناجا و پس از بررسی در وزارت کشور به تصویب ستاد کل می رسد.

۴-۴- فرماندهان یگانها و بخشی از کارکنان یگانها که به تشخیص ناجا به صورت قطعی بایستی از کارکنان ناجا باشند، بر مبنای جداول و سهمیه مصوب، تحت ضوابط ماده ۸۵ مقررات استخدامی ناجا و تبصره های آن ( خدمت تحت امر ) توسط ناجا تأمین می شوند.

۴-۵- کلیه هزینه های اداری نیروی انسانی و عملیاتی یگانها بر عهده دستگاههای کشوری است.

- ۵- وظایف خاص ناجا و وزارت کشور در ارتباط با یگانها به شرح ذیل می‌باشند.
- ۵-۱- خط مشی کلی حفاظتی و انتظامی یگان‌ها در چارچوب سیاست‌های ابلاغی ستاد کل با پیشنهاد ناجا و تصویب شورای امنیت کشور تعیین می‌گردد.
- ۵-۲- خط مشی اجرایی برنامه‌های حفاظتی انتظامی، توسط ناجا تهیه و ابلاغ می‌شود و ناجا بر اجرای آن نظارت می‌نماید.
- ۵-۳- ساختار سازمانی یگان‌ها، بر مبنای ساختار کلان مصوب ستاد کل، پس از پیشنهاد توسط ناجا که با همکاری سازمان ذی‌ربط تهیه شده، می‌بایست به تأیید وزیر کشور برسد.
- ۵-۴- لباس، علائم و نشان‌های یگان‌ها، پس از کسب نظر سازمان ذی‌ربط با پیشنهاد ناجا به تصویب وزیر کشور می‌رسد.
- ۵-۵- آموزش حفاظتی، تسلیح و تجهیز تخصصی یگان‌ها با رعایت تبصره ۱ ماده ۸۵ قانونی استخدامی ناجا و با همکاری دستگاه ذی‌ربط بر عهده ناجا می‌باشد و صدور مجوز حمل سلاح نیز توسط حفانا‌جا و پس از استعلام صلاحیت از حراست سازمان مربوط صورت می‌گیرد، سایر امور حفاظت اطلاعات بر عهده حراست ذی‌ربط است.
- ۵-۶- فرماندهان یگان‌ها از میان پرسنل انتظامی یا نظامی با هماهنگی دستگاه ذی‌ربط توسط فرمانده ناجا، پس از اعلام موافقت ستاد کل، نصب می‌شوند.
- ۶- ضوابط اجرای مواد ۱۶۵ و ۱۷۹ قانون برنامه سوم توسعه نیز همین دستورالعمل می‌باشد.
- ۷- این دستورالعمل در تاریخ ۷۹/۴/۵ به تصویب مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا رسید، از آن تاریخ لازم‌الاجرا بوده و مرجع تفسیر و اصلاح آن ستاد کل می‌باشد.

پیوست شماره ۱۳: فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره ۲ ماده یک قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مورخه ۸۹/۹/۱۴

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱۴

شماره: ۲۴۲۰۶/۲۵۲/۲/۱۱۱/۷۱

اعلام انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری

سلام علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد (ع)

با احترام، باستحضار می‌رساند: به موجب تبصره ۲ ماده یک قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ و قانون اصلاح تبصره ۲ ماده (۱) آن قانون مصوب ۱۳۵۴، انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری و مواد منفجره و محترقه از طرف وزارت دفاع و پش.ن.م تعیین و اعلام می‌شود. در اجرای قانون مذکور فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری در روزنامه رسمی مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۳ ابلاغ گردید. نظر به اینکه طی ۳۵ سال گذشته با ورود تکنولوژی‌های جدید، مصادیق سلاح سرد تغییر کرده بطوری که در حال حاضر اقلامی همچون افشانه‌های گازی و شوکرهای الکتریکی مختلف که کارایی قابل ملاحظه‌ای هم دارند بعنوان سلاح سرد در سطح وسیعی استفاده می‌شوند و طی سالهای اخیر نیروی انتظامی در مواجهه با متخلفان این اقلام (واردات، توزیع، حمل، استفاده و ...) اقدامات پیشگیرانه خود را بعمل آورده ولی مراجع قضایی بدلیل اینکه نام این اقلام در فهرست موضوع تبصره ۲ ماده یک قانون مورد اشاره درج نشده است از پیگیری قضایی خودداری کرده، بطوری که مشکلات امنیتی متعددی در این خصوص بوجود آمده است. لذا باتوجه به اهمیت موضوع و به استناد تبصره ۲ ماده یک قانون فوق‌الذکر، خواهشمند است دستور فرمایید، فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری و مواد منفجره و محترقه بشرح پیوست جهت ابلاغ به سازمان‌های ذیربط در روزنامه رسمی منتشر گردد.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار احمد وحیدی



- ۱۰- انواع پودر آذر
- ۱۱- انواع گلوله‌های مشبک کاری و میخ کوب
- ۱۲- انواع ترکیبات آلی نیتره شده (نیتروسلوز، نیتروگلسیرن، تی ان تی )
- ۱۳- انواع چاشنی‌های الکتریکی و غیرالکتریکی تأخیری یا آتی .
- (د) انواع مواد محترقه :
- ۱- باروت شکاری
- ۲- انواع اقلام نورافشانی سبک و سنگین
- ۳- فسفر سفید، قرمز
- ۴- انواع پراکسیدهای معدنی از قبیل آب اکسیژنه ۶۰٪ به بالا، پراکسید، پتاسیم و اکسید سرب
- ۵- انواع پراکسید آلی از قبیل بنزوئیل پراکسید، استیل پراکسید.
- ۶- انواع پرکلرات‌ها از قبیل پرکلرات آمونیم و پرکلرات پتاسیم.
- ۷- انواع اکسید کننده‌های قوی از قبیل نیترات، آمونیم و کلرات .



پیوست شماره ۱۴: تبصره بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۸۷ مصدق  
سلاح را به شرح زیر دانسته است:

منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد (مصدقی است).

۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک

۲- انواع اسلحه سرد و گرم از قبیل قمه، شمشیر، کارد، پنجه بوکس

در اینجا هم تمثیلی و مصدقی است.

۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگرهای متداول در نیروهای مسلح یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.

۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مشمول بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های شامل شکار کردن آبزیان.

## پیوست شماره ۱۵: پیش‌نویس لایحه بازنگری و اصلاح قانون به کارگیری سلاح در

### دبیرخانه شورای امنیت کشور مورخ ۱۳۸۷

بازنگری در قانون به کارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۱۳۷۳ با حضور نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت اطلاعات، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزارت دادگستری، ستاد کل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، وزارت کشور (معاونت حقوقی و امور مجلس) و نمایندگان اداره امنیتی به شرح ذیل مورد موافقت قرار گرفت: (موارد جدید به شکل پررنگ و خط دار چاپ شده است)

**ماده ۱-** ماموران و افراد مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش و تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی، حفاظت از شخصیت‌ها، امنیت پرواز و اقدامات امنیتی و اطلاعاتی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند موظفند به هنگام به کارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.

**تبصره:** ماموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف قانون و سایر افرادی که توسط دستگاه‌های مسئول طبق ضوابط قانون برای انجام برخی از اقدامات خاص از قبیل حفاظت شخصی و همکاری با نیروهای نظامی - انتظامی و امنیتی مسلح می‌شوند، در مورد به کارگیری سلاح مشمول این قانون می‌باشند.

**ماده ۲:** ماموران و افراد مسلح موضوع این قانونی باید شرایط زیر را داشته باشند:

۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با به کارگیری سلاح .

۲- داشتن آموزش‌های لازم در راستای وظایف محوله.

۳- تسلط کامل در به کارگیری سلاحی که در اختیار آنها گذارده می‌شود.

۴- آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به به کارگیری سلاح.

**تبصره:** دستگاه مسئول تسلیح کننده بایستی زمینه تحقق موارد مندرج در بندهای ۳، ۲ و ۴ را طبق ضوابط همان دستگاه برای افراد تسلیح شونده فراهم نماید.

**ماده ۳:** ماموران و افراد مسلح مشمول این قانون در موارد زیر حق به کارگیری سلاح را دارند:

۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح یا گرم به آنان حمله نماید.

۲- برای دفاع از جان یا ناموس خود برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.

۳- در صورتی که مشاهده کنند یک یا چند نفر حمله واقع شده و جان یا ناموس آنان در خطر باشد.

- ۴- برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق، گروگان‌گیران، آدم‌ربایان، قاچاقچیان مواد مخدر و سلاح و مهمات، قاتلین، مرتکبین جرایم مشهود، کسی که اقدام به جاسوسی، ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.
- ۵- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.
- ۶- تبصره: آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.
- ۷- برای حفظ اماکن، تأسیسات و تجهیزات نظامی، انتظامی و امنیتی.
- ۸- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده (به ویژه اماکن حیاتی و حساس) مصوب شورای امنیت کشور در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش سوزی، غارت اسناد و اموال، ربایش، گروگانگیری و اشغال.
- ۹- برای حفاظت از مقامات و شخصیت‌های داخلی و خارجی دارای رده حفاظتی، حفاظت از اجلاس‌ها، گردهمایی «مصوب شورای امنیت کشور» و نیز حفاظت از هرگونه شخصیت و مقام داخلی یا خارجی و یا اجلاس و گردهمایی و برنامه‌ای که طبق مصوبه شورای تأمین استان انجام شود.
- ۱۰- برای حفظ سلاحی که برابر قوانین و مقررات جاری در اختیار آنان می‌باشد.
- ۱۱- برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأموران توجه نمی‌نمایند.
- تبصره ۱-** در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است.
- تبصره ۲-** نیروها و افراد مسلح در مواردی که در چهارچوب بندهای مذکور مأموریت داشته باشند، مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند.
- تبصره ۳-** مأموران و افراد مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب:
- الف- تیرهوایی  
ب: تیراندازی کمر به پایین  
ج: تیراندازی کمر به بالا
- را رعایت نمایند. برای مواردی نظیر عملیات انتحاری، حفاظت از شخصیت‌ها و امنیت پرواز و.... که امکان رعایت مراتب سه‌گانه یاد شده وجود نداشته باشد، آیین‌نامه اجرایی نحوه اقدام به تیراندازی در دبیرخانه شورای امنیت کشور تهیه و به تصویب این شورا می‌رسد.

**ماده ۴-** ماموران انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیر قانونی، فرو نشاندن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح مه‌ار آنها امکان‌پذیر نباشد حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایط زیر دارند:

الف- قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

ب- قبل از به کارگیری سلاح با اخلال‌گران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.

**تبصره ۱-** تشخیص ناآرامی‌های موضوع ماده ۴ حسب مورد بر عهده رئیس شورای تأمین استان و شهرستان و در غیاب هریک برعهده معاون آنان خواهد بود و در صورتی که فرماندار معاون سیاسی نداشته باشد این مسئولیت را به یکی از اعضای شورای تأمین محول خواهد نمود.

**تبصره ۲-** در مواردی که برای اعاده نظم و امنیت موضوع این ماده نیروی نظامی طبق مقررات قانونی مأموریت پیدا نمایند از لحاظ مقررات به کارگیری سلاح مشمول این ماده می‌باشند.

**تبصره ۳-** آیین‌نامه اجرایی ماده فوق توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.

**ماده ۵-** ماموران نظامی و انتظامی و امنیتی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. ماموران مذکور موظفند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام نمایند.

**ماده ۶-** تیراندازی به سوی وسایل نقلیه یا شناورهای دریایی به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأموران موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف- در صورتیکه وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد مجرم یا متهم متواری یا اموال مسروقه یا مشروبات الکلی یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد.

ب- در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به ماموران و یا مردم استفاده شده باشد.

ج- در مورد وسیله نقلیه حامل کالای قاچاق براساس طرح مصوب شوراهای تأمین استان که به تأیید شورای امنیت کشور رسیده باشد.

**تبصره ۱۰-** ماموران مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی ثابت به اندازه لازم از وسایل هشدار دهنده (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) استفاده نمایند.

**تبصره ۲-** در مواقع خاص امنیتی و در شرایط نیاز به برقراری تورهای ایست و بازرسی موقت و ناگهانی (براساس تصمیم شورای تأمین محل) حتی المقدور از وسایل هشدار دهنده استفاده خواهد شد.

**تبصره ۳-** ماموران مذکور در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.

**ماده ۷-** در مواردی که از وسیله نقلیه یا هر نوع وسیله پرنده برای عملیات انتحاری یا تهاجم علیه شخصیت‌ها، اماکن حیاتی و حساس، جمعیت‌ها و ستون‌های نظامی استفاده شود ماموران مربوط می‌توانند بدون رعایت الزامات مندرج در ماده ۶ برای متوقف ساختن آن از سلاح استفاده نمایند.

**ماده ۸-** ماموران موضوع این قانون هنگام به کارگیری سلاح علیه افراد باید حتی المقدور پا را هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود و با اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد.

**تبصره ۵-** مواظبت و مراقبت از حال مجروحین بر عهده ماموران مذکور است و باید در اولین فرصت آنان را به مراکز درمانی برسانند.

**ماده ۹-** رؤسا و فرماندهان مربوط مکلفند قبل از اعزام ماموران حدود اختیارات و مسئولیت‌های آنان را گوشزد نمایند.

**ماده ۱۰-** مامورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر اینکه مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.

**ماده ۱۱-** سلاحی که در اختیار ماموران موضوع این قانون قرار داده می‌شود باید متناسب با موضوع مأموریت و وظیفه آنان باشد. مسئولیت تشخیص تناسب سلاح با مأموریت برعهده سازمان مربوط می‌باشد.

**ماده ۱۲-** نیروهای نظامی و امنیتی در مواردی که طبق قانون و مأموریت‌های محوله با نیروی انتظامی همکاری می‌کنند طبق ضوابط این قانون از سلاح استفاده خواهند نمود.

**ماده ۱۳-** مامورانی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به به کارگیری سلاح نمایند هیچگونه مسئولیت جزایی یا مدنی نخواهند داشت.

**ماده ۱۴-** در صورتی که ماموران موضوع این قانونی با رعایت مقررات مذکور در این قانون از سلاح استفاده کنند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بیگناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار سازمان مربوطه قرار دهد.

**تبصره ۵:** مفاده این ماده در مورد کسانی هم که قبل از تصویب این قانون مرتکب اعمال مذکور شده‌اند جاری است.

**ماده ۱۵-** نیروهای مسلح می‌توانند در مواردی که مقتضی بدانند علاوه بر جبران خسارت وارده در قبال صدمات جانی و ضرر و زیان مالی که مأموران مسلح در جهت انجام وظیفه طبق این قانون متحمل شده‌اند، مطابق مقررات به مأموران مذکور کمک مالی نمایند.

**ماده ۱۶-** نحوه تأمین و پرداخت وجوه مذکور در مواد ۱۴ و ۱۵ به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست جمهوری و با کسب نظر ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

**ماده ۱۷-** هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به بکارگیر سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی محکوم و وفق قوانین تحت پیگرد قرار می‌گیرد.

**ماده ۱۸-** از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی می‌گردد.

**منابع و مأخذ:**

- ۱- بارانی، محمد، روش تدریس کاربرد قانونی سلاح (با تکیه بر روش کارگاهی)، معاونت آموزش نیروی انتظامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۳- حسینی، سیدرضا، جزوه مقررات به کارگیری سلاح توسط ماموران مسلح، اداره کل دفتر آموزش و پژوهش سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- ۴- دلیر، حمید، جزوه مقررات به کارگیری سلاح توسط ماموران مسلح، اداره کل دفتر آموزش و پژوهش سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- ۵- رضازاده، محمد، پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحلیل و بررسی به کارگیری سلاح توسط ماموران مسلح در نظام کیفری ایران» سال ۸۸-۸۷، دانشگاه پیام نور.
- ۶- فرج الهی، رضا، قلمرو کیفری قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، مجله دادرسی، شماره ۵۴، ص ۱۹.
- ۷- فرهنگ فارسی عمید، سه جلدی، چاپ نهم.
- ۸- کیان زاده، ماهرخ، اسلحه‌شناسی جنایی، معاونت آموزش ناجا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، تهران.
- ۱۰- مالمیر، محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۱- مصلاهی، علیرضا، محشی قانون مجازات اسلامی، انتشارات بهرامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
- ۱۲- میرمحمد صادقی، حسین. جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۱۳- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، «مجموعه قوانین و مقررات کیفری» انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۴- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، «به کارگیری سلاح»، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۱۵- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، پرسش‌های قضایی و حقوقی، تهران، جلد اول، ۱۳۸۱.
- ۱۶- معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، مجموعه قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۷- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح «نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی»، جلد سوم، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۸- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، «مجموعه نشست‌های قضایی»، جلد دوم، انتشارات فکر سازان.

- ۱۹- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، « منتخب آراء دیوانعالی کشور در مورد احکام دادگاه‌های نظامی » چاپخانه سپاه، ۱۳۸۲.
- ۲۰- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، « نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی»، جلد دوم، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۶.
- ۲۱- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، « مجموعه نشست‌های قضایی»، جلد اول، انتشارات نگین قم، ۱۳۸۵.
- ۲۲- ولیدی، محمد صالح. حقوق جزای عمومی (جلد دوم)، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

## فهرست مطالب

### درآمد

### مقدمه

## فصل اول: کلیات ص ۱

گفتار نخست: طرح موضوع و اهمیت آن ص ۱

گفتار دوم: پیشینه تقنینی ناظر به بکارگیری سلاح

مبحث اول: قوانین و مقررات پیش از انقلاب ص ۳

الف) قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۴ ذی‌عقده ۱۳۲۵ هـ.ق: ص ۳



۱- موارد استعمال اسلحه در مواقع عادی: ص ۳

۲- موارد استعمال اسلحه در مواقع غیر عادی: ص ۴

ب) نظام نامه اداره نظمیة هیأت وزرای نظام دولت مصوب ۱۳۳۳ هـ. ق ص ۴

ج) لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می‌شوند مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۳۳ هـ. ش ص ۵

د) ماده واحده قانون اجازه حمل و استعمال اسلحه به نگهبانان بانکها مصوب ۱۳۵۰ هـ. ش ص ۶

ب) آئین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴  
ج) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

د) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱

هـ) قانون به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳

و) دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۷۵/۱/۱

ز) آئین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۵ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۳ هیأت وزیران.

ح) آئین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۸۱/۴/۳۰ هیأت وزیران.

ط) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹:

ی) آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ ریاست قوه قضاییه

مبحث سوم- قلمرو قانون به‌کارگیری سلاح و آیین‌نامه‌ی پاسداری

**گفتار سوم: تعاریف**

مبحث اول: منظور از سلاح و اقسام آن

مبحث دوم: مأموران مسلح موضوع قانون

الف) مأموران مسلح نظامی :

ب) مأموران مسلح غیرنظامی:

نتیجه:

گفتار چهارم: شرایط لازم و تکالیف فرماندهان در ارتباط با تیراندازی مأموران

مبحث اول) شرایط لازم

۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله:

۲- فراگرفتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله:

۳- تسلط کامل در به کارگیری سلاحی که در اختیار آنها گذارده می‌شود:

۴- آشنایی کامل به قانون و مقررات به کارگیری سلاح:

مبحث دوم) تکالیف فرماندهان

۱- احراز سلامت جسمانی و روانی مأموران:

۲- احراز تسلط مأموران تحت امر در به کارگیری سلاح :

۳- ارائه آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله:

۴- احراز این موضوع که مأمور مسلح آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به به کارگیری سلاح

دارد:

۵- در اختیار قراردادن سلاح متناسب با مأموریت :

۶- گوشزد نمودن حدود اختیارات و مسئولیت‌ها به مأموران مسلح :

۷- در اختیار قرار دادن وسایل هشدار دهنده و تجهیزات لازم:

۸- صدور دستور به کارگیری سلاح برای مهار ناآرامی‌ها:

گفتار پنجم: مباحث نظری مرتبط با موضوع

مبحث اول) حق یا تکلیف بودن به کارگیری سلاح

مبحث دوم) حکم قانون و امر آمر قانونی

۱- حکم قانون

۲- امر آمر قانونی

۳- مسائل مربوط به غیر قانونی بودن آمر و اوامر غیرقانونی

مبحث سوم) دفاع مشروع

۱- شرایط تجاوز

۲- شرایط دفاع

فصل دوم- مقررات حاکم بر به کارگیری سلاح

گفتار نخست: اصول کلی و مشترک ماکم بر تیراندازی

۱) اصل ضرورت تیراندازی:

۲) اصل تحذیر یا دادن هشدار لازم:

۳) اصل تناسب در تیراندازی:

گفتار دوم: شرایط اختصاصی و موارد مجاز تیراندازی

مبحث اول) دفاع از خود و دیگران

مبحث دوم) دستگیری

۱- تیراندازی به سوی متهمین و مجرمین برای دستگیری

الف- جرم سرقت:

ب- قاطع الطریق (راهزنی):

ج- ترور:

د- تخریب:

ه- انفجار:

### مبحث سوم) تیراندازی برای مفاظت

۶- تیراندازی برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد ( بند هفتم ماده ۳ ).

۷- تیراندازی برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله

جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگانگیری و اشغال ( بندهشتم ماده ۳).

۸- تیراندازی برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی ( بند ۱۰ ماده ۳ )

۹- تیراندازی برای جلوگیری از تردد غیرمجاز در مرزها

مبحث چهارم) برقراری نظم

مفهوم واژه‌ها

### مبحث پنجم) تیراندازی به منظور متوقف ساختن وسایل نقلیه

الف: مفهوم وسیله نقلیه

ب: تعریف قراین معتبر

ج: تعریف دلایل معتبر

د: تعریف اطلاعات موثق

ه: جایگاه ظن و گمان در تیراندازی به سوی وسیله نقلیه

و: شرایط تیراندازی به سوی وسیله نقلیه

### گفتار سوم: تکالیف و وظایف اشخاص مامل سلاح

#### مبحث اول) وظایف ماموران مسلح قبل از به‌کارگیری سلاح

۱- اخطار دادن در صورت اقتضای شرایط قبل از تیراندازی: (رعایت قاعده تحذیر)

۲- احراز ضرورت تیراندازی مطابق قانون:

مبحث دوم) وظایف ماموران مسلح هنگام به کارگیری سلاح

مبحث سوم) وظایف ماموران مسلح بعد از به کارگیری سلاح

گفتار چهارم: پیامدهای حقوقی تیراندازی

مبحث اول) مسئولیت مدنی ماموران

مبحث دوم) مسئولیت کیفری ماموران

مبحث سوم) مسئولیت دولت و سازمانهای نظامی و انتظامی

گفتار پنجم: ابهامات و نواقص موجود در قانون به کارگیری سلاح

پیوست شماره ۸: از قانون مجازات اسلامی

پیوست شماره ۹: مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره

تفسیر ماده ۸ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب

۱۳۷۴/۲/۱۲

پیوست شماره ۱۰: قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح

مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶

پیوست شماره ۱۱: از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری

مصوب ۱۳۷۸

پیوست شماره ۱۲: دستورالعمل تشکیل یگانهای حفاظت در دستگاههای کشوری

مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ فرماندهی معظم کل قوا

پیوست شماره ۱۳: فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره ۲ ماده

یک قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مورخه

۱۳۸۹/۹/۱۴ افشانه‌های گازی تهوع آور، خواب آور، بیهوش کننده .

پیوست شماره ۱۴: تبصره بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۸۷ مصادیق

سلاح

=====

**پیوست شماره ۱۵: پیشنویس لایحه بازنگری و اصلاح قانون به کارگیری سلاح در  
دبیرخانه شورای امنیت کشور مورخ ۱۳۸۷**